

بسم الله الرحمن الرحيم

لیست ترتیبی خطبه‌های مناسب‌های سال ۱۴۰۳

- ۰۱- خطبه‌ی ولادت امام حسن مجتبی (ع)- ۵ فروردین ۱۴۰۳
- ۰۲- خطبه‌ی شب نوزدهم رمضان شب قدر- ۸ فروردین ۱۴۰۳
- ۰۳- خطبه‌ی شهادت امام علی (ع) شب بیست و یکم شب قدر- ۱۰ فروردین ۱۴۰۳
- ۰۴- خطبه‌ی شب بیست و سوم رمضان شب قدر- ۱۲ فروردین ۱۴۰۳
- ۰۵- دل نوشته ی شب ۲۳ رمضان شب قدر- ۱۲ فروردین ۱۴۰۳
- ۰۶- خطبه‌ی عید فطر- ۲۱ فروردین ۱۴۰۳
- ۰۷- خطبه‌ی شهادت امام جعفر صادق (ع)- ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۳
- ۰۸- خطبه‌ی ولادت امام رضا (ع)- ۱ خرداد ۱۴۰۳
- ۰۹- خطبه‌ی شهادت امام جواد (ع)- ۱۶ خرداد ۱۴۰۳
- ۱۰- خطبه‌ی شهادت امام محمد باقر (ع)- ۲۴ خرداد ۱۴۰۳
- ۱۱- خطبه‌ی روز عرفه- ۲۶ خرداد ۱۴۰۳
- ۱۲- خطبه‌ی عید قربان- ۲۷ خرداد ۱۴۰۳
- ۱۳- خطبه‌ی عید غدیر- ۴ تیر ۱۴۰۳
- ۱۴- خطبه‌های محرم و صفر- تیر، مرداد و شهریور ۱۴۰۳
- ۱۵- خطبه‌ی ولادت امام موسی کاظم (ع)- ۲۱ مرداد ۱۴۰۳
- ۱۶- خطبه‌ی روز اربعین- ۳ شهریور ۱۴۰۳

- ۱۷- خطبه‌ی رحلت حضرت رسول اکرم (ص) و شهادت امام حسن (ع)- ۱۱ شهریور ۱۴۰۳
- ۱۸- خطبه‌ی شهادت امام رضا (ع)- ۱۲ شهریور ۱۴۰۳
- ۱۹- خطبه‌ی شهادت امام حسن عسکری (ع)- ۱۹ شهریور ۱۴۰۳
- ۲۰- خطبه‌ی سالروز آغاز امامت حضرت مهدی (عج)- ۲۱ شهریور ۱۴۰۳
- ۲۱- خطبه‌ی ولادت پیامبر (ص) و امام صادق (ع)- ۲۷ شهریور ۱۴۰۳
- ۲۲- خطبه‌ی ولادت امام حسن عسکری (ع)- ۱۹ مهر ۱۴۰۳
- ۲۳- بِأَبِي وَ أُمِّي وَ نَفْسِي- ۴ آبان ۱۴۰۳
- ۲۴- خطبه‌ی ولادت حضرت زینب (س)- ۱۵ آبان ۱۴۰۳
- ۲۵- خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) روایت اول- ۲۴ آبان ۱۴۰۳
- ۲۶- خطبه‌ی الیه راجعون- ۹ آذر ۱۴۰۳
- ۲۷- خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) روایت دوم- ۱۵ آذر ۱۴۰۳
- ۲۸- خطبه‌ی ولادت حضرت زهرا (س)- ۱ دی ۱۴۰۳
- ۲۹- خطبه‌ی ولادت امام محمد باقر (ع)- ۱۱ دی ۱۴۰۳
- ۳۰- خطبه‌ی شهادت امام هادی (ع)- ۱۲ دی ۱۴۰۳
- ۳۱- خطبه‌ی ولادت امام جواد (ع) و حضرت علی اصغر (ع)- ۲۰ دی ۱۴۰۳
- ۳۲- خطبه‌ی ولادت امیرمؤمنان علی (ع)- ۲۳ دی ۱۴۰۳
- ۳۳- خطبه‌ی افتتاحیه مهدیه صاحب الزمان (عج)- ۲۳ دی ۱۴۰۳
- ۳۴- خطبه‌ی شهادت حضرت زینب (س)- ۲۵ دی ۱۴۰۳
- ۳۵- خطبه‌ی شهادت امام موسی کاظم (ع)- ۵ بهمن ۱۴۰۳

۳۶- خطبه‌ی عید مبعث و ولادت حضرت نرجس خاتون (س)- ۶ بهمن ۱۴۰۳

۳۷- خطبه‌ی اعیاد شعبانیه- ۱۳ بهمن ۱۴۰۳

۳۸- دل نوشته‌ی ماه شعبان- ۱۹ بهمن ۱۴۰۳

۳۹- خطبه‌ی عید نیمه‌ی شعبان ولادت حضرت قائم (عج)- ۲۵ بهمن ۱۴۰۳

۴۰- خطبه‌ی شب اول رمضان- ۹ اسفند ۱۴۰۳

۴۱- خطبه‌ی ولادت امام حسن مجتبی (ع)- ۲۳ اسفند ۱۴۰۳

۴۲- خطبه‌ی شب نوزدهم رمضان شب قدر- ۲۷ اسفند ۱۴۰۳

۴۳- خطبه‌ی شهادت امام علی (ع) شب بیست و یکم شب قدر- ۲۹ اسفند ۱۴۰۳

اللهم عجل لولیک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

۵ فروردین ۱۴۰۳

خطبه‌ی ولادت امام حسن مجتبی (ع)

به نام خداوندی که اسمش دوی بیماری‌های نفس اماره است و ذکرش شفا دهنده آن و یادش آرامش قلب و شیرینی کام. بارالها تو را می‌خوانیم به نامی که حضرت ایوب خواند و بیماری و غم او را برطرف فرمودی، به نامی که حضرت یونس تو را خواند و گفت «سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» و او را از شکم ماهی نجات دادی و حضرت یوسف تو را صدا کرد و از زندان آزادش فرمودی. پس ای خدایی که اسماء نیکو و اسمای مکنون از آن توست را به تمامی آن نام‌ها می‌خوانیم که برطرف کنی از ما بیماری‌های نفسانی و آزاد کنی از اسارت نجوهای شیطانی که ماییم ظالمین به خود.

بارالها خود فرمودی که در صبحگاهان و شبانگاهان مرا بستائید، پروردگارا چگونه تو را بستایم که عظمت و جلال و جبروتی‌ات بیکران است و از هر ستایشی بالاتری، چگونه بستایم که همه هستی به ستایش مشغول است، در ذره‌ذره‌ی آفرینش علم و حکمت تو را می‌توان دید. پس ای خدای بنده نواز ستایشم را که از روی ناتوانی است قبول فرما تا لب‌هایم به هم گشوده شود.

پروردگارم همواره در آنچه آفریده بودی مرا متنعم فرمودی از هر آنچه از آسمان به زمین فرو ریخت و از زمین بیرون آمد تا بنده‌ای را در نعمت جانش مدد نماید، پس سپاسم را بپذیر و مرا در این روز بر آنچه وعده فرموده بودی از نعمت‌های بهشت داخل فرما تا سر بر آستان کبریایی‌ات بگذارم و تو را بستایم.

اینک در این شب مبارک ما به میلاد امام حسن مجتبی (ع) در این خانه حضور داریم. ایشان در نیمه رمضان سال سوم هجرت متولد شدند و ۷ سال با پیامبر، ۳۰ سال با امیر مؤمنان و ۱۰ سال امامت ایشان بود. عمرشان ۴۷ سال و امامتشان مصادف بود با معاویة‌ی ملعون که مردی سیاستمدار بود، او می‌خواست از هر راهی که ممکن است به هدف شوم خود برسد. از راه دروغ و تقلب، و از راه ظلم برای بقای حکومت

ننگین خود کوتاهی نکرد و به وسیله اصحاب پیامبر که با طلا خریده بود حدیث جعل می‌کردند.

صلح امام ضربت بزرگی بر پیکر حکومت معاویه بود چون اگر امام حسن (ع) صلح نمی‌کرد بعد از خونریزی فراوان معاویه امام را به دست اطرافیان می‌کشت، زیرا بزرگان لشکر امام را معاویه با پول خریده بود. امام حسن (ع) همان گونه‌ای که جد بزرگوارشان پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) به ایشان فرموده بودند با مردمی صد رنگ و سست عنصر و منافق روبرو شدند و با قبول پیشنهاد صلح معاویه ملعون دشمنان و منافقین را در گودال مکر و حيله‌ای که خودشان کنده بودند سرنگون کردند و آن‌چنان رسوا شدند که با دسیسه و حيله‌های شیطانی ایشان را مسموم و شهید نمودند. این غافلان و کوردلان و تهی مغزان این را نمی‌دانستند که بین حق و باطل هیچ زمان صلح نبوده و نخواهد بود. صلح امام حسن مجتبی (ع) همچون زبان حضرت زینب کبری (س) برنده‌تر از شمشیر بر فقر باطل فرود آمد و پایه‌های آن را متزلزل کرد.

باید باور و یقین داشت که نور امامت تجلی نور هدایت خداوندی است آن را نه با مکر و حيله و نه با زندانی و اسیری و نه با کشتن نمی‌توان خاموش کرد.

اینک در این شب مبارک ضمن عرض تبریک خدمت مولا و سرورمان ولی و امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) اعلام می‌داریم: ما ساکنان کوی عشق بر این باور هستیم که در این زمانه شما نیز همچون عموی بزرگوارتان امام حسن مجتبی (ع) با امتی دنباله‌روی مردم آن زمان روبرو هستید. جان عالم به فدای قلب نازنین شما که همچون عموی گرامی‌تان صبر می‌کنید. پس دست تمنای ما را در دستان مطهرتان بگیرید تا دور از همه‌ی آنان در بیعت با شما بمانیم به ندای:

اللهم عجل لولیک الفرّج

بسم الله الرحمن الرحيم

۸ فروردین ۱۴۰۳

خطبه‌ی شب ۱۹ رمضان شب قدر

سلام بر قدر، شبی که پروردگار فرمود تو چه می‌دانی شب قدر چیست. شب قدر بهتر از هزار ماه است. شب تقدیر جان‌ها، همان جان‌هایی که قلم جانشان را بر صفحه تقدیرشان به حرکت درآورده‌اند تا شبی را به سحر برسانند که برابر هزار ماه است. کدام ماه، مفهومش را درک نمی‌کنند. عمری که ماه‌های زندگی‌اش در تکرار مکررات روزمره گذشته است چگونه به شبی اندیشه کند که برابر هزار ماه است. با پروردگار به گفتگو می‌نشیند:

ای رب من امشب نیز مانند شب‌های گذشته در دقیقه‌های زمان می‌گذرد و من تو را در بزرگی نام‌هایت می‌ستایم. ندامت و پشیمانی از عمری که همواره در رمضان‌ها آمده و رفته و حاصلش را درک نکرده‌ام. امشب نیز به بزرگی و جلالت پناهنده شده‌ام، آیا توان درک مائده امشب را خواهم داشت؟ درحالی‌که در افکارم. به ساعت‌هایی اندیشه می‌کنم که یا هنوز در پرده ابهام هستند و یا زمانشان گذشته است. پس در محور جانم به حرکت درآمده‌ام، آیا نجاتی از این بند خاتمان‌سوز دارم؟ من قدر آنچه به جانم هدیه فرموده‌ای را نشناخته‌ام، چگونه توان مزده این شب را درک کنم. یاریم فرما تا به شبی اندیشه کنم که همه هستی در گفتگو با خالق خویش‌اند و من آن را در ساعات پر جنب‌وجوش ذهنی که همواره در محور روزمرگی‌اش می‌چرخد گم می‌کنم.

دست‌هایم را به سوی صاحب این شب می‌گشایم: ای خلیفه‌ی پروردگارم جز اشک چشمی که به گریستن خو گرفته دستاویز دیگری ندارم، به من ترحم فرما. تقدیراتم را می‌خواهم بر صفحه جانم بنگارم، صدایی در گوشم زمزمه می‌کند تو کی هستی؟ خودت را به بزرگی این شب عرضه کن، بگو من نعمت خالق خویش را به بهایی اندک فروخته‌ام تا عمری را به صحرای قیامت ببرم که اندوخته‌اش شب‌های قدر بسیاری

بوده که آمده و رفته و من در محفلش نشسته‌ام و باز جز همان جانی که به دنبال هدفی کودکانه به حرکت درآمده چیزی را درک نکرده‌ام.

هیئات بر چشم‌ها و گوش‌هایی که فرمان کتابت را خوانده و انگشت ندامت بر دندان گرفته. ای فریادرس به عقل خرد و کوچکم ترحم فرما تا تو را در هزار ماه جستجو کنم درحالی که عمرم کفاف هزار ماه را نمی‌دهد.

امشب اولین شب این هزار ماه است. دست خالی و ناتوانم را به دست امام و پیشوایم می‌گشایم: ای ذخیره‌ی شب‌های قدر به فرقی که سحرگاهان شکافته می‌شود تا رستگاری را معنا کند به فریاد جانی برس که خویش خویشتنش را گم کرده است و توان پیدا کردنش را ندارد. او نامش را نمی‌شناسد، نعمتش را نمی‌شناسد. عمرش در ساعت‌ها می‌گذرد و برزخش را نمی‌شناسد. به کجا خواهد رفت. همنشینش چه عملی خواهد شد.

پس تو را می‌خواند به بزرگی نامت که نامه‌ی عملش را در عشقش به پروردگارش بنگاری گرچه توان درکش را ندارد. امشب مانند سال‌های گذشته آمده تا به زبانی که خاموش است بگوید: ای صاحب جانم مرا در ساعات این شب بزرگ یاری فرما تا همواره نام زیباییات را در دقیقه‌های عمرم فریاد بزنم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی شهادت امام علی (ع) شب ۲۱ رمضان شب قدر ۱۰ فروردین ۱۴۰۳

سلام بر دقیقه‌ها و ثانیه‌های رحمت واسعه‌ی پروردگار. دقیقه‌هایی که منتظر وحی بودند تا نعمت نزول قرآن را در آغوش گیرند. مهمانی که در رمضان آمد. قلب‌ها از تلاوتش زنده شد. شب و روز و ساعات ماه مهمانی به عظمت آیاتش منور گردید. اینک جان‌ها مهمان سفره‌اش هستند تا نعمتش را در آنچه پروردگار فرمان داده بجویند. سر اطاعت بر آستان کبریایی‌اش بگذارند.

ای خالق اصوات زبان‌ها به زبانی که تو را در سحرها و افطارها به مدد می‌خواند ترحم فرما. او نام با جلالت را در قلبی جست‌وجو می‌کند که هزاران افسوس دهر در مقابلش به پیشکشی آمده و او دست ناتوانش را به جادوگری ماهر سپرده تا در جانش باطل را به مهمانی بخواند و باطل نقش خود را آن‌چنان حق جلوه دهد که هزاران جان آماده را با خود همراه کند. روزه‌داری که از خوردن و آشامیدن امساک کرده تا درونش را به انوار حق مزین کند. بر سفره‌ی باطل خوانده می‌شود. با اشتیاق دعوتش را می‌پذیرد و در مهمانی شرکت می‌کند که جایگاه غضب پروردگار است. رمضان در نقشی به پایان می‌رسد که خود برگزیده. بنده‌ی نفسی شده که پروردگارش آن را با آیات کتابش به همگان فرمان داده تا حق و باطل از یکدیگر جدا شود. سفره‌ی رمضان جانی را در خود جای می‌دهد که جوارحش خالی از خدعه و نیرنگ باشد تا طعام بنی‌اسرائیل در جانش بنشیند و پروردگار بر مائده‌ای مهمانش کند که خود فرموده بر سفره‌ی قدر بنشینید تا به اندازه‌ی هزار ماه جانتان از نعمتش زنده شود مانند امشب که لب‌های اسدالله پروردگارش را می‌خواند:

یا رب به اُمتی که همواره نعمت خویش را در بازار دنیا به فروش می‌رساند ترحم فرما. مسلمانی که پیامبرش را دوست می‌دارد، نماز را برپا می‌دارد، خمس و زکاتش را می‌پردازد آنگاه شمشیر بر فرق حق می‌کوبد تا حکم تو را به اجرا درآورد. جانش در آتش خشم خالقش به خاکستری تبدیل می‌شود که نشانی از آن باقی نمی‌ماند پس وای بر

اُمّتی که کتاب خدا را بر سر می‌گذارد که هزاران افسون شیطان در جانش لانه کرده و توان جدا شدن از آن را ندارد. قدر نشینی که جز رنج متاعی را به همراه ندارد. ساعات امشب شاهد عروج جانی است که زمان نفّس‌های متبرکش را در ثانیه‌هایش حفظ نموده، روزه‌داری که رمضان‌ها با نامش زینت داده می‌شود تا قدرنشینان را با سر مجروحش به عافیت بخواند. عافیتی که منتظران دولت ظهور در انتظارش هستند. حق مداری که در دولتش جزء رضای الهی گنجینه‌ای یافت نمی‌شود پس دستان خالی خویش را به سویی می‌کشاییم:

ای وارث خون علی (ع) بر ما امت خویش ترحم فرما تا جانمان را در نعمت این شب بزرگ متنعم کنیم و از سفره‌ی با برکت توشه برداریم. ما محتاج نگاه پرمهرتان هستیم تا دست خالی از رمضان بیرون نرویم و همواره شما را به مدد بخوانیم:

اللهم عجل لولیک الفرّج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی شب ۲۳ رمضان شب قدر

۱۲ فروردین ۱۴۰۳

سلام بر ایام آنگاه که جامه‌ی خویش را به دقیقه‌های قدر مزین می‌کند تا بهاری را به تصویر بکشد که شکوفه‌هایش جان‌ها را به تحسین و امیدوار می‌دارد. چوب‌های خشکیده آنچنان زیبا شده که خالق خویش را در بزرگی آفرینش می‌ستاید و امشب می‌خواهد جان‌های خشکیده را از کالبد‌های سرد و بی‌روح به درختانی پربار تبدیل کند. هزار ماه زیبا در جان‌ها به بار نشسته تا خالقش را به بزرگی نام‌هایش بستاند. آنگاه به آسمان دلش سفر کند یا رب رمضان رو به اتمام است. چگونه از سفره‌ی با برکت جدا شوم. من هنوز نتوانسته‌ام معنای رمضان را درک کنم. شکم را بر روی طعام بسته‌ام ولی جوارحم را به هر کجا که اراده نموده‌ام به حرکت درآورده‌ام.

اینک به آخرین هزار ماه رسیده‌ام. یاریم فرما من تقدیر خویش را با قلم قلبی نگاشته‌ام که همواره تو را به مدد خوانده: ای خالق جانم، خود فرموده‌ای که گدا را مران. من امشب گدای طعام سفره‌ی قدرم. جانم را از بند نفس اماره به سفره‌ی رمضان بخوان که خود فرموده‌ای من برای شما خواهان راحتی و آسایشم. آسایش از رنج جانی که همواره در بند شیطان اسیر است و توان جدا شدن از اندوخته‌های باطل را ندارد. دست خالی و پر دردش را به سوی خلیفه ات می‌گشاید:

مولای من عمرم در تمنای بخشش پروردگارم در سوز و گداز است. چگونه از موهبت این شب بزرگ به عافیتی برسم که رسول خدا (ص) سفارش فرموده. من نامم را نمی‌شناسم، بندگانم را نمی‌شناسم، قرآن را در سوره‌های پر عظمتش تلاوت نموده‌ام ولی راه و روش اطاعتش را نمی‌شناسم، گریزگاهی را نمی‌شناسم جز دستان پر مهر شما. امشب یاریم فرمایید. من در سفره‌ی رمضان طعامی ندارم. محتاج طعام مولایم علی هستم که به گدا، مسکین و یتیم دادند تا روحم از این همه ظلمت به انوار قدر مزین شود تا بشارت سحر فرشتگان را در قلبم احساس کنم. یاریم فرما مقدرات عمری را بنگارم

که شاید آخرین رمضان خود را نگاشته است. سفره ی سحرها و افطارهایش در حسرت دولتی گذشته است که پایان دهنده به این همه جور و ستم است.

پس تو را ای آخرین گنجینه ی حق به مدد می خوانم برای لحظات شبی که رو به پایان است و من در تمنای لحظه ای که نام باجلالت را از کعبه ی مکرمه به گوش جان بشنوم و آنگاه اعلام دارم به خدای کعبه که رستگار شدم. رستگاری که در پناه مولایش از ظلمت جانی نجات یافته که همواره او را خوانده به دعای:

اللهم عجل لوليک الفرج

والسلام وعلى عباد الله الصالحين

بسم الله الرحمن الرحيم

دل نوشته‌ی شب ۲۳ رمضان شب قدر

۱۲ فروردین ۱۴۰۳

بارالها، ای معبود من، این منم بنده‌ی گنه‌کار و روسیاه تو. در این نیمه شب قدر به درگاه جود و سخایت ایستاده‌ام و پناهنده شدم. یا غیاث المستغیثین. ای پناه درماندگان پناهم بده. من را به حال خودم در دنیایم، قبرم، برزخم و قیامت رها نکن. ای تطمئن القلوب، دنیایم با تو آرامش می‌گیرد بر صراط مستقیم و سعادت می‌یابم.

بارالها، معبود من زمانی که در قبرم گذاشتند و همه‌ی نزدیکان من رفتند و من در تاریکی قبر تنها ماندم فریاد خواهم زد: یا نورالمستوحشین فی الظلم، ای روشنی بخش وحشت زدگان یا امان الخائفین، ای امنیت کسانی که می‌ترسند به من رحم کن. به تنهایی و وحشت من رحم کن. ای که همه کس من تویی. امید و امنیت من تویی زمانی که صورتم را بر خاک گذاشتند و تنهای تنها ماندم.

خدایا خودت شاهی که در سختی‌ها و در همه‌ی امور از تو کمک خواستم پس. مرا ناامید نکن. برزخم را با اعمال خوبم آباد کن و تا قیامت محل آرامشم قرار بده. در قیامت به فریادم برس همان‌گونه‌ای که مولایم امیرمؤمنان (ع) با وجود اینکه در جنات نعیم جای داشت نیمه شب‌ها در مسجد کوفه با سوز دل و سیلاب اشک برای امتش از خداوند امان می‌خواهند چون قیامت را به عینه می‌دیدند. برای اُمتش از روی آیات قرآن امان می‌خواستند چون می‌دیدند که آنان بدون توجه به قیامت هر کاری که دوست داشتند انجام می‌دهند، می‌دیدند که چه کسانی بر قدرت مال و فرزندان خود امید دارند و به حالشان سود نکرد چون در آن روز فقط قلب سالم از آلودگی کارساز است. امان می‌خواهم از روزی که گنه‌کاران از چهره‌های سیاه و کبودشان شناخته می‌شوند. فرشتگان عذاب موهای پیشانی آنان را بدون توجه به فریادهایشان روی زمین می‌کشند و به جهنم می‌اندازند. امان می‌خواهم از روزی که شخصی حاضر است پدر و مادر و فرزندان خود را قربانی کند که شاید نجات یابد ولی آنان نیز او را تنها می‌گذارند.

جان عالم به قربان قلب نازنین مولایمان امیرمؤمنان (ع) که با دیدن این صحنه‌ها چنان رنجیده می‌شدند که نیمه شب تا سحر در مسجد کوفه با اشکی چون سیلاب برای امتش از خدا امان می‌خواستند. جان عالم به قربان قلب نازنین فرزند امیرمؤمنان (ع) مولا و سرورمان امام زمان (عج) که سعی و تلاش می‌کنند که با سفارشات گهربارشان، فرمایشات پر از معرفت و عرفان و راه و رستگاری و نجات دنیا و آخرت را به ما می‌آموزند تا از کسانی که پدر بزرگوارشان امیرمؤمنان (ع) توصیف فرمودند نباشیم.

از ساحت مقدسشان تمنا داریم که ما را از عنایات و توجهات خود بی‌بهره نگذارند اگرچه لایق آن نیستیم و دستان ضعیفمان را در دستان قوی خود بگیرند تا نجات پیدا کنیم. برای قبولی آن فریاد می‌کنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی عید فطر

۲۱ فروردین ۱۴۰۲

سلام بر فطر، آمدن طلوعی مبارک. آغاز و پایان فرمان پروردگار. آنگاه که همگان را بر سفره‌ی رحمت خویش خواند تا راز جانی را فاش کند که عمرش در گرو خوردن و آشامیدن نیست بلکه به دنبال ثروتی است که در گنجینه‌ی جانش نهفته است. فطرتی که مهماندار هدیه‌ی پروردگارش است و اینک بر سفره‌ی فطر نشسته است. در دلش زبانی شیرین به سخن درآمده: یا رب سحرها و افطارها را به امید رحمت بی‌پایانت سپری نموده‌ام. زبان از طعام بسته‌ام تا بتوانم با آن زبان با بارگاه جبروتی‌ات درد و دل کنم. آیا پاک و ناپاک برابر است؟ پس به جانی که به امید فرمانت از ناپاکی‌ها پرهیز نموده ترحم فرما تا روزی را آغاز کند که فرشتگان فطر به او می‌نگرند. وای بر غائبین این سفره‌ی ملکوتی. آنانی که جان خویش را به بهایی اندک فروختند. مردگانی که سحرگان در بستر جانی به خواب رفتند که جز ظلمت هم‌نشینی نداشتند. روزهای عمرشان در اندیشه‌ی جانی می‌گذرد که پروردگار فرموده آنان به مانند جانورانی هستند که صبحگان به چراگاه می‌روند و شامگان به مکانی که برای مرور آنچه بلعیده‌اند به خانه باز می‌گردند. امروز نوید رحمت الهی به مانند بارانی به وقت به جان‌هایی می‌بارد که ساعت‌های عمر خود را در بندگی خالق می‌گذرانند که آنان را به لقاء خود مژده داد.

امروز در دقیقه‌هایش نوید نجاتی را ذخیره نموده که آثارش روزه‌داری روزه‌داران ماه مبارک رمضان است. همانانی که از فرمان پروردگارش اطاعت نمودند و به مولایشان متوسل شدند: ای روزه‌دار واقعی پروردگار آنگاه که اعمال یک ماه بندگی اُمت خویش را در دستان ملکوتی خویش می‌گیری به دل‌های لرزانی که مولای خویش را به مدد می‌خوانند نظر رحمتی بفرما تا در نماز فطرتان بر آستان ملکوتیان آنگاه که زمین و آسمان به تمنا شما را می‌خوانند ما نیز با لب‌هایی که آرزومند نام با برکتتان است شما را بخوانیم به ندای:

اللهم عجل لولیک الفرَج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی شهادت امام صادق (ع)

۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

بارالها مدبر امور عالم و مالک و حاکمیت آن تویی، حکیمی و با تدبیر خود همه چیز را از علم بی‌پایانت در اوج و بی‌نقص آفریدی و به حال خود رها نکردی بلکه هر لحظه بر تمام خلقت محیط و بصیری. دانه‌ای در زمین رشد نمی‌کند، برگ‌ی از درخت نمی‌افتد، اعمال انسان‌ها بزرگ و کوچک همه را محاسبه فرموده پاداش و عذاب می‌کنی و قیامت را از روی عدالت و رحمت برپا نموده و آفرینش را معنی و تفسیر می‌کنی. بارالها تو سزاوار سپاس و حمد و ستایشی و مالک یوم‌الدینی، قیامتی که بر پایه حکمت و رحمت برپا می‌نمایی.

پس سلام بر جام جان‌ها آنگاه که به ندایی غبار انتظار را از جانشان می‌شویند تا به طرف صحرایی به حرکت درآیند که هدف خلقتشان بوده، زبانشان به حمد گشوده می‌شود: یا رب، استخوان‌هایی که بار دیگر به حرکت درآمده‌اند تا شاهدهی باشند بر عمل خلیفه‌ای که سر بر خاک بندگی نهاد، عمرش در شمار روزها و شب‌ها به محاسبه درآمد تا قیامت را به تصویر بکشد، پس یاریم فرما تا به طرف حقی به حرکت درآیم که مرا خوانده است. قلبم ضربانی را آغاز نموده که در آن شمار نفس‌هایم گواه هجرانی است که اینک به پایان رسیده، پس آیینی جانم را می‌گشایم تا نور احدیت را به نمایش بگذارم، نوری که چلچراغ فرمانی بود که همگان را به ضیافت قیامت خوانده است. وعده‌ای که در آن نیکان از جام‌هایی می‌نوشند که آمیخته به کافور است تا فراقی را به فراموشی بسپارند که در جانشان به ودیعه داشته‌اند.

چه توصیف زیبایی از قیامت را حضرت زهرا (س) فرمودند، از فراقی سخن گفتند که آدمی از آن زمان که از قرب الهی و جایگاهش به زمین آمد و هر لحظه دانسته و ندانسته این فراق باعث آزارش بوده و خودآگاه و ناخودآگاه برای برگشت به قرب الهی و جایگاه خود منتظرند، زیرا قیامت آیینی است که غیب جان‌ها را به نمایش در می‌آورد عشق‌ها، احساس‌ها و حمدها در قالبی زیبا به طرف خویش برود و او شاهد

وعده‌ای باشد که پروردگار فرمود: تاریکی و روشنایی برابرنند؟ انواری که در جان‌ها به ودیعه گذاشته شده صحرای حق را مانند خورشیدی بی‌فروزد، اولیا الهی برای آن لحظه‌شماری کرده و برای وصال آن از خداوند کریم تقاضا و تمنا کردند که امروز به شهادت یکی از ایشان در این کوی عشق حضور داریم.

ایشان ششمین اختر در آسمان امامت و ولایت، معلم راستین قرآن و عرفان، پاک‌کننده ی انحرافات از دین و بنیان‌گذار راه و رسم شیعه امام جعفر صادق (ع) هستند. عمر مبارک ایشان ۶۵ سال بود که در طول ۳۴ سال امامت خود علاوه بر تربیت بیش از ۴،۰۰۰ شاگرد، به قدری روایت از علوم مختلف از ایشان وجود دارد که دانشمندان را از این همه دانش و تلاش به حیرت واداشته

منصور دوانقی خلیفه‌ی ملعون عباسی در اواخر عمر امام جعفر صادق (ع) را در مضیقه‌ی شدیدی قرار داد و کلاس درس ایشان را تعطیل و ایشان را ممنوع الملاقات و خانه‌نشین کرد و سرانجام در ۲۵ شوال سال ۱۴۸ به امر آن ملعون مسموم و شهید شد. لعنت الله علی قوم الظالمین.

ما در این روز حزن و اندوه ضمن عرض تسلیت به پیشگاه فرزند گرامی ایشان سرور و مولایمان امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) به مناسبت شهادت پدر بزرگوارشان امام جعفر صادق (ع) ابراز می‌داریم: مولای ما، امام صادق (ع) به ما شیعیان راه و رسم شیعه بودن را آموخت؛ شیعه‌ای که به فرموده‌ی مادر گران‌قدرتان: آنگاه که با افکاری شیطانی طوفانی ویرانگر را بر موحدین پدرم رسول خدا (ص) وارد کردند تا او را فردی علاقه‌مند به خاندانش جلوه دهند پروردگار عالم آن را به نسیمی طراوت بخش تبدیل نمود که به همراه خویش القابی را تا قیامت رقم زد و آن نام شیعه بود که مهر اصالتش خون پاک موحدینی است که توانستند پرچم حق را در اهتزاز نگهدارند و دین خدا را با هدایتش بپذیرند نه با نقش بندگان در حیات و ممات.

پس مولا، ما منتظرانتان را یاری فرمایید شیعه‌ای باشیم که سرور عالمیان و امام جعفر صادق (ع) آن را توصیف فرموده‌اند.

در خاتمه دست به دعا بر می‌داریم:

بارالها نام شیعه و منتظر نامی است بس بزرگ و مسئولیتی سنگین؛ ما را یاری کنید تا بتوانیم با آن نام بمیریم و در قیامت محشور شویم.

بارالها ما نیز همچون شاگردان امام جعفر صادق (ع) تربیت شده در مکتب امام عصر (عج) هستیم پس یاری‌مان فرما تا از آموخته‌هایمان در راه اسلام راستین بهره بگیریم.

بارالها ما را از شفاعت امام شیعیان امام جعفر صادق (ع) و پدران و فرزندان در قیامت بی‌نصیب نگردان.

بارالها در ظهور دولت حق امام و ولی نعمتمان تعجیل بفرما و ما را جزء منتظران آن حضرت قرار بده.

اللهم عجل لولیک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی ولادت امام رضا (ع)

۱ خرداد ۱۴۰۳

سلام بر لحظاتی که چونان قطرات باران بر جان‌های تشنه نوید نجات از کویر جان را می‌دهد، جانی که رشته‌اش در ظلمات نفس ندایی را زمزمه کرد و در زمزمه‌اش حیاتی را خرید که بهایش نجات از زندان درون بود. درونی که از شگفتی‌اش مخلوقات الهی به سخن درآمدند و ابراز داشتند که: پروردگارا، آنچه ما زمزمه می‌کنیم آن‌چنان در خشوع خالقمان است که حیاطمان را در حرارتش می‌سوزاند و حاصلش را به ندایی تبدیل می‌کند که همواره یا رب را در بطن خود دارد.

پس شکر و سپاس پروردگار کریم را که از سر رحمتش نفس‌هایی که در ظلمات نفس اماره هستند را با باران رحمتش روشن به نور ایمان نموده تا نجات را بر جان‌شان بخرند.

سلام بر بندگان مخلص و جایگاهشان در جنات نعیم، جایگاهی که منتظر بندگان است که خالق خود را در اعماق قلبش می‌ستاید و با رنگ یکتاپرستی خالص به طرف او حرکت می‌کند. آنگاه پروردگار کریم قلبش را در مکان رحمت خود قرار می‌دهد و پرتو آن رحمت را آشکار می‌کند. رنگ‌های الوان به سخن درمی‌آید و آتش عشق زبان قلب را گویا می‌سازد.

چه زیباست این فرمایش حضرت زهرا (س)، قلبی که عاشق پروردگار شد، آن را خداوند مهربان جلای عشق می‌زند تا اسماء متبرکه الهی به زیبایی در آن دیده شود تا عشقی افزون بر افزونی دیگر وجود را در پرتو نور الوان الهی روشنایی بخشد. چون پروردگار کریم در تمام وجودها تمنای رسیدن به خالق را به ودیعه نهاده است. اگر وجود را شیطان نفس تسخیر نکند می‌تواند رهنمون باشد و انسان را به مقامات الهیه برساند. زبان قلب چه زبان زیبایی است که آن صدف وجود نهانی و الستی است که کتاب آفرینش را در خود دارد و هر کدام از اعضای بدن مادی نشانی از مروارید داخل صدف است.

شکر و حمد و سپاس بی‌کران پروردگار مهربان را سزااست که راه رسیدن به آن را با نور ۱۴ ستاره‌ی درخشان از پرتو نور خود منور فرمود که اینک در این خانه‌ی بلند و مقدس ما را صاحب قلبی دورهم جمع نموده که قرن‌هاست رنگ‌های زیبای بندگی‌اش مجذوب کننده‌ی زائرین کوی‌اش بوده و هست. ایشان هشتمین حجت برحق الهی، ثامن الحجج امام علی بن موسی‌الرضا (ع) می‌باشند.

ایشان در سن ۳۵ سالگی به امامت منصوب گردیدند و مدت ۲۰ سال در مقام امامت امت به هدایت و امر به معروف و نهی از منکر قیام فرمودند و در این مدت با سه عنصر ظلم و فساد و جنایت عباسی یعنی هارون‌الرشید و محمد امین و مأمون عباسی مبارزه نمودند. پس از سه سال که در خراسان اقامت داشتند به دست مأمون ملعون شهید شدند.

اینک در این روز مبارک از پیش‌بینی‌ها و سفارشات امام رضا (ع) نقل می‌کنیم، امید است بهره کافی از آن ببریم.

پروردگار حقیقت دین را در شناخت کتابش قرار داد پس اطاعت از قرآن کریم افضل اعمال است که اهل‌بیت را با آن می‌توان زیارت نمود و مکان‌ها همواره در تاخت و تاز سلاطین زمان در صورت اصلی به ظاهری که اراده‌ی آن‌هاست تغییر شکل می‌دهد، این تغییرات در چشم آنانی که توان درک اصل را ندارند قابل توجه است، پس پیامبر (ص) تا ابد خاتم‌النبین است و پسر مهدی (عج) آخرین وصی ایشان که عالم از وجود مطهرش جان می‌گیرد و دعا زیباترین ارتباط در زمان‌های چندگانه محسوب می‌شود. پس علم زمان علم زیبایی است که عقل‌ها طبق آنچه برایشان به ثبت رسیده رفتار می‌کنند و شرح جان‌ها شرح زیبایی است که جز خالق کسی قادر به توصیفش نمی‌شود. هرگاه که می‌خواستم برای مردم صحبت کنم از مادرم حضرت زهرا ی اطهر (س) می‌خواستم تا به غربتم پایان دهد. اینک غربت دین جدم چندین برابر آن زمان است. جان‌ها پاره‌پاره گشته و زبان‌ها از حرکت ایستاده، چشم‌ها حتی در پلک زدن خویش به مکر و حيله مبتلا گشته، وای به حال امتی که اعضا و جوارحش با جانش در خدعه و نیرنگ باشد. این چه زمانی است که جاهلیت آن را به یاد نمی‌آورد و پروردگار

می‌فرمایند: جاء الحق و زهق الباطل. باطلی که حقی در کنارش وجود ندارد تا جانی را بیدار کند که در نفس اماره به رقص و پاکوبی پرداخته تا سر بی‌مقدارش را در مقابل جان بی‌ارزشی خم کند که هزاران نقش شیطان را به همراه دارد و جان‌های مجروح از ظلم زمان به مانند کرم‌های شب‌تاب که در تاریکی می‌درخشند در رفت و آمد هستند تا از نورشان فقط خودشان بهره‌مند شوند.

حال ای مهمانان کوی عشق دست و جان نیازمان را به‌سوی پروردگار کریم بلند می‌کنیم که ای رب‌العالمین فرمودی امانت را به کوه‌ها سپرده‌اید و آنان سرباز زدند و انسان آن را در جهالت درکش پذیرفت، جهالتی که افتادن از آغوش پروردگار بود، از آغوش رحمتش به غربتی سقوط کرد و آن را به آب دیده آراست تا بازگشتش را بپذیری، بازگشتی که توبه ضامنش بود.

پس ای یاور بیچارگان به ما امانت‌داران امامت ترحم کن تا امانتی را که به دوش کشیده‌ایم با توبه از جهالت‌مان به سرمنزل اولیه برسانیم پس در راه رساندنش ما را یاری فرما.

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۶ خرداد ۱۴۰۳

خطبه‌ی شهادت امام جواد (ع)

حمد و شکر و سپاس از آن پروردگار غفور و غفار است. پروردگاری که حیات و ممات در ید قدرت بی‌کران اوست. در مورد بندگان در عین عظمت و اقتدار، حلیم و صبور و بردبار است و نعمت و رحمتش همه را در برمی‌گیرد و با وجود ناسپاسی بنده‌اش، با او مهربان و رؤوف و رحیم است و از سر رحمتش فرمود: «اگر ایمان آورده‌اید آنچه خدا باقی می‌گذارد برایتان بهتر است».

این گهر و گنجینه‌ی بی‌همتایی که خداوند کریم برایمان حفظ فرموده است سرور و امام، ولی و مولایمان امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) هستند که وجود نازنینش لحظه‌ای از هدایت و نجات امتش آرام و قرار نمی‌گیرد و سخنش مانند انبیاء گذشته است که: «اگر شما را نهی می‌کنم برای آن نیست که خود سودی ببرم، تا آنجا که بتوانم قصدی جز به صلاح آوردنتان ندارم. توفیق من تنها با خداست، به او توکل کرده‌ام و به درگاه او روی می‌آورم».

جان عالم به فدای قلب نازنینشان که با وجود اینکه به امر الهی در ظاهر از نظرها پنهان هستند لحظه‌ای از نجات امتشان غافل نیستند. ما چه سعادتمندیم که منتظر دولت چنین رحمت و نعمت الهی هستیم.

چه توصیف و سفارش زیبایی مادر گرامی‌شان کوثر الهی سرور عالمیان حضرت زهرا (س) در این مورد به ما مردم آخرالزمانی که انتظارش را به جا نمان خریدیم فرمودند: قلب زمان شگفتی‌هایی را در جانش به ودیعه دارد. هرگاه به مشیت پروردگار عالم کلیدش گشوده می‌شود زبان اعجاز زمان به سخن درآید و صدای جان‌ها در نهانشان آشکار می‌شود. وعده‌ها محقق می‌شود و آنچه در ضمیر جان‌ها نقش گرفته است نمایان می‌گردد. جان‌های شیفته به دیدار حق مزین می‌شود. رسالت انبیاء به یکدیگر می‌پیوندد. گلستان نبوت به سخن درآید و آنچه معمای دوران‌ها بوده آشکار می‌گردد. پس به جانتان مژده دهید شما وارثان این نجوای عاشقانه هستید. زمان عمرتان

جانی را در خود پنهان نموده که گلستان رسالت انبیاء زمانهاست شما او را نمی بینید ولی زمان صدای حق جوی تان را در خود به ودیعه نگه می دارد. زمزمه های عاشقانه تان در زمان ثبت می شود. شما می روید درحالی که تپش قلب حق جوی تان به گوش آیندگان می رسد. آن ها شما را در قالب انتظار می ستایند همانند رنجی که پدر بزرگم عبدالمطلب در کفر کشیدند و به درگاه رحمت الهی پناهنده شدند تا انوار حق را مشاهده کردند. پس همواره به فرصتی که در عمرتان به جانتان داده شده خشنود باشید و از پروردگارتان شکننده ی بت نفس اماره را تقاضا کنید تا صدایتان در جان زمین به ودیعه بماند. آیندگان یادتان را از باطل جدا کنند و راهتان را آینه ی خویش سازند. آینه ای که نمایانگر انواری است که به مشیت الهی از دیدگانتان مخفی است تا وعده ی الهی محقق گردد و حق از باطل بازشناخته شود. پس همواره جانی نجواگر داشته باشید تا صدایتان در حق پرستی تان در زمان باقی بماند. شکر درگاه با عظمت پروردگارتان را بجا آورید که همواره شنونده ی حق دوران های باطل هستید.

بله چه توصیف و سفارش و تفسیر گران قدری بود از سرور عالمیان در مورد حق و باطل و منتظران واقعی امام عصر و زمان ابی صالح المهدی (عج) و جای بسی سعادت است برای کسانی که در این خانه ی مقدس با اخلاص در عمل و زبان و تلاش عاشقانه منتظر مولایشان یوسف زهرا (عج) هستند و همان گونه ای که سرور عالمیان سفارش فرمودند باید شکرگزار پروردگار کریم باشیم که در این کوی عشق همواره شنونده ی حق دوران های باطل هستیم، آن هم نه اکاذیب و تراوشات افکار عده ای که در اثر عدم شناخت سردمداران حق مداران، چهارده ستاره ی درخشان، که با درخشش خود گم شدگان و سرگردانان بین حق و باطل را با همه ی وجود و داشته های خود و نثار جانشان راهنمایی و هدایت کرده و می کنند. ما امروز به سوگ یکی از ایشان نهمین خورشید امامت و ولایت، شجاع در علم و دیانت، ابا جعفر ثانی محمد بن علی حضرت امام جوادالائمه (ع) در اینجا حضور داریم. این امام همام هشت ساله بودند که عهده دار امامت و ولایت امت مسلمان شدند و در طول هفده سال امامت خود چنان با عمل و سخنان گهربارشان حق و باطل را به نمایش تاریخ گذاشتند که باطلین و

غاصبان عصرش به خیال خام خود برای رهایی از افشای چهره‌ی ننگینشان ایشان را در آخر ذی‌القعدة‌ی سال ۲۲۰ هجری به شهادت رساندند. لعنت الله علی قوم الظالمین.

امام جواد (ع) نشان دادند که جوانان قادر هستند که با تقوا و ایمان و پاکی روح و نیروی جوانی در امر به معروف و نهی از منکر چنان تلاش و انرژی بکار برند که موجب حیرت همگان شود و باید یقین داشت که کودکی و جوانی و سن و سال در علم و عمل امامت نقشی نداشته ولی ذکر آن برای عبرت امت مسلمان است که با الگو قرار دادن آن باطل را از وجود خود و جامعه پاک کنند، همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان سفارش فرمودند: همواره جانی نجواگر داشته باشید تا صدایتان در حق‌پرستی‌تان در زمان باقی بماند و از پروردگارتان شکننده‌ی بت نفس اماره را تقاضا کنید تا صدایتان در جان زمین به ودیعه بماند. آیندگان یادتان را از باطل جدا کنند و راهتان را آیین‌ی خویش سازند.

پس ما منتظرانِ عاشق، مولا و سرورمان یوسف زهرا را که شکننده‌ی بت نفس اماره هستند از پروردگار کریم همواره تقاضا می‌کنیم تا فریادمان در زمان، نشانگر اشتیاق و عشقمان باشد.

اللهم عجل لولیک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۴ خرداد ۱۴۰۳

خطبه‌ی شهادت امام محمد باقر (ع)

زیبنده است بر عظمت و کبریایی و جلال و جبروتی پروردگار عزیز و غفار، حمد و ستایشی بی‌کران که صاحب قدرت و مقتدر و تواناست که خود فرمود: بدانید هر چه در آسمان‌ها و زمین است از آن خداست و آگاه باشید که وعده‌ی خدا حق است ولی بیشترشان نمی‌دانند. اوست که زنده می‌کند و می‌میراند و همه به سوی او بازمی‌گردید. پس شکر پروردگار عالم را که با حکمت و رحمتش همه چیز را آفرید و با تدبیر و تسلط بر همه‌ی هستی حکم فرماست و برکاتش همواره نشان از خلقتی مدبرانه دارد تا مخلوقاتش را به غیبی فراخواند که جان جهان به آن زنده شد، مدارها به گردش درآمد و حیات جای خویش را به مماتی سرد و خاموش داد تا حرارت شناخته شود و گرما و سرما به وجود آید. درختان فرمان‌بر خالق خویش شوند. بر شاخه‌های جانشان تدبیری را به نمایش درآورند که حکایت از حرارتی فروزان در سرمای شگفت‌انگیز دارد. سرمای که پوست درخت را در حلقه‌ی خویش اسیر می‌کند و به بیننده‌ی جانش خبر از موهبتی می‌دهد که همواره در جوش است تا خالق و مخلوق را معنا کند و زمان همانند شاخه‌های برهنه‌ی درختان بر جان خویش سرمای را هدیه می‌کند که هر زنده‌ای در آن برهنگی از پا درمی‌آید ولی او با برگ‌هایی الوان و میوه‌های رنگارنگ خبر از خلقتی مدبرانه می‌دهد پس درحالی که ظاهرش در ایام متغیر است، باطنش نوید از خالق مدبر را بر صفحه‌ی هستی به نمایش می‌گذارد.

مادر هستی، کوثر جاریه‌ی الهی، حضرت زهراى مرضیه (س) چه توصیف و تشبیه زیبایی را بیان فرمودند که زمان در طول خود همه را در گورهای سرد و خاموش خوابانده و از یادها می‌برد و به‌وسیله‌ی آن جهان همیشه در حال تغییر است ولی در باطنش گوهرانی بی‌نظیر را به‌عنوان گنجینه حفظ فرمود که سرچشمه از خلقتی با تدبیر دارد که ما در این شب حزن و اندوه به سوگ شهادت یکی از این گنجینه‌های ذخیره شده در زمان هستیم که هزار و اندی سال بزرگی شأن و علم و ایمانش را

برایمان حفظ کرده؛ ایشان پنجمین ستاره‌ی درخشان امامت و ولایت، شکافنده‌ی علوم و وارث علم انبیاء، ابا جعفر محمد بن علی ملقب به باقر (ع) می‌باشد.

ایشان شاهد عینی لحظه‌های نهضت کربلای جدشان اباعبدالله الحسین (ع) بودند. با چشم مبارکشان امت جد بزرگوارشان رسول خاتم حضرت محمد (ص) را دیدند که به دلیل دور شدن از فرهنگ غنی اسلامی به جهالتی مبتلا گردیدند که رگ حیاتشان را بریدند و اهل‌بیت پیامبر را مورد آزار قرار دادند و آن را پیروزی فرض کردند و این جهالت و دور شدن از فرهنگ اسلامی حاصل دسیسه و فتنه‌ای بود که از جانب حکام ظالم و خیانت‌کار و دنیاپرست، آن‌چنان بر عقاید و عقل آنان به حيله رخنه کرده بود که حق را باطل و باطل را حق تصور می‌کردند و شیطان و نفس اماره بر آنان غلبه کرده بود، در نتیجه امام محمد باقر (ع) در طول عمر گران‌قدرشان نسبت به آگاهی دینی و فرهنگ‌سازی و تربیت علمی با اصلاح باورهای غلط امت مسلمان تلاش بی‌وقفه‌ای فرمودند و لحظه‌ای از این کار دست برنداشتند که حاصلش تربیت علمای زیادی بود که در شهرهای مختلف کشورهای اسلامی پخش شده و مردم را با علم دین آشنا کردند. همین امر سبب شد حاکمان و غاصبان که علم و آگاهی مردم را برای خود خطر می‌پنداشتند در هفتم ذی‌الحجه سال ۱۱۴ هجری در سن ۵۷ سالگی ایشان را مسموم و به شهادت رساندند. لعنت الله علی قوم الظالمین.

این مردم کوردل و پلید و دنیاپرست خود را مسلمان و اجرا کننده‌ی دستورات قرآن معرفی می‌کردند و علنی بر ضد آن عمل می‌کردند و برخلاف فرموده‌ی خداوند سبحان در قرآن کریم که به روشنی بیان فرموده: ای مردم برای شما از جانب پروردگارتان موعظه‌ای آمد و شفایی برای آن بیماری‌ای که در دل دارید و راهنمایی و رحمتی برای مؤمنان. بگو به فضل خدا و رحمت او شادمان شوند زیرا این دو از هر چه می‌اندوزند بهتر است و پیامبر عظیم‌الشأن، خاتم انبیاء حضرت محمد (ص) نیز در این مورد فرمودند: من برایتان قرآن و اهل‌بیت را برای سعادت و نجاتتان باقی می‌گذارم. ولی افسوس این مردم خودکامه هر دو نعمت و رحمت پروردگار کریم را کفران کردند، قرآن را مهجور و اهل‌بیت پیامبر (ص) را مورد آزار قرار دادند.

اینک با دلی پر از غم ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدس مولا و سرورمان امام عصر و زمان، منجی عالم بشریت اباصالح المهدی (عج) ابراز می‌داریم:

مولای ما همان‌گونه‌ای که اطلاع دارید جانشینان و فرزندان آن حاکمان پلید چنان بر علیه قرآن و امامت و باورهای دینی مردم اقدام کردند که جامعه‌ی بشریت نه تنها از دین بلکه از انسانیت نیز فاصله گرفته و چه عالمانه و واقعی آن را جد بزرگوارتان امیر مؤمنان علی (ع) توصیف فرمودند:

ای مردم شما در روزگاری به سر می‌برید که امور خیر به شما پشت می‌کند و امور شر روی خود را به شما می‌نماید و در این دوره وسایل شیطان برای فریب دادن مردم افزایش یافته و می‌تواند بیشتر مردم را فریب بدهد. دوره‌ای است که اگر نظری به اطراف بیندازی غیر از فقیرانی که از تهی‌دستی خود رنج می‌برند یا اغنیایی که کفران نعمت خداوند را می‌کنند یا ثروتمندی که از بذل قسمتی از اموال خود به محتاجان بخل می‌وزد یا بی‌دینی که گوشش به هیچ وجه آماده‌ی شنیدن اندرزهای خداوند نیست، نمی‌بینی.

کجا رفتند آن افراد پاک و صالح و کجا رفتند آزادگان و پرهیزکاران و آن سوداگرانی که آن همه در سوداگری دقیق و امین بودند و آن‌ها که آن همه به دین خود علاقه داشتند. آیا جز این است که همه‌ی آن افراد پاک به این دنیای دنی پشت کردند و رفتند و جای آن‌ها را کسانی گرفته‌اند که دریغ از لب‌های انسان که برای سرزنش کردن آنان به هم بخورد. فساد طوری آشکار شده که نه کسی هست که آن را تغییر بدهد و نه کسی که از آن جلوگیری نماید. لعنت خداوند بر آن دسته از امرکنندگان به معروف باد که خود ترک معروف می‌کنند و لعنت خداوند بر آن دسته از نهی‌کنندگان از منکرها که خود مبادرت به ارتکاب منکر می‌نمایند.

بله امیر مؤمنان علی (ع) چنان از عصر ما سخن گفتند که کافی است کمی دقت و اندیشه کنیم تا به واقعیت آن پی ببریم.

پس ای مهمانان کوی عشق در این دهه‌ی معلومات بیایید همچون هارونیان خود را از
فتنه‌ی زمانه نجات داده و به انتظار موسی زمان، یابن حیدر، یوسف زهرا، امام
عصرمان لحظه شماری کنیم تا از طور غیبت بیاید و زمین را از لوٹ ناپاکان، پاک و دل
مؤمنان را شاد کند، پس اسم زیبایش را بخوانید:

اللهم عجل لولیک الفرّج

www.rayatolhoda.com

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی روز عرفه

۲۶ خرداد ۱۴۰۳

سلام بر بزرگی و جلالت پروردگار، آفریننده‌ی هر آنچه در عالم روزی‌خور سفره‌ی احسان جبروتی‌اش است. احسانی که پایانی ندارد. آغوشی که همگان را به خود می‌خواند تا بار دیگر طعم ملکوت را به خاطر بیاورد. افسوس آنچه در ذائقه‌ی انسان به یادگار ماند طعم تلخ جدایی بود. طعمی که شیطان نفس آن را آراست تا همگان به خدمتش درآیند. خداوند مهربان و بنده‌نواز اراده فرمود در زمان‌ها و مکان‌هایی انسان طعم آغوشش را درک کرده، مشتاق آن شود و در صحرای قیامت آن را جستجو کند. روزی که بندگان از غصه‌ها و غم‌ها رهایی یافته، در جوار ملکوتی‌اش به آرامش و آسایش ابدی رسیده، رحمت و عشق را با تمام ذرات وجودی خود احساس کنند.

پروردگار رئوف و مهربان، روز عرفه و صحرای عرفات گوشه‌ای و نمونه‌ای از صحرای قیامت است که حاجیان با رفتن و ماندن در آن صحرا آن را باید درک کنند که توصیف زیبایی از حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) از صحرای قیامت فرمودند که:

سلام بر آئینه‌ی وحی آنگاه که همگان را به صحرایی می‌خواند که درونش هزاران حکایت تلخ و شیرین دارد. حکایت‌هایی که همگان را به تفکر دعوت می‌نماید تا اندیشه‌ها از ریشه‌ی جان‌ها جدا شود و به‌طرف حقیقتی به حرکت درآید که همگان را به ضیافت قیامت می‌خواند. همان ضیافتی که عقل‌ها را در میزان ترازو به سخن درمی‌آورد. زبان شیوایی که تکلمی را نمی‌شناسد. صدایی از گلوی خارج نمی‌شود. صدایی به آرامی می‌خواندش: اکنون مهمان عملی شده‌ای که خود نگاشته‌ای، کتابی که هیچ قلمی قادر نیست تا بزرگی‌اش را توصیف نماید. فرشتگان الهی میزبان جان‌هایی هستند که از الست همراهی‌شان کرده‌اند تا بار دیگر به جایگاهشان بازگردند. بهشت‌هایی که از چشمه‌های بندگی از ضمیر جان‌ها به جوشش درآید تا بهشتی را به توصیف بکشد که پروردگار خبر آن را در کتاب آسمانی فرموده است: از قبر جان‌ها برمی‌خیزد. استقبال‌کنندگان به استقبالش می‌شتابند. انتظارتان به پایان

رسید، اکنون می‌توانید در باغ جانی به گردش درآیید که هزاران نعمت مخفی را در خود پنهان نموده تا با نسیم رحمت پروردگارش ذخایر جانش به بار بنشیند و وعده‌های الهی محقق شود.

بله از توصیف سرور عالمیان که عشق به وصال پروردگار در وجودش همیشه در جوش و خروش است برای آن روز لحظه‌شماری می‌کند. باید که عبرت گرفت و عمل کرد. هرچقدر می‌توانیم دل را از آلودگی پاک کنیم و از گناهای که دانسته و ندانسته انجام داده‌ایم توبه کنیم. اینک روز عرفه است. فرصت خوبی است که با تمام وجود در دل با خدا نجوا کنیم. از گناهان ابراز پشیمانی کنیم و دل و جان را با عشق خداوند جلا بدهیم و با تمام وجود اعلام کنیم:

پروردگارا آمده‌ام با چشمانی اشک‌بار و دلی شکسته با تو راز و نیاز کنم. نمی‌دانم با این همه گناه و روسیاهی دعایم را می‌پذیری یا نه، پس من ای فریادرس بی‌پناهان به خودت پناه می‌برم که قبل از آن ببخشایی گناهای که پرده‌ی حیا را دریده و نافرمانی تو کردم و به غیر تو امید بستم و مطیع و فرمان‌بردار نفس خویش شدم. ببین حال زارم را و ترحم کن بر بی‌نوایی و پشیمانیم.

امروز روز عرفه است و از صحرای عرفات دورم ولی در خانه‌ای نشسته‌ام که تو به آبروی صاحبش به آن نظر داری و من امید دارم همچون حاجیان صحرای عرفات مرا نیز مورد لطف و بخشایش قرار دهی. دلم گواهی می‌دهد که اگر غیر از این بود امروز در این خانه‌ی مقدس حاضر نبودم. تو از سر لطف و احسان روزیم فرمودی.

بارالها من از امت پیامبری هستم که اهل‌بیتش راه و رسم دلدادگی را در قربانگاه جانانشان با خون خود به من آموختند که آن را چه زیبا حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) برای پدر گرامی‌شان توصیف فرمودند:

پدرم رسول خدا (ص) مرا در کودکی روی زانوان با عزتشان می‌نشاند و می‌فرمود: فاطمه جان، عید قربان را برایم بازگو می‌خواهم آن را از زبان تو بشنوم و من می‌گفتم: ای پیامبر الهی، مرا فرزندانی خواهد بود چونان اسماعیل که گردن اطاعت بر

اوامر پروردگار خواهند نهاد و خونی را به جای خون جانشان نخواهند پذیرفت. تمام آفریده‌های الهی به پیشکشی خواهند آمد و فرزندانم با پیشکشی بالاتری بر آنان قالب خواهند شد تا همه ابراز دارند آنچه فرزندان فاطمه دارند در عالم یگانه است پروردگارم پیشکشی‌شان را بپذیرد و آنان را جانشینان پیامبر خاتم (ص) اعلام می‌فرمایند. پدرم اشک از چشمان مبارکش جاری می‌شد و می‌فرمود: چه زیبا عید را برایم بازگفتی ای حبیب جانم.

بله در روز عاشورا فرزندان حضرت فاطمه (س) این فرموده مادر گرمی‌شان را با خون پاکشان تفسیر کردند و از طواف کعبه به قربانگاه کربلا رفتند و گردن اطاعتشان را بر زمین نهادند و همه آفریده‌های الهی به مدد آمدند ولی آنان نپذیرفتند تا خون سرشان گواه بر پیشکشی جانشان به پروردگارشان باشد.

امام حسین (ع) در روز عاشورا به اسب باوفایشان چنین فرمودند: ای همراه من، آنگاه که از زینت به زیر افتادم ملائک مرا به بال‌های خود دعوت می‌کنند تا بر خاک نیفتم و من بر آن بال‌ها بوسه می‌زنم و سر خود را بر سجده‌گاه جانان می‌گذارم، در خاک می‌غلتم تا خونم با آن مخلوط شود پروردگار عالم فرموده است خاک شما را با آب گل کردم اکنون می‌خواهم آن خاک را با خون گل کنم تا پروردگارم در من بنگرد و سپاسم را بپذیرد.

بارالها روز عرفه در این کوی عشق راز بندگی را شناختم یاریم کن تا تمام عمر گردن اطاعت بر زمین بگذارم همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان می‌فرمایند که: همواره بر قربانی عید پیشی بگیرید تا زمان شاهد گردن اطاعتتان باشد و پیشانی اطاعتتان بر خاک، نجوای جاودانه‌ای را ابراز دارد که تا قیامت در زمان‌ها تکرار شود.

باید یقین داشته باشیم که آخرین فرزند حضرت فاطمه (س) مولا و سرورمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) حاجی واقعی صحرای عرفات، هزار و اندی سال است که هر سال و هر روز و ساعت جان نازنینش را به پیشکشی درگاه پروردگار کریم برده و با صبری بالاتر بر عملکرد امت خود صبر می‌کنند.

اینک در روز عرفه دست به دامن مولایمان می‌گشاییم و او را با ناله می‌خوانیم: ای یادگار پیامبرمان، شرمنده‌ی وجود مبارکت هستیم که امتی خطاکاریم؛ نه تنها گردن به تیغ اطاعت پروردگارمان ننهادیم بلکه در بندگی نیز ثابت قدم نیستیم پس یاری‌مان کن تا بنده‌ی خدا گردیم نه بنده‌ی نفس اماره و برای برآورده شدن حاجاتمان فریاد می‌کنیم:

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی عید قربان

۲۷ خرداد ۱۴۰۳

سلام بر انوار روزی که صدای حق طنین‌انداز شد تا قلب‌ها در سینه‌ها به تپش درآید. زبان‌ها به حمد الهی گشوده شود. صورت‌ها به خاک در افتد. چه رازی در قربان نهفته است که گردن‌ها را به تیغ حق مهمان می‌کند. سرها به اطاعتش خم می‌شود. صدای حضرت ابراهیم (س) در ثانیه‌هایش به گوش می‌رسد. شکر بر آستان کبریایی خالق که بت‌های وجود را در بت‌خانه‌ی جان‌ها به نمایش در می‌آورد تا با تبر حق خورد شود و کعبه‌ی جان‌ها مزین به انوار روزی شود که نامش قربان است و پروردگار می‌فرماید:

چون قربانی کردید از آن بخورید و تهی‌دستان را نیز اطعام کنید. فقیرانی که گرسنه‌ی نان نیستند بلکه به دنبال جان قربان شده‌ی در حقی هستند که لبیک حج در جانش طنین انداز است تا بر سفره‌ای مهمان شود که در آن طعامی جز تقوا یافت نمی‌شود. همانانی که لباس احرام بر تن نکردند ولی مُحَرِّم کوی عشق شدند. از پروردگارشان به راز و نیاز تمنا کردند تا به دور کعبه‌ای طواف کنند که مولایشان امر فرمود. مناسکی که عرفاتش بیتوته در خاکی است که نشان از بندگی پروردگارش دارد. مشعرش شعله‌ای فروزان است تا شیطان نفس را از جانش براند و با طلوع خورشید، سپاس نعمتی را به جا آورد که به جانش هدیه فرموده. پس خطاب به مولایش به تضرع اعلام می‌دارد:

ای وارث ابراهیم خلیل (س) من قربان را نمی‌شناسم. یاریم فرمایید، نامم را نمی‌شناسم، مسلمانی‌ام را نمی‌شناسم، جز نام با عظمتتان نامی را نمی‌شناسم، به فریادم برسید. در دنیای کوچک جانم اسیر صیادی شده‌ام که هر لحظه بند جدیدی را به جانم می‌زند. امروز آمده‌ام تا به تمنا اعلام دارم: من تهی دستی هستم که محتاج طعامی که شما به من هدیه فرمایید پس شما را می‌خوانم به ذکری که انتظار را معنا می‌کند.

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی عید غدیر

۴ تیر ۱۴۰۳

شکر و سپاس پروردگار را سزااست که از سر رحمت بیکران‌ش رسالت و هدایت انبیاء را مستمر نمود که در همه‌ی دوران‌ها و زمان‌ها انسان‌ها از آن بهره‌مند شوند مخصوصاً رسالت آخرین پیامبر الهی، خاتم انبیاء، حضرت محمد (ص) کتابی است که همچنان در حال نوشتن است و سال‌هایی که رسالت را در اعماق وجود انسان‌ها به بار می‌نشانند تا نهال‌های هدایت و ایمان به درختانی تنومند تبدیل شوند و آن‌چنان باری را بر شاخه‌های رسالت بنشانند که سنگینی آن همه را شگفت‌زده کند.

پس دولت حقه برپا کننده این امانت الهی است تا درختان پرحاصل انبیاء، حاصل رسالت خویش را بر همگان آشکار کنند و امت‌ها به یکدیگر پیوندند و شکوه و جلال حق را آشکار کرده و باطل را کف روی آب معرفی فرمایند. چون طبق فرموده کتاب آسمانی پروردگار عالم وجود آخرین امام را ذخیره می‌خواند، پس همگان می‌توانند از آنچه پروردگار برایشان ذخیره نموده جانشان را متنعم نمایند. ذخیره‌ای که صاحب تمام اسرار آفرینش است تا همگان نعمت‌های جانشان را بشناسند، به صفحه‌ی زمان بیایند، در پرتو این نعمت الهی زندگی کنند و عمرشان از حرارتش به بار بنشیند، میوه‌هایی در غلاف از جانشان بیرون بیاید، همگان در آن نظر کنند و شاکر پروردگاری باشند که زمان‌ها و دوران‌ها را به وجود مقدسشان از برهوت به بهشتی زیبا تبدیل نمود

این نعمت و رحمت الهی با انتخاب اولین وصی پیامبر در روز غدیر شروع شد که همانا غدیر روز رحمت و روز کمال، روز فرقان، روز هدایت و نجات و شکوفایی، روز شکست باطل و شیطان، روز پیروزی حق طلبان و عدالت خواهان است.

سلام بر امیر منتخب، خلیل نبوت، جانشین پیغمبر، وارث انبیاء، شمشیر ذوالجلال، شجره‌ی تقوا، میزان اعمال صالح، اوج ایمان و راه روشن اختر رخشان، امیر مؤمنان علی (ع) که در غدیر خداوند متعال یک بار دیگر همه زمین و آسمان و هر آنچه در آن است را به تماشای خلیفه‌اش فراخواند تا عاشقانه به او عشق بورزند.

سلام و برکات پروردگار بر آن لحظات که حکمش ابدی و اطاعتش سرمدی است و سلام بر جان‌های مشتاق که همواره در فرامین قرآن کریم پا در رکاب اطاعت پروردگارشان دارند تا جان ضعیفشان در پرتو انوارش از گردبادهای نفس اماره رهایی یابد آنگاه به زبان عجز به ناتوانی جانی معترف شوند که عالم هستی در چرخشش امانت‌دار آن بود آنگاه که پروردگارش او را ندا داده است که خلیفه‌ات را دریاب او اطاعت کرده و در مقابلش به سجده درآمده تا بر گرده‌ی علمش سوار شود و هر لحظه ورقی از دفتر خلقت به دستش نگاشته شود آنگاه آفرینش به سخن درآید و او را خطاب کند: ای خلیفه‌ام، به تو نگریستم و از انوارت به آبادانی درآمدم؛ شب و روزم را به عشقت آراستم و در قامتت نگریستم؛ به نجواهای سختی را هم فراموش کردم؛ از سرچشمه‌ی روح خداوندی‌ات نوشیدم و جان معطرت را در آغوشم خوابانیدم، از عطرش گل‌های زمین را رویاندم و دانه‌ها را از غلافشان خارج کردم و به آن لحظه که این امانت را از دامنم بستانند اشک‌ها ریختم و سیلاب‌ها جاری کردم؛ آتش‌فشان‌ها را فروختم و باز شعله‌ی جانم فرو ننشست؛ دست بر دامن ندای پروردگارم شدم که فرمود: آنگاه که آسمان بشکافد و زمین زیر و رو شود هر کس بداند که با خود چه چیزی را آورده است؛ آنچه همراه خلیفه‌ام باشد تهنای آفرینشی است که او را همواره ستوده است.

بله وای بر احوال انسان‌های جاهل و خودپرست و قدرناشناس که از سنگ و خاک هم کم ترند درحالی‌که زمین و کوه و همه‌ی هستی با زیباترین بیان عارفانه و عاشقانه فرمان‌برداری و اطاعت از خلیفه را ابراز می‌دارد آنان به پیمان خود وفا نکرده و عهد شکستند؛ نه تنها قلب نازنین امام و ولی و خلیفه‌ی راستین امیر مؤمنان علی (ع) را با جهل و ظلم به خود زخم زدند بلکه امر پروردگار مهربان و پیامبر رحمت للعالمین را نیز نادیده گرفتند که امیر مؤمنان علی (ع) درباره‌ی ایشان چنین فرمودند: این مردم طعم شیرین بیعت با امام و ولی را به زهری خطرناک تبدیل کردند و آن زهر در جان‌شان آن‌چنان اثر کرد که نجات از آن ممکن نشد و مرگ در وجودشان نمایان شد و تلاش من برای نجات ایشان بی‌حاصل ماند و آنان مُردند و بدنی مسموم را به قیامت می‌آورند تا سموم آن با آتش بسوزد و پاک شود.

عاشقان امیر مؤمنان علی (ع) در حال حاضر به فرزند گرامی‌شان عشق می‌ورزند و منتظر اباصالح المهدی (عج) هستند چون پروردگار متعال امر می‌فرماید که خلیفه من و جانشین من در زمین به خانه‌ی من تکیه خواهد نمود و خود را به عنوان خلیفه‌ی من معرفی می‌کند.

حال شما ای مهمانان این کوی عشق که در این روز بزرگ حضور دارید با قلبی محکم و مطمئن اعلام کنید که همه جان عالم به فدای امیر مؤمنان علی (ع) و وارث و فرزند گرامی‌شان امام عصر و زمان، بقية الله ارواحنا لک الفداء باد و از ایشان تقاضا کنیم که دست‌های بیعتمان را بپذیرند و در پایداری آن یاری‌مان کنند و برای برآورده شدنش فریاد می‌کنیم:

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

تیر، مرداد و شهریور ۱۴۰۳

خطبه‌های محرم و صفر

متن کامل خطبه‌های محرم و صفر ۱۴۴۶ هجری قمری در بخش ویژه نامه‌ی محرم به صورت کامل قابل دسترس می‌باشد.

شما می‌توانید از طریق منوی ویژه نامه‌ی محرم، بخش محرم ۱۴۰۳ از این خطبه‌ها استفاده نمایید.

همچنین می‌توانید برای دیدن این خطبه‌ها بر روی لینک زیر کلیک نمایید.

خطبه‌های محرم و صفر ۱۴۰۳

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۱ مرداد ۱۴۰۳

خطبه‌ی ولادت امام موسی کاظم (ع)

حمد و سپاس شکر بر آستان کبریایی خالق که توان عقل‌ها را در عمل‌ها به نمایش درآورد تا صاحب دیدگان به ثروت جانی نظر کنند که گنجینه‌اش پایان نمی‌پذیرد. همان گنجینه‌ای که پروردگار فرمود: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.

سلام بر جان عالم، عالمی که توان عقلی آفریده‌ها قادر به درکش نمی‌باشد. همان عالمی که در آن شرها تبدیل به خیر می‌شود و خیرها در کنار یکدیگر حکایت از عظمتی می‌کند که نامش صور است. ندایی که همواره در گوش جان‌ها نواخته می‌شود تا خبر از محفلی دهد که در آن آتشی جز به اذن الهی زبانه نمی‌کشد، قلم‌ها در درون سینه‌ها با پروردگار نجوا می‌کند: ای آفریننده‌ی تمام مخلوقات بر مخلوقی ترحم فرما که در قیامت جانش به بهشتی خوانده شد که از آن بیرون آمده تا در آتش فراقی حکایت جانش را این‌گونه توصیف کند: یا رب، امر فرمودی مرا در صبحگاهان و شبانگاهان بستايند. صبحگاهان تو را در عظمت خلقتی ستودم که نوید از طلوعی زیبا می‌داد و شبانگاهان زبان به حمدت گشودم تا در تاریکی جانی که هزاران حسن خاموش را در خود مخفی نموده اسیر خدعه‌ی شیطان نشوم پس جانم را به رحمتی سپردم که همواره خود را حامی من معرفی فرموده و مرا به الیه راجعون خوانده، دعوتی که همگان را به ضیافت قیامت می‌خواند تا بار دیگر شاهد رحمتی شوند که وعده‌ی پروردگار رحیم در همان است.

چه زیبا و دل‌نشین فرموده‌اند سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که قیامت به نظر ایشان و تمام اولیاء ضیافت است چون برگشت به آغوش پر مهر خداوند برای آنان نهایت آرزو بود که عمری برای آن لحظه منتظر بودند تا به قرب الهی برسند که ما در این شب مبارک به میلاد یکی از ایشان در این خانه‌ی مقدس حضور داریم که در این شب زمین و آسمان به نور هفتمین چلچراغ هدایت و امامت روشن گشته و فرشتگان به سرور و شادی با نوایی دل‌انگیز شکر و سپاس خداوند را زمزمه می‌کنند.

ایشان هفتمین اختر آسمان ولایت و امامت، صاحب علم یقین، امام شایسته، عابد و زاهد، مولای شیعیان، موسی بن جعفر (ع) هستند که برکات و رحمت خداوند بر ایشان باد که با تحمل رنج و سختی‌های زیاد یکی از تدابیر در روش مبارزه با باطل را در تاریخ به ثبت رساندند و همچون جد بزرگوارشان امام سجاد (ع) با مناجات‌های زیبا و هدایتگرشان سخت‌ترین دل‌ها را و فاسدترین انسان‌ها را چنان منقلب فرمودند که باعث وحشت هارون‌الرشید عباسی لعنت الله شد که فکر می‌کرد با نگهداری ایشان در سیاه‌چال زندان خود توانسته است انوار امامت و نعمت ولایت را محبوس نموده و دیگران را از این رحمت خداوندی محروم و خود را از ضربات کوبنده‌ی امام مصون نماید چون امام موسی کاظم (ع) همچون پدران پاک و نیاکان طاهرینشان بر آزارها شکایا بودند و آنچه از جانب خداوند به عهده داشت به خوبی انجام دادند. برای مردم احکام خدا را تلاوت و امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند. عالم و عادل و صادق بودند. با اخلاص تمام در راه خدا جهاد کردند و عاقبت شهید شدند. به اعتراف زندانیان و کسانی که زندان امام را مشاهده کرده بودند ایشان مخوف‌ترین محل را با مناجات‌های دل‌نشین و زیبای خود به گلستانی بی‌نظیر بدل فرموده بودند.

پس وای بر احوال دشمنان و بدخواهان اهل‌بیت پیامبر گرامی اسلام و خصوصاً امامان برحق که چه عذاب آتشی از قهر پروردگار کریم را برای خود و پیروانشان خریدند. از الطاف الهی و ذخیره گنجینه‌ی روح خداوندی خود را محروم کردند که این دشمنی با وجود اینکه امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) در ظاهر دیده نمی‌شود ولی از این دشمنی‌ها در مورد ایشان نیز وجود دارد ولی خداوند حکیم و مهربان ایشان را در زمانی که اراده‌ی اوست زمین را از لوث بدخواهان و بی‌دینان و فاسدان و منافقان پاک کرده، دولت ایشان را با همه‌ی پاکی و حق و عشق به پروردگار بر زمین مسلط خواهد نمود پس برای آن دولت فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی روز اربعین

۳ شهریور ۱۴۰۳

سلام بر ساعاتی که گویای رمز و راز جان‌های عاشقی است که به وعده‌گاه پروردگارشان رسیدند و آنگاه سر بر سجده‌ی اطاعت نهادند و اعلام داشتند ما وارثان ثروت زمین و آسمانیم. ثروتی که همگان به تماشایش ایستادند و سر اطاعت بر بزرگی روحی خم کردند که نمایانگر رحمت بی‌منتهای پروردگارشان بود و امروز اربعین خلیفگانی است که بر کرسی خلافتشان تکیه کرده‌اند و منتظر قیامتی هستند که حق و باطل در آن به نمایش درمی‌آید تا توان عقل‌ها به میدان محاسبه خوانده شود. همان عقلی که ده شب محرم را نظاره‌گر شوق شهیدان بود و هم‌سفر اسیرانی که امروز به مقصد رسیدند و پرچم حق را برافراشتند. باطل را رسوا نمودند و تا ابد حق را جاودانه کردند تا منتظران طور به تماشای استقامتی دعوت شوند که با آن همراه بوده‌اند.

زینت‌های جانشان را از صندوقچه‌ی حقی خارج نموده‌اند که با آن به ملکوت سفر کنند و اعلام دارند: یا رب، ما گوساله سامری را از جانمان جدا کردیم تا به حریم کبریایات بازگردیم و در غم شهیدانی جانمان را متنعم کنیم که توان درک بزرگی جان مقدسشان را در حق بیابیم پس به اربعین‌های عمرمان می‌اندیشیم، کدام ده روز عمرمان را بر سر سفره حق بوده‌ایم؟ پروردگار ما را خوانده به ده روز شب‌های قدر، شب‌های ذی‌الحجه و بقیه ماه‌ها و ما از آنها گذشتیم. هیچ ده روزی در عمرمان را احساس نکرده‌ایم. ده شب محرم را به استقبال شهیدان رفته‌ایم و باز به همان احوالی بازگشته‌ایم که در آن غوطه‌ور بوده‌ایم. وای بر جانی که هیچ عبرتی آن را از پوسته‌ی باطلش جدا نمی‌کند. مدعی‌های حقی که راه را می‌شناسند و باز به همان راهی می‌روند که خود آن را برگزیده‌اند. چگونه توان درک اربعینی را دارند که حاصل چهل روز مبارزه است. امروز نیز مانند اربعین‌های گذشته می‌گذرد و می‌رود در خاطره‌هایی که در عمرها ذخیره شده تا پروردگار پرده‌ی حق را کنار بزند و همگان به ثروت جانشان آگاه شوند آنگاه اعلام دارند که ما جزء زیانکاران عمری هستیم که در بازیچه‌های روزمره به یغما رفت.

اربعمین نمودار حق مدارانی است که منتظران حق را به دولتی می‌خواند که در آن همه‌ی آفریده‌ها در کمال هستند. همانانی که جز راه رستگاری راه دیگری را نپسندیدند تا حیات و مماتشان گویای عمری باشد که بازیچه‌ای در آن یافت نمی‌شود. ضربان قلبشان صاحب‌الزمان (عج) را به مدد می‌خواند تا دستشان از دست حق جدا نشود و راهشان همان راهی باشد که قهرمانان امروز آن را به نمایش درآوردند تا زمان‌ها و دوران‌ها صاحب خویش را بخوانند به ندای:

اللهم عجل لولیک الفرّج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی ۲۸ صفر

۱۱ شهریور ۱۴۰۳

سلام بر روز موعود روزی که شرک‌ها، پلیدی‌ها، ناجوانمردی‌ها افسانه‌ی دهر می‌شود. طلوعش نوید پاک‌ترین جان‌ها را در جانش ذخیره نموده تا وعده‌ی الهی محقق شود. ظلمت‌ها از بین برود، دولت حق حکومت خویش را آغاز کند، زبان‌ها به حمد و شکری بدون شرک باز شود. ستایش معنی واقعی خویش را بیابد. پیامبران و رسولان همانانی که شاهد و مشهود زمان‌ها و دوران‌ها بوده‌اند از صف انتظار بیرون بیایند و اعلام دارند شکر بر آستان پروردگاری که ذخیره‌ی خویش را آشکار فرمود تا روزی آغاز شود که در آن جز حق حکومت نکند.

امروز جانی به ملکوت سفر می‌کند که آغاز کننده‌ی این دولت عظیم است. پیامبری که معجزه‌اش در هر لحظه هزاران جان مرده را از گور زمان بیرون می‌آورد. نام با عظمتش آغاز حیاتی جاودان است و زمان سوگوار لحظه‌ای است که زمین جسم ملکوتی‌اش را در آغوش می‌گیرد. لب‌های مبارکش از تلاوت آیات بسته می‌شود درحالی‌که شاهد امتی است که دنیا را برگزیدند و وجود مبارکش اعلام فرمود: وای بر امتی که قرآن را محجور کردند، همانانی که مدعیان برپایی حق‌اند درحالی‌که جان ذلیلشان بازیچه‌ی نفسی مکار است. امروز آسمانیان امانتی را در آغوش می‌گیرند که رحمت واسعه‌ی پروردگار است و زمینیان در سوگ پیامبری بر سینه می‌کوبند که رسالتش را در بازیچه‌های نفس گم کرده‌اند. او را می‌خوانند و باز به همان راهی می‌روند که خود برگزیده‌اند، ظلمتی که نوری آن را منور نمی‌کند پس صاحب‌الزمان (عج) را به مدد می‌خوانیم:

ای وارث انبیاء بر ستمی که بر جاہمان سایه افکنده نظر بفرمایید. ما در ظلمت جهلی گرفتار شده‌ایم که آن را می‌شناسیم، آدرسش را می‌دانیم و توان بیرون آمدن را نداریم. دستان ضعیفمان را به طرف رحمت العالمین دراز می‌کنیم و به تمنا از وجود ملکوتی‌اش تقاضا داریم که در این سیاهی و تباہی به فریادمان برسند و دست ما را از دولت

حقه تهی نکنند. ما عاشقان مولایی هستیم که ما را در لحظات عمرمان می‌بیند و ما از دیدن جمالش در سوز و گدازیم پس یاری‌مان فرمایید که نام مطهرش را در این روز حزن‌انگیز بخوانیم به ندای:

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی شهادت امام رضا (ع)

۱۲ شهریور ۱۴۰۳

سپاس بر آستان کبریایی خالق که زبان‌ها را به حمد و ثنای خویش آراست تا درون‌ها به اشتیاقش به سخن درآید و پروردگار خویش را در عمق جانش به عشقی که خود شاهد آن است بستاید که نامش دعا و نیایش است پس ما نیز پروردگار کریم و مهربان و بنده‌نوازمان را می‌ستاییم که از سر لطف و کرم ما را هدایت فرمود و راه رستگاری را به نور با جلالت خود روشن نمود. بندگان‌ش به الیه راجعون مراجعه کرده تا در قرب الهی از نعمت‌هایی که آغشته به لطف الهی است برخوردار شوند.

چه زیبا آن را سرور عالمیان حضرت زهرا (س) توصیف فرمودند که: سلام بر رحمت بی پایان پروردگار عالم که غیب را در نهان جان‌ها به ودیعه نهاد تا عقل‌ها در آن بیندیشد آنگاه اعلام فرماید که آنچه در جانش در جوش و خروش است عشقی است که به مانند دریای مواج جان‌ها را به طرف خالقشان هدایت می‌کند تا راز بندگی از پرده‌ی غیب خارج شود و زبان‌ها معترف عظمتی شود که همواره به همراهش بوده.

ای آفریننده‌ی زمین و آسمان آنچه در قلبم می‌جوشد ندای حق است که بر سر سفره‌ی پروردگار عالم مخلوقاتش را مهمان می‌کند تا قیامتی را معنا کند که در آن نعمت‌های پروردگار عالم به صحنه می‌آید. وعده‌هایی که زبان‌ها از شکرش عاجز است. وای بر جانی که امانت‌دار این عظمت خلقت است. نعمت‌هایی که بهشت و دوزخ را به جان‌ها هدیه می‌فرماید. یا رب به دست تهی بندگان خویش که به طرف رحمتی بی‌منتها گشوده شده ترحم بفرما. همان رحمتی که جان عاشق را به شعله آنچه به ودیعه دارد به سخن درآورد تا وسعت صحرایی را به تصویر بکشد که بزرگ‌ترین هدف خلقت است.

چه زیبا و دل‌نشین است این ارتباط بین خالق و مخلوق که سرچشمه از خلقت انسان گرفته، عشق پروردگار با رحمتش و عطای نعمت‌هایش را به خوبی می‌شود دید و احساس کرد و عشق بنده‌ی مؤمن و خلیفه را با شب‌زنده‌داری‌ها و مناجات‌های

عاشقانه درک کرد. چه زیبا آن را حضرت زهرا (س) بیان فرمودند که رحمت الهی را اهل بیت رسول خدا با عشق الهی با تک تک سلولهای خود آغشته کرده، گل‌های زیبایی از معرفت و ایمان و تقوا را به نمایش گذاشتند و به شیعیان خودسازی و کسب معرفت را آموزش دادند که فرمودند:

همان‌طور که به اهمیت نعمت‌های پروردگار عالم پی می‌برید طرز نگهداری را هم به‌عنوان باغبان یاد بگیرید. هرچه در این خصوص تلاش کنید گل‌های با طراوت بیشتری را می‌توانید پرورش بدهید. میزان استفاده از آن جوی آب در قرآن کریم برای عموم مردم آمده است ولی آن‌قدر از آن آب برمی‌دارند تا به ریشه صدمه بزنند و یا آن‌قدر کم برمی‌دارند تا گل خشک شود به خاطر همین منظور پیامبران مبعوث شدند تا اندازه و میزان که در درجه‌ی اول اهمیت است را برای پرورش فکرها و اندیشه‌های درونی که همان ریشه محسوب می‌شود فراهم کنند. پروردگار کریم در خلقت آسمان‌ها و زمین و هرچه در میان آن‌هاست به ظرفیت درونی و زمان بیرونی این آفرینش عظیم شکل و بها داده است تا تمام سیارات در جای خود بتوانند در زمان محدود سیر کنند و شما هم به وجود و عمر محدود خودتان بها بدهید تا در آنچه مسخر شماست سیر کنید و چشم و دهان را ابزار رسیدن به این سیر بدانید. اگر به آنچه خداوند کریم در کتاب آسمانی دستور داده عمل کنید و خودتان را هم جوی آب و هم گل و هم میوه فرض کنید می‌توانید وجودی را پرورش بدهید که نه پژمرده می‌شود و نه خفه می‌شود و نه از ریشه پوسیده می‌گردد بلکه آن‌چنان با طراوت باشد که هر کس در او نظر می‌کند به باغبانش احسن می‌گوید.

اینک در این شب پر از غم و اندوه به سوگ امامی از اهل بیت در این خانه‌ی مقدس حضور داریم که تمام عمر در پرورش و آموزش و راهنمایی شیعیان همت داشتند. هم اکنون نیز بارگاه ملکوتی‌اش تغذیه کننده‌ی آنانی است که به دنبال کسب معرفت هستند. ایشان هشتمین حجت برحق الهی، ثامن الحجج، امام علی بن موسی‌الرضا (ع) هستند. ایشان در سن ۳۵ سالگی به امامت منصوب گردید و مدت ۲۰ سال در مقام امامت امت به هدایت و امر به معروف و نهی از منکر قیام فرمودند و در این مدت

با سه عنصر ظلم و فساد و جنایت عباسی یعنی هارون الرشید و محمد امین و مأمون ملعون در آخر ماه صفر سال ۲۰۳ هجری مسموم و به شهادت رسیدند و بارگاهش خیر و برکت سرزمین ایران شد. ما ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدس فرزند گرامی شان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) دست تمنا به پیشگاه خداوند توانا بلند کرده، ابراز می‌داریم:

بارالها در دولت حقه مولایمان امام عصر تعجیل بفرما تا مرهمی بر قلب داغ دیده‌مان از سوگ شهادت پدران گران‌قدرش باشد.

بارالها زیارت بارگاه امام رضا (ع) تسکین دهنده‌ی غم‌هایمان و شاد کننده‌ی قلب‌هایمان است. به ما روزی کن زیارتی با اخلاص و مقبول را.

بارالها به حرمت امام رضا (ع) در ظهور امام عصر (عج) تعجیل بفرما.

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۹ شهریور ۱۴۰۳

خطبه‌ی شهادت امام حسن عسکری (ع)

شکر بر درگاه پروردگار حکیم و عزیز را سزااست که آدمی را خلق کرد و به او عزت و بزرگی بخشید. بر همه‌ی آفرینش برتری داد. او را خلیفه نامید و زمین جایگاه آزمایش او شد که با چه عزتی که خداوند به او عطا فرموده برگردد و یا همه چیزش را از دست داده تهی برگردد درحالی‌که آن زمان که مقام خلیفه بر زمین و آسمان عرضه گردید همه‌ی هستی به سخن درآمد و اعلام کرد که آماده است تا خدمتگزار نعمتی شود که در مقابل بزرگی خلقتش به سجده درآمده پس حرارت خورشید، بزرگی نعمت اقیانوس‌ها و تمام هستی در قدرتی خلاصه شد که بهشت و دوزخ را به نمایش درخواهد آورد آنگاه که به صحرایی خوانده شود که میراث دار خزائن پروردگارش می‌باشد.

چه زیبا فرمودند سرور عالمیان حضرت زهرا (س) که برکات عالم در جان‌هایی نهفته است که در فرامین پروردگار عالم متحول است آنگاه که می‌فرماید: من جانشینی می‌آفرینم که حکمرانی در مملکت جانش فرمانروایی منصف است و آنچه از غنائم می‌یابد به تساوی بین اعضایش تقسیم می‌کند. غنیمت چشمش را در عظمت هستی به او هدیه می‌دهد، غنیمت گوشش را در نوای دعوت پروردگارش، غنیمت زبانش را در حمد و ثنای آفریدگارش و اعضای دیگرش را غلامی فرمان‌بر تا حلقه‌ی جانش در بند خالقش به خدمت درآید و ردای ظاهرش لباس دوخته شده‌ای که از لطف به جانش پوشانده‌اند تا برهنگی‌اش مستور گردد و ردای باطنی‌اش نوری که در جبین پیشانی‌اش چونان آینه‌ای در اهتزاز است.

در این شب حزن و اندوه به سوگ یکی از خلیفه‌های راستین پروردگار در این خانه‌ی مقدس حضور داریم. ایشان یازدهمین اختر امامت و ولایت، عالم و زاهد و با وقار، ابامحمد، ابن الرضا، حضرت امام حسن عسکری (ع) هستند که به اعتراف دوست و دشمن مظهر اُبهت پروردگار عالم، ابهت اهل‌بیت و ابهت اسلام بود. دارای کرامات

زیادی بودند که یکی از این کرامات فرهنگ‌سازی و تعلیم و آماده‌سازی شیعیان برای دوران غیبت فرزند بزرگوارشان امام عصر و زمان، ابوالصالح المهدی (عج) بود. دشمن ظالم و پلید، معتمد عباسی لعنت الله با وجود ظلم بسیار و مراقبت‌های سخت باز چون تحمل انوار و بزرگی شأن امام حسن عسکری را نیاورد ایشان را در هشتم ربیع الاول سال ۲۰۶ هجری مسموم و به شهادت رساند. لعنت خدا بر او و پدران غاصبش باد.

سلام و رحمت الهی آن زمان که جان‌ها در تپش باطل به سوی نابودی قدم برمی‌دارد نوای جاء الحق و زهق الباطل طنین‌انداز شود. جهان در این ندا جان‌ها را به اطاعت حق درمی‌آورد. رهروان حق به سوی میعادگاه می‌شتابند تا دست ناتوانشان را به دست قوی و پر قدرت امامت بدهند. جان‌شان در پرتوی حق می‌افروزد و پاهای مصمم‌شان به سوی می‌شتابند، تاریکی جهل به عملی شکوفا بدل می‌شود که در شکوفایی‌اش نهان‌ها آشکار گشته و عقل‌ها در حیرت سرانگشتان خویش را به دندان می‌گزند و ابراز می‌دارند آنچه پروردگارمان وعده فرموده بود برایمان آشکار شد پس ما نیز برای رسیدن به آن لحظه از خدا می‌خواهیم که در ظهور دولت حقه تعجیل بفرماید.

اللهم عجل لولیک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی سالروز آغاز امامت حضرت مهدی (عج) ۲۱ شهریور ۱۴۰۳

سلام بر موعود، وعده‌ی راستین پروردگار از ازل تا قیامت. همان وعده‌ای که فرمود آیا پاک و ناپاک برابر است. امروز امامت امامی آغاز می‌شود که در حکومتش جز پاک یافت نمی‌شود. پاکانی که نشانی‌شان در کتاب آسمانی قرآن بر همگان آشکار است. همانانی که با مال و جان و فرزند در اطاعت الهی هستند چون آنچه در جان‌شان در جریان است گواه لحظه‌ای را می‌دهد که جهان با نور انورش از سیاهی و تباهی نجات پیدا می‌کند. ساعات امروز منتظر دولتی است که جام جان‌ها را به سخن درمی‌آورد.

یا رب عمرم در انتظار آمدن دولت حقه گذشت. دولتی که در آن حق‌گویان به طرف وعده‌ای در حرکتند که راه را می‌شناسند، از باطل‌های زمان می‌گریزند، به آنچه فرمان داده‌اید سر اطاعت خم می‌کنند تا گلستانی را به تفسیر بکشند که در آن خزانی یافت نمی‌شود. زبان‌شان مژده‌ی آمدن دولتی را می‌دهد که امروز همگان در نعمتش متنعم می‌شوند، طلوعی که شعاع نورش در خود هزاران نعمت پنهان و آشکار را به سخن درمی‌آورد تا حق مداران را از دل زمان به بزم امروز بخواند. منتظرانی که انتظار را به مانند متاعی گران‌بها در آغوش گرفته‌اند تا جان‌شان در پرتو انوارش زنده شود، شجره‌ی وجودشان به بار بنشیند. وعده‌ی پروردگار محقق شود. امامت امامی که آخرین ذخیره‌ی پروردگار است. هزار و اندی سال است که چشم‌های عاشق به راهش دوخته شده تا جمال خلیفه‌ای را مشاهده کند که وارث تمام معجزات پیامبران است همان معجزه‌ای که ساعات این روز بزرگ را در لحظه و زمان نگه می‌دارد تا با تکرارش باطل‌ها از بین برود و آنچه در لحظاتش خودنمایی کند آرزوی منتظرانی باشد که او را می‌خوانند:

اللهم عجل لولیک الفرَج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی ولادت پیامبر اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) ۲۷ شهریور ۱۴۰۳

سزاوار است بر پروردگار عالم شکر و سپاس و ستایشی پیاپی و بی‌شمار که تا عرش کبریایی‌اش بالا رود و نیست معبودی قابل ستایش جز ذات اقدس و جبروتی‌اش و هم اوست که در نیمه‌ی ماه ربیع‌الاول زمین را منور به وجود بزرگ‌ترین نعمت و رحمت خود فرمود و به برکت آن همه‌ی آتش‌های کفر خاموش و کاخ‌های ظلم شکسته شد و زمین فریاد برآورد حق آمد و استوار شد و باطل چند صباحی در هر مکان و زمانی خودنمایی کند همچون حبابی بر روی آب، خیلی زود عمرش به پایان رسد.

این گنجینه و گهر بی‌همتای الهی وجود مطهر و مبارک خاتم پیامبران، سید المرسلین، مُبَشِّر و نذیر و خلیل و صفی و نبی، حبیب اله العالمین، ابوالقاسم محمد مصطفی (ص) هستند که خداوند کریم از سر رحمت ایشان را برگزید تا بندگان را از ظلمت جهل و گمراهی نجات داده، به نور و رستگاری هدایت فرماید و اطاعت از پیامبران را همچون اطاعت از خود قرار داد و در قرآن کریم چنین فرمود که: بگو از خدا اطاعت کنید و از پیامبر اطاعت کنید پس اگر روی‌گردان شوید بر پیامبر است آنچه به او تکلیف کرده‌اند و بر شماست آنچه بر شما تکلیف کرده‌اند و اگر از او اطاعت کنید هدایت یابید و بر پیامبر جز تبلیغ آشکار هیچ نیست و نماز بگزارید و زکات بدهید و از پیامبر اطاعت کنید باشد که بر شما رحمت آورند.

پس خداوند رحمان هدایت و رحمت و نجات و رستگاری را در گرو اطاعت از رسول‌الله (ص) قرار داده چون فرمایشات ایشان برگرفته از وحی الهی است همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان، کوثر الهی، حضرت زهرا (س) می‌فرمایند: جانی که امانت‌دار آیات کریمه باشد نقش ظاهری آیات کریمه از ظاهر به باطن جان‌شان منتقل می‌شود و نقش خویش را در عمل به نمایش درمی‌آورد پس امانت‌دار حقایقی می‌شود که در هر یک از حروف کتاب آسمانی نهفته است و وجود با برکت رسول خاتم (ص) آنگاه که زبان می‌گشود تا آیات الهی را تلاوت کند آن‌چنان از سرچشمه‌ی

بخشش پروردگار می‌نوشتید که جان‌ش در ذخیره‌ی آن نیاز به توجه پروردگار یکتا داشت. پس قرآن کریم فرمود زبانت را به حرکت درنیاور تا در خواندن آن شتاب ورزی.

ما در این روز مبارک در این کوی عشق به پیشگاه پروردگار کریم ابراز می‌داریم بار الها گواهی می‌دهیم که حضرت محمد (ص) فرستاده و پیامبر توست و رها کرد بندگانت را از گمراهی و هدایتشان کرد به سوی رستگاری پس درود و سلام و صلوات بفرست بر ایشان و همچنین درود فرشتگان مقرب و پیامبران و بندگان شایسته‌ات از گذشتگان و آیندگان و آسمانیان و زمینیان بر ایشان و اهل بیت و امامان برگزیده‌ات برسان.

به‌راستی که آنان وارثان حقیقی و عاملان وحی الهی و گنجینه‌های دانش و هدایت کنندگان به حق بودند که ما شیفتگان آنان در این روز شادی‌مان مضاعف است به میلاد یکی از ایشان ششمین اختر رخشان امامت و ولایت، معلم حکمت، عرفان و قرآن امام جعفر بن محمد صادق (ع) است. در زمان ایشان چون منصور دوانقی تظاهر به دوستداری اهل بیت می‌کرد امام جعفر صادق (ع) از این فرصت برای اصلاح احادیث و تربیت شاگردان استفاده نمود و در نتیجه خدمت شایان توجهی به شیعه کرد و منصور دوانقی لعنت الله شجره‌ی ملعونه‌ای مانند هارون و مأمون و متوکل و معتصم و ... را بنیان نهاد که با پیروی از این ملعون همه‌ی امامان بعد را به شهادت رساندند. لعنت الله علی قوم الظالمین و آنان ننگ و نفرین و عذاب الهی را به جان ذلیلشان خریدند که خداوند در قرآن کریم فرمود: مپندار که کافران می‌توانند در این سرزمین به جایی بگریزند جایگاهشان جهنم است و چه بد سرانجامی است.

اینک در این روز مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت به ساحت مقدس مولایمان امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) ابراز می‌داریم: ای وارث رسالت و امامت در این زمانه‌ی پر از فتنه و فساد و کفر و ظلم یاری‌مان کنید از کسانی باشیم که خداوند رحمان در کتاب آسمانی قرآن وعده‌ی یاری و پیروزی به آنان داده است که فرموده: خدا به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داد که در

روی زمین جانشین دیگرانشان کند همچنان که مردمی را که پیش از آنها بودند جانشین دیگران کرد و دینشان را که خود برایشان پسندیده است استوار سازد و وحشتشان را به ایمنی بدل کند. مرا می‌پرستند و هیچ چیزی را با من شریک نمی‌کنند و آنها که از این پس ناسپاسی کنند نافرمان‌اند.

مولای ما این آیه توصیف منتظران واقعی شماست که در دولت حقه‌ای که به رهبریتان بر روی زمین برپا خواهید کرد حضور دارند. از شما تقاضا داریم یاری‌مان کنید از آنان باشیم و ما برای برآورده شدنش همه روزه فریاد خواهیم زد:

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۹ مهر ۱۴۰۳

خطبه‌ی ولادت امام حسن عسکری (ع)

حمد و سپاس بی‌کران و بی‌پایان ازلی و ابدی زیبنده‌ی خداوند سبحان و قدوس است؛ خداوندی که از سر رحمت، روزی و هدایت و بخشش بر بندگان را بر خود مقرر نموده و فرمود: بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید و از سر مهربانی و کرامتش به پیامبر خود فرمود: بگو ای بندگان من که بر زیان خویش اسراف کرده‌اید از رحمت خدا مأیوس نشوید زیرا خدا همه‌ی گناهان را می‌آمرزد اوست آمرزنده و مهربان؛ پس با این همه بردباری و عفو وسیع و رحمت و مغفرت اگر کسی در قیامت عذاب شود خود بر خود ستم کرده مخصوصاً مسلمانان که گهر گران‌بها از هدایت را پروردگار حکیم در قالب قرآن کریم بر آنان ارزانی داشته، پس زیان دیده‌ترین انسان‌ها آنانی هستند که توان عقلی خویش را در درک قرآن کریم نمی‌یابند پس کتاب، آنان را می‌خواند: آیا نابینا و بینا برابرنند؟ عقلی که چراغ هدایتش را خاموش کرده قادر نخواهد بود فضیلت کلام را دریابد پس صدایی او را به خود نمی‌خواند درحالی‌که گنجینه‌ی جان‌ها آن‌چنان گنجایشی دارد که قادر است تمام آیات الهی را در خود جاری نماید پس همواره اقیانوسی باشید که توانش محدود به ساحلی نباشد.

با این فرموده‌ی گران‌قدر کوثر الهی سرور عالمیان حضرت زهرا (س) قرآن راه گشای نجات و رستگاری است به شرط آن‌که توان عقلمان را در درک آیاتش به کار ببندیم و این مشکل نیست چون پروردگار متعال قسم یاد کرده که هدایت قرآن کریم را در وجودها به ودیعه نهاده، در این مورد نیز ایشان چنین فرمودند که: رحمت و برکت پروردگار عالم آنگاه که می‌فرماید: من شما را از یک تن آفریدم و از جام جان‌ش شرابی گوارا را خارج نموده نامش را جان خواندم جانی که مقتدایش نسیم وحی بود زبانی که در ظاهر نطقی نداشت ولی در درونش صدایی او را به هدایت می‌خواند اینک کالبدی را بر آبشار روحی منور بنا کردم تا آینه‌ای باشد از انعکاس قدرتی که خود را الله معرفی فرموده پس مخلوقاتش بر صفحه‌ی زمان ظاهر می‌شوند، جان‌شان در گنجینه‌ی نهانش امانت‌دار گوهری گران‌بهاست ندایی که همواره راه‌گشای غیبی

منور است اینک تو را به جهانی که در آن نیازی به کالبدت نداری می‌خوانم و تو شتابان آن را در خاک پنهان کرده و به سوی زادگاهت می‌آیی آیا آن را می‌یابی؟ اگر توان درکش را از دست داده‌ای چگونه خود را می‌یابی؟ گم گشته‌ای که نشانی از خود را نمی‌یابد، پس به الطاف آن گنجینه پناهنده می‌شود تا مانند سپری در مقابل نامت چیست او را مدد کند پس هدایت مختص مؤمنان است تا در سایه‌ی نعمتش سفره‌ی جانشان را منور کنند و انوار هدایت آخرین پیامبر حضرت محمد (ص) آن چنان عالم‌گیر است که هرگز گنجایشی آن را محدود نمی‌کند پس همواره انوار بندگی پروردگار عالم در زمان جاری است و کتابش در جایگاه هدایت زمان محدود نمی‌شود همانند رودخانه‌ای است که رودهای محدود را در خود وارد نموده و به اقیانوسی غیر حساب تبدیل می‌شود، پس به کافران و دشمنان اسلام و پیامبر عظیم الشان، رحمت للعالمین، خاتم انبیاء حضرت محمد (ص) که هر روز سعی در کینه توزی نسبت به ساحت مقدس ایشان را دارند و آن نشئت گرفته از ترس و آگاهی از وعده‌ی پروردگار عالم مبنی بر اینکه هدایت پیامبر اسلام و دینش عالم‌گیر شده و بر همه‌ی ادیان پیروز خواهد شد هر چند مشرکان را خوش نیاید. باید گفت و فریاد برآورد که بغض و خشم‌تان نشانه‌ی عجزتان است، این وعده‌ی پروردگار مقتدر و داناست و هرگز نتوانید که نور خدا را با دهان خاموش کنید شما فقط ننگ ابدیتان را بیشتر می‌کنید، بیهوده دست و پا می‌زنید، در این حسرت و بغض و عداوتتان خواهید ماند و خواهید مرد که خداوند قهار به پیامبرش فرمود: بگو بار خدایا تویی آفریننده‌ی آسمان‌ها و زمین، دانای نهان و آشکار تو میان بندگان در هر چه در آن اختلاف می‌کرده‌اند داوری خواهی کرد.

افسوس حرمت شکنی پیامبر اسلام به دشمنانش ختم نشد و نمی‌شود و مایه‌ی تأسف است که امتش و مدعیان دوستی و پیروانش در حرمت شکنی از دشمنانش پیشی گرفته و می‌گیرند. اگر دشمنان به توهین اکتفا کردند امتش به او و سفارشات و امانت‌هایش خیانت کرده و می‌کنند، قرآن را مهجور و پاره‌های تنش را به خاک و خون کشیدند. در عصر حاضر اکثریت امتش اعمال جنایتکار آنان را تأیید و کمر به دشمنی و قتل وفادارانش یعنی شیعیان بستند درحالی‌که فریاد لبیک یا محمدا سر

می‌دهند و بر خلاف سفارش و وصیتش قدم بر می‌دارند ولی باید امید داشت و منتظر بود همان‌گونه‌ای که خداوند وعده فرموده: حق پیروز است و باطل کف روی آب و تاریخ اسلام پر از تحقق این وعده‌ی الهی است که ما در این شب مبارک به شادمانی میلاد یکی از این وعده‌های شیرین در این مکان مقدس دور هم جمع شدیم و آن وجود مقدس و مبارک یازدهمین ستاره‌ی امامت و ولایت، عالم و زاهد و با تقوا و با وقار، ابا محمد امام حسن عسکری (ع) است که به ما آموختند که چگونه می‌شود منتظر بقیة الله بود یعنی ظهور و پیروزی حق و نابودی باطل.

با وجود اینکه دشمنان سعی در نابودی نسل ایشان را داشتند خداوند کریم نسلی از ایشان باقی گذاشت که جهان را از لوٹ وجود ناپاکان و باطلان پاک کرده و حق و عدالت را در آن بگسترانند.

چه زیبا فرمودند امیر مؤمنان علی (ع) که: ای مردم بدانید که نه چراغ اسلام خاموشی پذیر است و نه شیرینی آن تلخ می‌شود و پایه‌های اسلام از طرف حق مستحکم شده؛ چشمه‌ای است که پیوسته آب دارد و چراغ‌های اسلام همواره نورانی است و خداوند بهترین خشنودی خود را در این قرار داده که از این دین اطاعت نمایند و شما ای مؤمنان، این دین را محترم بدانید و از آن اطاعت کنید و حق دین را ادا نمایید و احکام دین را راکد نگذارید.

اینک ای مهمانان کوی عشق ما ضمن عرض تهنیت و تبریک خدمت مولا و سرورمان امام و ولی نعمتمان فرزند گهربار امام حسن عسکری (ع) اباصالح المهدی (عج) به وجود مقدسشان عرضه می‌داریم: مولای ما همان‌گونه‌ای که مادر گرامی‌تان سرور عالمیان فرمودند که: وجود با برکت پسر حضرت مهدی (عج) امانت‌دار رسالت پیامبران است و همه‌ی پیامبران به این رسالت شهادت می‌دهند و کارگزاران دولتش را می‌شناسند و دیدار آن دوران را از پروردگار تقاضا می‌کنند، ما نیز با سوز دل و تمنا فریادِ «متی ترانا و نراک» سر می‌دهیم و مشتاق دیدار شما و ظهور دولت حقتان هستیم و آرزوی رؤیت جمال منورتان و دولت مطهرتان را داریم و ما را نیز جزء کارگزارانتان بپذیرید.

حال دست به دعا بر می داریم:

بار الها مکر دشمنان اسلام و پیامبر را به خودشان برگردان و آنان را در گودال فتنه‌ی خودشان سرنگون کن.

بار الها امام حسن عسکری (ع) برای ما گه‌ری بی‌نظیر را به یادگار گذاشتند. یاری فرما با قدر شناسی از این گنجینه‌ی گران‌قدر قلب ایشان را از خود شاد کنیم.

بار الها با ظهور دولت حقه‌ی امام زمان (عج) پیروزی نهایی و ابدی اسلام و پیامبرت را کامل کن.

اللهم عجل لولیک الفرّج

بسم الله الرحمن الرحيم

بَابُی وَ اُمی وَ نَفْسِی

۴ آبان ۱۴۰۳

سلام بر طلوع صبحی که خورشید جان‌ها آماده‌ی انقلابی عظیم می‌شود. انقلابی که جان‌های مرده در کالبد‌ها به لرزه درمی‌آورد تا وعده‌ی الهی محقق شود. زمین به نور انور آخرین ذخیره‌ی پروردگار از سیاهی و تباہی نجات یابد. آفرینش به حقیقت امر الهی مزین شود. آرامش بر دل‌های مؤمنین به مانند تحفه‌ی آسمانی مسلط شود. منتظران این وعده سر بر سجده‌ی شکر بگذارند تا جان‌شان در نور انورش خورشیدی شود که حرارتش جان‌های مرده را به حیاتی جاودان دعوت کند. ثانیه‌های زمان او را می‌خواند به این وعده‌ی الهی، منتظرانی که حقیقت جان‌شان نمایانگر عشقی است که در سینه دارند پس او را می‌خوانند به ندای «بَابُی وَ اُمی وَ نَفْسِی»، نفسی که حقیقت جان‌ش بر ملکوتیان آشکار است و در کالبد خاکی‌اش در تب و تاب است که روزهای عمرش را رقم می‌زند.

عمر می‌گذرد، به دل خاک می‌رود، زبانش از تکلم می‌ایستد، آنگاه پروردگارش او را به حقیقت روحی آشنا می‌کند که ثروتش را پایانی رقم نمی‌زند. خورشید جان‌ش در عشقی که ذخیره نموده می‌درخشد تا صاحب وعده‌ای شود که پروردگارش ضامن آن است. ضمانتی که عطر و بویش در فضای جان‌ش می‌پیچد تا بهشت جانی را به تصویر بکشد که وعده‌ی پروردگارش است. حیات و مماتی که حیاتش ضربان زنده بودن است و مماتش مردن جسمی است که در دل خاک پنهان می‌شود تا امر الهی از راه برسد و او را با روحی زنده کند که مشتاق صحرای قیامت است.

پس دست نیاز به درگاه پر رحمتش می‌گشاییم: یا رب، بر ثروتی که به ما ارزانی داشته‌ای شکری را بیاموز که حیاقتان را در هر لحظه به خود اختصاص دهد و ما را شاکر نعمتی که هرگز ثروتش پایان نمی‌پذیرد و گنجینه‌اش تهی نمی‌شود. نام نیکش تا قیامت باقی می‌ماند، گذشتگان می‌روند و آیندگان می‌آیند تا همواره عشق به حقیقت را در جان‌شان بی‌فروزند و منتظرانی شوند که او را می‌خوانند به ندای:

اللهم عجل لوليک الفرج

در خاتمه خطبه را مزین می‌کنیم به فرمایشات وجود مقدس حضرتش که فرموده بودند: آنچه انسان در حرارت جسم خاکی تحمل می‌کند مدالی است که همواره بر سینه‌اش می‌درخشد تا همگان بر این مدال بنگرند و جانی را در پشت آن ببینند که در برآوردن فرمان الهی هر روز مصمم‌تر از روز قبل حرکت می‌کند و این جان قابل تقدیر است که اگر غیر از این بود این گوهر وجودی قابل درک نبود.

مهدیه تشکی است که افتادگان از بلندی نفس اماره را از مرگ حتمی نجات می‌دهد. پس قدردان مکانی شوید که می‌آیید و می‌روید تا مرگتان فرا برسد و با خود نشانی را همراه کنید که بزرگی‌اش را شکری رقم نمی‌زند.

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۵ آبان ۱۴۰۳

خطبه‌ی ولادت حضرت زینب (س)

بار الها، حمد و سپاس از آن توسست و من بنده‌ی حقیر و سراپا تقصیر به تو پناهنده شدم و آنچه در دل دارم با زبان مطهر مولایم امیر مؤمنان (ع) به پیشگاهت عرضه می‌دارم که:

خدایا من از تو برای آنچه از نفس بد در وجود من است و تو به آن بهتر از خود من آگاه‌تری، هر بار که مرتکب آن بشوم مرا ببخش. خدایا برای آنچه در دل، در پیشگاهت تعهد کرده اما به آن وفا ننمودم و آنچه به وسیله‌ی زبان نسبت به تو تعهد کردم و به تو نزدیک شدم اما قلب من به آن مخالفت کرد درخواست بخشش دارم. خدایا من از تو برای گناهایی که با اشارت چشم و گفته‌های بی‌مورد و هوس‌های دل و پراکنده و بیهودگی زبان مرتکب شدم درخواست بخشش دارم.

بارالها ببخش بر من آنچه را که از زبان مولایم امیر مؤمنان (ع) از تو درخواست کردم که من تشنه‌ی لطف و رحمت تو هستم و مشتاق تو، همان‌گونه‌ای که فرمودی «وَالِی رَبِّكَ فَارْغَبْ» به پروردگارت مشتاق شو و بندگی و عبادت کن.

بارالها می‌دانم که نیت و عملم راه گشای درگاه لطف احسان توسست. همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان حضرت زهرای مرضیه (س) فرمودند که: جان انسان در حیاتش دارای اختیار است تا تمام پنجره‌های لطف پروردگارش را بگشاید و یا به روی خویش محکم ببندد. اگر بگشاید از الطافی می‌گذرد که انتهایش آغوش پر مهر پروردگارش است و اگر نتواند زندانی در بندی می‌شود که زنجیر علایقش او را در بند می‌کشد و او را ناتوان از حرکت باقی می‌گذارد و آنگاه که اراده از او سلب می‌شود زمان خواستن به پایان می‌رسد و آنچه در عمل کسب گردیده میزان قرار می‌گیرد.

پس سلامتی در جانی است که پروردگار عالم فرمود ای بندگان من آنگاه که شما را بر بارگاه با جلالتم بخوانم ندایی در جانتان طنین‌انداز شود و همگان را بر تناول نعمتی بشارت دهد. آن نعمت به جوشش درآید و سخن آغاز کند. ای خالقم آنگاه که جان

ضعیفم را بر بارگاه با جلالت در انواری از حق قرار دادی حق سخن آغاز کرد. نامی را فراگرفت تا موجودیت جانش را در قالب آن نام اعلام نماید. پروردگارا امر فرمودید همگان برای معرفی آن نام حاضر شوند. سکوت و انتظار آغاز گردید و آن نام در معرفی خود اعلام داشت: ای آفرینش پروردگارم بر نامم که مرا حق خواند و مکذبین آن را باطل، به اطاعت درآیید. همگان بر حق تسلیم شدند و آیینی جهان پیمانشان را در صفحه‌ی جانش به ودیعه نگه داشت تا همواره حق جاودان بماند و باطل آثارش را محو و نابود اعلام دارد.

بله چه زیباست این فرموده‌ی سرور عالمیان و چه مصداق است بر اهل بیت پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) که هر کدام در حیات خود به بشریت نشان دادند که حق جاودان و باطل نابود است.

ما در این شب مبارک به میلاد یکی از ایشان در این خانه‌ی نور حضور داریم. ایشان اسوه‌ی صبر و شجاعت و ایمان و علم و مهر و عرفان، حضرت زینب کبری (س) هستند. چگونه می‌شود از ایشان سخن گفت چون زبان‌ها قاصر و کلمات عاجز و فراتر از عقل و اندیشه است چون همه‌ی فضائل و حسنات را در وجود مطهرش یکجا داشت. قبل از تولدشان پدر گرامی‌اش امیر مؤمنان (ع) و مادر بزرگوارش حضرت زهرا (س) آگاهی داشتند که فرزندشان دختری بی‌نظیر و خاص است. به دعا از پروردگار می‌خواستند او را درختی استوار در رسالت پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) قرار داده و او را در این امر خطیر یاری فرماید. دعایشان به اجابت رسید و پیامبر (ص) او را ریشه‌ی نبوت خواند و پروردگار عالم چنان زبان شیرینی به او عطا فرمود که زمین و آسمان امانت‌های خویش را به پیشکشی آوردند و پروردگار نپذیرفت و فرمود کلامی را در زبان او آفریدم تا آنگاه که تکلم کند همگان در مقابل تکلمش به تکریم درآیند اعلام دارند که پروردگارا جز آنچه به ما آموختی دانش دیگری نداریم.

حضرت زینب (س) قلب نازنینش نازک‌تر از برگ گل و مهربانی‌اش زلال‌تر از چشمه‌ساران بود که بزرگ و کوچک، پیر و جوان از آن سیراب می‌شد و جوانان

بنی‌هاشم بیشتر از مادرشان از مهر و محبت او جان می‌گرفتند و همین زینب در مقابل ظلم و کفر و نفاق چنان استوار و محکم بود که کوه‌ها را شرمند می‌کرد.

در کربلا زمانی که وارد خیمه‌ی امام حسین (ع) می‌شود چنان قدم بر می‌دارد که ستون خیمه تکان می‌خورد. امام با تبسمی می‌فرماید: خیمه‌ی امامت از استحکام قدمتان به لرزه افتاده. حضرت زینب (س) می‌فرماید: می‌خواهم این سرزمین مرا در اطاعت از امامت در قلبش به تصویر کشد، خاکش بشکافد و مطمئن شود که اطاعت‌گران، مصمم به فرمانی هستند که امامت صادر بفرماید.

بله ایشان با همان ابهت و استواری قدم به کاخ ابن زیاد گذاشتند که آن ملعون تعجب کرده و پرسید، این بانو کیست که چنین مغرور و محکم قدم بر می‌دارد، گفتند زینب دختر علی (ع) است و همین‌گونه وارد کاخ یزید شد و آن ملعون نیز گفت شما چرا شبیه اسرا نیستید.

بله هر چه از فضائل و حسنات حضرت زینب (س) سخن بگویم کم است. پس در این شب مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت به ساحت مقدس مولا و سرورمان امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) در میلاد عمه‌ی گرامی‌شان حضرت زینب کبری (س) از وجود مبارکشان عاجزانه تمنا داریم:

ما را در ادامه‌ی راه حضرت زینب (س) در این عصر و زمان پر از ظلم و نفاق و فتنه و کفر یاری فرمایند و با تعجیل در ظهورشان ریشه‌ی ظالم و کافر و منافق را برکنند و برای تحقق آن به شوق فریاد می‌کنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۴ آبان ۱۴۰۳

خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) (روایت اول)

سلام بر زمان آنگاه که سینه‌ی خویش را می‌گشاید، سینه‌ای که حکایت از هجرانی دارد که تاریکی امشب شاهد آن است. غمی که سینه‌ی اسدالله را می‌شکافد تا درد جهلی را فاش کند که امشب زمان شاهد آن است. فرشتگان می‌آیند تا تسلی قلب کودکانی باشند که شاهد از خانه رفتن مادری بی‌همتا هستند. هدیه‌ای که مدال گردن خاتم انبیاء (ص) بود. می‌رود تا بار دیگر در آغوش پدر جای گیرد.

امشب زمین امانتی را در خود پنهان می‌کند که هزاران معمای خلقت را در جان مبارکش به ودیعه دارد. چراغ هدایتی که هرگز خاموش نمی‌شود، او وارث علم تمام پیامبران است و فرزندانش وارث علم پیامبری که فرزندانش را جانشینان خویش معرفی فرمود تا زمان‌ها و دوران‌ها از علم گوهری بی‌نظیر تهی نشود و اینک این گنجینه بی‌همتا از ظاهر زمان می‌رود تا وارثان هدایت را به دولتی بخواند که در آن ظلمی بر مظلوم وجود ندارد. همگان در عدالتی به سر می‌برند که وعده‌ی قرآن کریم است.

منتظران دولتش به تمنا او را می‌خوانند: مولای جان‌های منتظر به دل‌تنگی جان‌های خسته‌مان نظر بفرمایید، ما در پوسته‌ی جانی درمانده اسیر اوهامات ذهنی هستیم که قیامت را از ثانیه‌های عمرش به فراموشی سپرده و منتظر است تا زمانی از قبر برخیزد و به صحرایی خوانده شود که آن را باور دارد درحالی که او را هم‌اکنون به نام می‌خوانند تا از قبر جانش جدا شود و به طرف حقیقتی به حرکت درآید که نامش برزخ است. برزخی که همگان را در خود جای می‌دهد و ظرفیتش بر کسی آشکار نمی‌باشد. روز و شبش در معمای ذهن‌ها مجهول باقی می‌ماند تا به حقیقتی اندیشه‌کنند که در جانشان نهفته است. نفسی که می‌تواند اعجاز عالم را در حقیقت جانش جای دهد او را بنده بخوانند بنده‌ای که هیچ بندی توان نگه داشتنش را ندارد. به طرف الیه راجعون می‌رود، به آغوش خالق که خود را ارحم الراحمین معرفی فرمود تا ثروت جان‌ها در بندگی‌اش شناخته شود و لب‌ها به ذکرش به سخن درآید. حق و باطل از یکدیگر جدا

شود. باطل اثری از خود باقی نگذارد و حق جاودان در جان‌ها باقی بماند. حقی که امشب به نام با عظمتش متوسل می‌شویم تا از انوار با برکتش جدا نشویم و او را می‌خوانیم تا در تاریکی زمان در غفلت نفسی که ما را همواره بر بیهودگی می‌خواند قرار نگیریم. دست یداللهی‌اش را می‌گیریم و به تمنا او را می‌خوانیم به دعای:

اللهم عجل لولیک الفرّج

www.rayatolhoda.com

بسم الله الرحمن الرحيم

۹ آذر ۱۴۰۳

خطبه‌ی الیه راجعون

به نام آغاز کننده‌ای که جهان را بر محورِ هدایت آفرید آنگاه بر مخلوقاتش امر فرمود تا او را بپرستند و سر تسلیم در مقابلش فرود آورند تا اطاعت، نظم را در جامعه‌ی بشری به وجود آورد و آنچه که همگان را موظف می‌کند تا از این امر، اطاعت کنند درک عظمت خلقت است.

خلقتی که پروردگار عالم در معرفی آن، در کتاب آسمانی خود این‌گونه فرموده است: ﴿نه تاریکی و روشنی و نه سایه و حرارت آفتاب و زندگان و مردگان برابر نیستند؛ خدا هر که را که خواهد شنوا می‌سازد.﴾ پس قلب جهانی که آن را به‌عنوان مکان آمدن و رفتنمان می‌شناسیم قلبی زنده است که با دم و بازدممان هم‌نشین می‌باشد؛ ما او را در خانه‌ی جانمان جای داده‌ایم؛ صدای حرکتش را در گذشت عمرمان حس می‌کنیم؛ او می‌چرخد و ما ساکن مانده‌ایم! صدایمان می‌کند؛ آیا می‌شنوی؟ می‌گوید: من تو را در قلبم با محبتم پذیرفتم؛ نیازمندی‌ات را برطرف ساختم و نعمتم را دریغ نکردم پس پاسخم چیست؟ دهانت را باز کن! زبانت را بچرخان و بگو در کدام جهت قلبم قرار داری؟ آیا در تاریکی آن و یا روشنایی؟ در سایه‌اش و یا حرارت؟ چه می‌کنی؟ آیا جان ضعیفت را به ستون فرو ریخته‌ای تکیه می‌دهی که جز نابود کردنت حیاتی را تضمین نمی‌کند پس از این خرابه بگریز و به آغوشم بیا؛ من دوستت دارم! هر چه بخواهی در من است؛ از کلبه‌ی فرو ریخته‌ی دنیا به ساختمان محکم هدایت پناهنده شو تا معنای نور و گرما را حس کنی. به آنچه که در فطرت نهاده‌ایم نظر کن. در فطرت هر انسانی الیه راجعون مقصد نهایی است و خانه‌ای که از آن مدتی خارج گردیده و هدف بازگشت هر نفسی است که به نام خلیفه آمده تا در مسافرخانه‌ی دنیا چند صباحی به تماشا مشغول شود یا ثروتش را خرج نفس اماره کند و یا عظمت نفس لواحه را به نمایش گذارد.

پس همگی مسافرانی هستیم که بایستی توشه‌ی راهی شایسته در این سفر داشته باشیم. توشه‌ی راهی که نامش معرفت است. معنای معرفت چیست؟ آیا کلمه‌ای است که بدون شناخت مقامش آن را دوست داریم؟

پروردگار عالم در تفسیر آن در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿ای بندگان من به آنچه آفریده‌ام نظر کنید؛ آیا کم و کاستی در آن می‌بینید؟﴾ و ما معترف می‌شویم که آنچه در عالم حیات، خلق شده نشان از خالق مدبر دارد تا مخلوقاتش به آسودگی از تدبیرش به صحنه‌ی حیات بیایند و بر خوانِ آماده بنشینند، آنچه را می‌پسندند بردارند و با خود همراه کنند پس معمایش، آذوقه‌ای است که از این سفره‌ی گسترده برمی‌دارند.

حال که معنایش را دانستیم به خود نظر کنیم که از این خوانِ گسترده چه برداشته‌ایم؟ چه ثروتی قادر است تا معرفتِ جانی را بخرد که آن جان از سفره‌ی پروردگارش عشق را برگزیده و در راهش متحمل سختی‌های بسیار گردیده، پروردگارش او را دیده و در کتاب آسمانی‌اش فرموده است: ﴿ای انسان، تو در راه پروردگارت رنج فراوان می‌کشی پس پاداش آن را خواهی دید﴾. پس. اگر مدعی معرفت هستیم باید جانی مجروح از اطاعت داشته باشیم، اطاعت از خالق که خلیفه‌اش را با تمام نعمت‌هایش دوست دارد ولی او، از آن می‌گریزد و به برهوت زمینی پناهنده می‌شود که آبادانی‌اش در افسونِ نفس اماره به هزاران نقش زیبا که خود آن را طراحی کرده و در ویرانه‌اش نشسته است و ندانسته آن را به باغی تشبیه می‌کند که هزاران نعمت پر زرق و برق در درونش نهفته، غافل از اینکه پروردگارش آن زمین را ناشنوا اعلام می‌کند پس بار و میوه‌ای ندارد؛ آنچه در آن زمین می‌روید دارای میوه‌ای گس و تلخ و شور است؛ باید از این زمین خارج گردد تا طعم نعمت را بچشد تا بتواند آنگاه که پروردگارش او را به‌سوی خود خواند پاسخ دهد و امانت جانش را به صاحب آن که منتظرش است بسپارد تا حکایتش را بخواند؛ حکایت هجران‌هایی که با فرمان پروردگارش اکنون به وصلی مبارک تبدیل شده. و او در هنگام بازگشت به‌سوی پروردگارش این‌گونه زبان به نجوا بگشاید: پروردگارم، مرا از آستانِ پر مهرت بر غربتی ناشناخته فرو فرستادی و من

در این دیارِ غریب، دستِ یاری بر آستانِ رهبرانت گشودم تا مرا در خانه‌ی پر مهرشان جای دهند و آنان با تمام ثروتشان مرا پذیرفتند و من مهمان آستان پر محبتشان بودم؛ مهمانی تمام شد و من آماده‌ی بازگشت به خانه‌ام شدم؛ از صاحب‌خانه تشکر کردم و بارم را برداشتم؛ با دلی مشتاق به دیدارت شتافتم؛ سرِ پر هجرانم را بر دامن رحمت گذاردم و آنگاه که نامم را خواندند، با آن اُنس گرفتم. پس سرِ شکر بر درگاهِ خالقم فرود آوردم که مرا بنده‌ی خویش خواند و فرمود: ﴿چون بندگان من درباره‌ی من از تو بپرسند، بگو که من نزدیکم و به ندای کسی که مرا بخواند پاسخ می‌دهم. پس به ندای من پاسخ دهند و به من ایمان آورند تا راه راست یابند.﴾ و من اکنون از سفر بازگشته و بر آن صراطِ نشسته‌ام و دست بر سینه‌ی پر هجرانم نهاده‌ام تا حرارتش، جان شیفته‌ام را بر جویبارِ راهی مهمان کند که هم‌سفرانم در آن راه منتظرم هستند پس به آنان می‌پیوندم تا در کنارشان به شیرینی وعده‌هایت برسم.

پس تا فرصت عمرتان باقی است مانند رسولتان درحالی که مکتب نرفته‌اید بخوانید تا معنای غیب را درک کنید؛ خواندنی که صدایش نوای عشق است و نقشش انواری که به نعمتِ غیب، مزین است پس کلیدِ جانتان را بردارید و قفلِ ناباوری را بگشایید تا آب زلال معرفت، در جانتان جاری شود و آن را غنیمتی بدانید که عمرتان شاهد آن است، شاهی که شهادتش گواهِ کارنامه‌ای است که به فرمان قرآن کریم، خنده و گریه را معنا می‌کند.

اکنون پروردگار عالم را شاکریم و از او می‌خواهیم تا جهل جانمان را با اتصال به انوارِ دعا درمان فرماید پس همگی با تضرع فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرّج

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۵ آذر ۱۴۰۳

خطبه‌ی شهادت حضرت زهرا (س) (روایت دوم)

سلام بر بزرگی و جلالت پروردگار، آفریننده‌ی هر آنچه در عالم روزی‌خور سفره‌ی احسان جبروتی‌اش است. احسانی که پایانی ندارد. آغوشی که همگان را به خود می‌خواند تا بار دیگر طعم ملکوت را به خاطر بیاورد. افسوس آنچه در ذائقه‌ی انسان به یادگار ماند طعم تلخ جدایی بود. طعمی که شیطان نفس آن را آراست تا همگان به خدمتش درآیند. زمان نظاره‌گر حقیقتی شد که پروردگار وعده فرموده بود. آتش امیال افروخته شد و آن‌چنان شعله کشید که وارد خانه‌ی وحی شد. حرمت آن را شکست و تا قیامت ننگش را باقی گذاشت. مردم زمانه‌اش در حيله و نیرنگ شیطان حقیقت را نیافت پس در تاریکی و جهل به دنبال فرمانروایی به راه افتاد که فریادش در زمان‌ها به‌عنوان شقی‌ترین نسل باقی ماند.

مودت به خاندان پیامبر (ص) در دنیاطلبی حاکمان به دشمنی بدل گشت و آثارش زمین را در بهت و حیرت فرو برد. رسالت در حکومت خلاصه شد و میراث بزرگ هدایت به حسرتی که زمان بر دوش خویش آن را حمل نمود تا آیندگان به آن به دیده‌ی حقی بنگرند که توان اُمت گذشته در نگهداری‌اش به باطل جانسان در عقلی کودکانه بدل گشت.

حضرت زهرا (س) پس از رحلت پدرشان در معرفی چهره‌ی پلیدشان این‌گونه بیان فرمودند: سپاس پروردگار را که عشق به ذات حق را آفرید تا در پناه این عشق انسان‌ها به اوج معرفت الهی دست یافته و در جوار حق جای گیرند. من صدیقه‌ی طاهره، بنت احمد بن عبدالله هستم. همه من را خوب می‌شناسید و به گذشته‌ی من آگاهید. معرفی خودم درحالی‌که در اعتراض به وجود من باعث شأن نزول آیه‌ی کوثر شده الزامی ندارد. شما خوب مرا و جانشین پیامبر و جایگاه امامت را می‌شناسید. هرگز پدرم ادعایی بر شما نداشت جز آنچه که خداوند خواسته بود و هرگز همسرم علی بن ابیطالب (ع) ادعایی بر شما نداشت جز آنچه که خداوند خواسته بود و هرگز

من ادعایی بر شما ندارم جز آنچه که خداوند خواسته بود. ای مردم با دست خود آتش را بر جان‌های خود می‌خرید، از عذاب پروردگار بترسید که روز حساب روزی سخت است و دشوار و در آن روز جز پدرم همسرم و خودم و فرزندانم شما را یآوری نمی‌بینم. شما را به وصایای پدرم آگاه می‌کنم و اکنون آن‌چنان دل‌شکسته هستم که پدرم در جنگ بدر دل‌شکسته بود. اسلام دین خداوند است. خداوند از دین خود محافظت خواهد کرد و من و فرزندانم درفش‌های این دین هستیم هرگز با دسیسه‌های شیطان آیین محمد (ص) آسیب نخواهد دید و هرگز قرآن فراموش نخواهد شد و هرگز حکومت خداوند در زمین لطمه نخواهد دید. آنچه که می‌کنید رسوایی است بر خودتان. آیا خداوند در قرآن صحبت از قبیله‌ی بنی‌اسد یا بنی‌هاشم یا قبایل دیگر عرب کرده‌اند که اکنون این‌چنین بر برتری در حکومت نسبت به یکدیگر عصیان کرده‌اید. حکومت جز به فرمان خداوند نیست و فرمان خداوند در حکومت پسر عموی رسول خدا علی (ع) است. با نافرمانی از دستور خداوند یکتا خشم و غضب الهی را بر خود مستولی نکنید و خود را از الطاف حق خارج ننمایید. ما اهل‌بیت رسول خدا هستیم که جز راه حق را نخواهیم رفت و به دنیا جز به لهو و لعب نخواهیم نگریم پس از خداوند بترسید و با آل رسول‌الله دشمنی نکنید.

روزی حضرت جبرئیل بر پدرم وارد شد و فرمود: حق شما را سلام می‌رساند و می‌فرماید اگر چشمه‌ها تبدیل به سنگلاخ شود و اگر مزرعه‌ها تبدیل به بیابان و اگر زمین جز آتشی به آسمان زبانه نکشد جز بر محبت رسول و آل رسول‌الله راضی و خوشنود نخواهم شد پس با خود دشمنی نکنید و خود را در آتش خشم الهی گرفتار نکنید که عاقبتی جز آتش دوزخ نخواهد داشت. من به تمام افکار و نتیجه اعمال شما آگاهم. دست از من و همسرم بردارید و حرمت رسول خدا را نگه دارید. اگر چنین نکردید باید منتظر قدوم مبارک پسر من که نام من و پدرم و همسرم را بر تمام زمین پراوازه خواهد کرد باشید. در دست‌های او ذوالفقار و در لب‌های او کلام پیامبر و در پاهای او عزم حسین است. دولت او دولت عشق است و داد. در دولت او ظلم و ستم نخواهد بود و هرگز حرمت رسول‌الله شکسته نخواهد شد. زمین با نام آخرین رسول شکوفا خواهد شد. سپاس پروردگار را که ما را از اهل این دولت پیروزمند قرار داد و

همچنین پیروان ما را و علاقه‌مندان ما را. آنچه را که باید بگوییم با شما گفتم. مشیتی جز مشیت پروردگار بر خود نمی‌دانم. اینک سخنان خود را به پایان می‌برم و برای روح بزرگ و پرآوازه‌ی پدرم و شهدای اسلام آرزوی پیروزی و رحمت می‌نمایم.

اینک در مقابلِ آیینهِ زمان می‌نشینیم و شهادت می‌دهیم که سرور عالمیان در میدان جهادِ حق، به آنچه نزد پروردگارش بود دل و جان را تسلیم نمود و راهی را پیمود که وعده‌ی خالقش بود پس آنچه این مصیبت را برای تمام زمان‌ها سنگین‌تر می‌کند همان جهل است که سایه‌ی شیطانی‌اش محو نمی‌شود و همواره بر جانِ عاشقان خاندان نبوت می‌تازد، تازیانه‌اش آن‌چنان اثری دارد که قلب‌ها را در سینه مجروح می‌کند و جان‌ها را به باوری می‌کشاند که خود، آن را تزیین و نامش را سندِ دینی می‌خواند که خود آن را نگاشته است درحالی‌که سینه را باید از هجرانِ کوثری شکافت که اُمّ آبِها بود، دریایی که هرگز علمش را پایانی نبود پس به دریا متوسل می‌شویم و ابراز می‌داریم: ای دخترِ پیامبرمان و ای سیده‌ی زنان عالم بر جانِ سوخته از فراق‌تان نظری کنید تا در پرتوِ هدایت‌تان، از جهل نجات یابد و همواره جانی مشتاق که در این دوره‌ی سخت که میدان آزمایش الهی در آزمودن حق از باطل برپاست ما را از سفره‌ی احسان‌تان اطعام کنید تا مدافع حقی باشیم که به آن یقین داریم.

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ دی ۱۴۰۳

خطبه‌ی ولادت حضرت زهرا (س)

سلام بر آفریننده‌ی جان‌ها؛ پروردگار بخشنده؛ گیرنده‌ی جان‌ها؛ زنده کننده‌ی مردگان؛ مالک یوم‌الدین؛ برپا کننده‌ی کرسی آسمان‌ها و آفریننده‌ی جان‌های مطهر؛ همان زندگانی که زینت زمان هستند در دقیقه‌ها و ثانیه‌هایش؛ در طلوع و غروبش؛ در تاریکی و روشنایی‌اش همواره نفس متبرک و با جلالتشان دژ محکم هدایت است و پویندگان راهشان بر صراطی در حرکت‌اند که وعده‌ی پروردگارشان ضامن نجاتشان از گمراهی و ضلالت نفس اماره است.

خاندان نبوت ستارگانی هستند که انوار خویش را از پروردگارشان کسب نموده و جهان تاریک و در جهل مانده را به انوار خویش آراستند. حضرت زهرا (س) که صلوات و سلام فرشتگان و زمینیان و آسمانیان بر نام مبارک و با جلالتشان باد دخت پیامبر خاتم گنجینه‌ای هستند تمام نشدنی؛ کوثری که عطای بی‌همتای پروردگار عالم است؛ او جهان ظلمانی را به نور اخترش افروخت و فضل رحمت الهی را در گلستان خلقت به زیباترین نام‌ها زینت داد؛ او را چه کسی دریافت؟ آیا گذشتگان دانستند چه گنجینه‌ای هدیه‌ی پروردگارشان بود و یا آیندگان که وارثان حقیقی هدایتش هستند دریافتند مقام او را؟ این سؤال را چه زبانی قادر به پاسخ است جز زبان شیوای خودشان که وجود مبارک خویش را چنین توصیف فرمودند: جان من گنجینه‌ی تمام کاخ‌های الهی است پس نامم کوثر است و تمام وعده‌های پروردگار در جانم ذخیره شده تا همواره دستان حق را در دستم قرار دهم که انوار روح را در جانشان افروخته‌اند تا در سایه‌ی انوارش به بهشت‌های وعده داده شده‌ی الهی دست یابند پس جویندگان راه حق همواره بایستی با آن انوار بمانند تا تاریکی از جانشان جدا گردد و نام مرا که کوثر رحمت است صدا بزنند تا وجودشان طراوت الست را به یاد آورد و آنگاه آن را ببینند تا شمیم رحمت را درک کنند.

آن زمان که پدرم رسول خدا نامم را بر زبان پر جلالتش جاری فرمود فرشتگان الهی صف در صف به تماشا ایستادند و ابراز داشتند: ای رحمت الهی، چگونه او را نامی نهادی؟ درحالی که نامش کوثر است و شما نام فاطمه را بر زبان مبارکتان جاری فرمودید؟ و پدرم فرمود: او ساکن کننده‌ی آتش جانم از فراق پروردگارم می‌باشد؛ او جامی در جانش به ودیعه دارد که یک جرعه از آن معنا کننده‌ی اسرار خلقت است سپس ایشان خطاب به پروردگار فرمودند: ای پروردگارم، طعم کوثر را چشیدم و همواره بر بوی مطهرش تو را سپاس خواهم گفت تا روزها و شب‌هایم بگذرد و من در چهره‌ی هدیه‌ی با شکوهت وعده‌ات را که فرموده‌ای: بدخواه تو خود ابتر است را تماشا کنم پس ای عالم، هدیه‌ام را مانند گوهری گران بها در جانت نگه دار تا در چهره‌ی بی‌همتایش احسان پروردگار عالم معنا شود.

آری او رحمت بی‌منتهای الهی است که هیچ‌گاه پایان نمی‌پذیرد و وجود گهربارش نشانی از عظمت خلقت دارد که تشنگان معرفت و علم را سیراب کرده و خلیفه را در مقام عطایی پروردگار به‌واقع به نمایش تاریخ گذاشت و گنجینه‌ی جانش هزار و اندی سال است با وجود عدم شناخت او بر زمین و آسمان خودنمایی می‌کند. او ذات الهی را در مقام توحیدی خالص به واقع ستایش می‌فرمود و آنچه که اکنون در نزد همه به‌عنوان تسبیحات حضرت زهرا (س) مشهور است دارای اسرار و رموزی می‌باشد که در اینجا به بیان آن می‌پردازیم.

وجود نازنین بانوی عالم هستی از رمز گفتن اسماء الهی در وجود خودشان آگاه بودند و می‌توانستند تا با گفتن ذکرها در آنها به گردش درآیند و آنها را در وجود خویش جستجو کنند و در وجودشان طوری حمد شکوفا می‌شد که از تماشای آن هیچ موجودی سیر نمی‌شد چون می‌توانستند تا خدای نادیده را در حمد حضرت زهرا (س) ببینند و این ذکرها از آن نظر دارای اجر و ثواب است که شما متوجه باشید که در مقابل پروردگار در محراب ایستاده‌اید و وجود با جلالتش را در بزرگی حمد، ستایش کردید و بعد از تمام شدن نماز گواهی می‌دهید که از آنچه که حمد کردید پروردگاری بزرگ‌تر و با جلالت‌تر است چون تمام اسماء الهی در ذکر الله اکبر پنهان شده‌اند که در

تسبیحات حضرت زهرا (س) یک دانه اضافه‌تر گفته می‌شود تا این تفاوت در نهان الله اکبر نمایان شود. حمد و ثنای پروردگار که الحمدالله است در الله اکبر پنهان شد و شما نمی‌توانید به انتهای آن برسید چون ذات الهی بی‌منتها است و ذکر سبحان الله در الحمدالله پنهان است چون شما هرگز نمی‌توانید وجود پروردگار را که ذاتش بر کسی مشخص نیست حمد و ثنایی در خور جلالتش انجام دهید پس سبحان الله در الحمد الله مخفی است و تعداد آن‌ها در تسبیحات حضرت زهرا (س) با هم برابر است چون هر چه شما پروردگار را حمد کنید تقدس در ذات را هم حمد کرده‌اید پس تعداد آن‌ها با هم برابر است و همگی در الله اکبر مخفی هستند و هیچ‌کس نخواهد توانست تا در ذات پروردگار وارد شود. پس در گفتن ذکرها باید دقت کرد و آن‌ها را در آشفته‌گی فکر بر زبان نیاورد زیرا دریایی از علم و حکمت در وجودشان نهفته است.

اینک خداوند را بر این عطای عظیم و خلقت وجودی به این بزرگی شاکریم و منتظر زمانی می‌مانیم تا انتظارها پایان پذیرد و منادی اعلام فرماید: کجایند عاشقان فرزندان رسول خدا (ص) تا به وعده‌های حق مسرور شوند. وعده‌ای که فرمود: بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين. مؤمنینی که جانیشان را از بازیچه‌های شیطان می‌رهانند تا سینه‌هایشان میراث دار ارث عظیم کوثر الهی شود. سخنانش را به گوش جان بشنوند و اعلام دارند:

گرچه توان پاسخ نداریم ولی از لطفی مسروریم که هرگز امتی آن را تجربه ننموده. ما در محفلی می‌نشینیم که جاغان از نعمتش مسرور است پس مددمان کنید تا قدردان لطفی شویم که درکش برای آیندگان نیز دشوار است. شما را به مدد می‌خوانیم تا توان برداشتن این امانت عظیم را با انتظار فرج بیابیم و همواره شما را بخوانیم به دعای:

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۱ دی ۱۴۰۳

خطبه‌ی ولادت امام محمد باقر (ع)

حمد و ستایش، خداوند عزوجل را سزاست که جهان را با علم ابدی و ازلی‌اش بیافرید و در آفرینش آن از هیچ موجودی مدد نخواست بلکه امر فرمود تا آفریدگان از او مدد و یاری طلب کنند تا آنان را به واسطه‌ی مأموران آسمانی و زمینی مدد فرماید.

و سلام بر جان‌های به امانت مانده در خاک. جان‌هایی که خورشید جانشان چونان آتش‌فشانی است که خاکِ سردی آن را پوشانده تا حقیقت عملشان در قیامتی فاش شود که پروردگار امر به شکافتن آن می‌فرماید. خاک به لرزه درمی‌آید زلزله‌ی قیامت به سخن درمی‌آید: یا رب! چگونه خاکی را زیر و رو کنم که امانت‌دار جانی است که صاحب زمین و آسمان است، خلیفه‌ای که امرش اقیانوس‌ها را به آتش می‌کشد، از دل زمین بیرون می‌آید تا شاهد آفرینشی باشد که هر آنچه که پروردگارش آفریده بود در مقابل بزرگی روحش به‌مانند گردی در آسمان به یغما می‌رود تا صاحب اصلی قدم به صحرا بگذارد و وقتی تمام بهشت‌ها به پیشکشی می‌آیند او با بهشت جان‌ش پروردگار را می‌خواند تا سینه‌اش را بشکافد و از آن سینه عشقی خارج شود که هزاران آتش به گرمای آن نرسد و آنگاه او به بهشتی خوانده شود که پیشکشی پروردگار است.

درود خداوند کریم بر تاج اوصیا، خاتم انبیاء، حضرت محمد مصطفی (ص) و خاندان پاک و مطهرش، همانانی که چون به خدا پناهنده شدند و به او توکل کردند در جوار عزتش جای گرفتند و از فضل و کرم و رحمت و وسعت و سعادت نصیبشان گردید و بر اثر طاعتشان توفیق خیر و راه راست و درستی یافته و از پرتو قدرت خداوند متعال بین آنان و گناهان فاصله افتاد و هیچ‌گونه نافرمانی از آنان سر نزد و در سایه‌ی لطف و عنایتش آرمیدند.

و ما امشب به شکرانه میلاد یکی از این گوهران بی‌همتا امام محمد باقر (ع) که شکافنده‌ی علوم لقب گرفتند گرد هم آمده‌ایم و پروردگار خویش را به مدد می‌خوانیم تا ما را در زمره‌ی پیروان و دوست داران این خاندان با کرامت گرداند تا توانسته باشیم با مودت به اهل‌بیت پیامبر مزد رسولان را ادا نماییم.

دوستی و مودتی که بانوی دو عالم حضرت زهرا (س) این گونه آن را تفسیر فرموده‌اند: در هر زمانی عشق به خاندان نبوت در گنجایش فکری مردم آن زمان بوده و مرتباً دست‌خوش تغییر است ولی آنچه ثابت می‌ماند فهم درک حق از باطل است؛ بنابراین عشقی جاودانه است که اهل‌بیت را در حقش بشناسد و آنچه را به‌عنوان ارث به فرزندان می‌دهد حقایقی باشد که به آن حقیقت‌ها ایمان بیاورد تا دست‌خوش تزلزل نشود پس باید همانند دوستان ما باشید که راه ما را با فدای جانشان به مردم معرفی کردند و یاد ما را همواره با آیات الهی همراه نمودند تا حقیقت تابش خورشید در گرمایش حس شود نه در ظلمت شب.

پروردگار کریم در کتاب آسمانی فرموده‌اند که: مودت به اهل‌بیت باعث بخشش گناهان می‌شود و مردم عصرهای آینده مزد رسولشان را در خدمت و علاقه به فرزندان می‌دانند درحالی‌که علاقه به اهل‌بیت بهای سنگینی دارد و جسم توان پرداخت آن را ندارد، باید با روح خداوندی مزد پیامبر را پرداخت کرد پس همگان منتظرند تا روزی بیاید که این مزد نمایان شود و دوستان ما آشکار شوند و با برپایی حق باطل نابود شود و رسالت رسولان به رحمتی بی‌منتها متصل گردد.

آری خاندان نبوت امانت‌داران گذشتگان و پیشوای آیندگان هستند؛ امانت پیامبران و پیروانشان را در صندوقچه‌ی جان انباشتند تا برای آیندگان گنجینه‌ای باشد که هرگز پایان نیابد و جان‌های مشتاق، خریداران این گوهر گران‌بهایند و ما اکنون در این شب بزرگ از پروردگار خویش تقاضا داریم تا ما نیز بتوانیم جزء خریداران این گوهر باشیم و به ریسمان الهی که همان حبل‌المتین، وجود مقدس مولا و سرورمان، امام زمان (عج) است چنگ بزنیم تا دینمان و توحیدمان محکم و استوار گردد و با دستان نیرومند امامان خداوند را عاشقانه بستاییم.

حال دست به دعا برمی‌داریم:

بار الها ما را جزء کسانی قرار بده که به وصیت پیامبر گرامی‌ات در حفظ امانتش قرآن و عترت کوشا هستند.

بار الها در ظهور منجی عالم بشریت و برطرف کننده ی کج روی ها، امام عصر و زمان،
ابا صالح المهدی (عج) تعجیل بفرما.

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس پروردگار رحمان و رحیم را سزااست که آفریننده‌ی جان‌هاست، جان‌هایی که با شکرش به دریای بیکران محبت و احسانش داخل شده و عزت یابند، عزتی که همه‌ی مخلوقات در برابرش سر تعظیم فرود آوردند، پس شکر پروردگار یکتا را که هدایت خویش را بر جان بندگان هدیه فرمود تا همواره بر سر سفره‌ی احسانش بنشینند و از رزق ملکوتی‌اش جانشان را متنعم کنند؛ نیست معبودی جز خداوند یکتا که رحمتش فریادرس بندگان، احسانش یاری کننده‌ی درماندگان، بخشاینده‌ی گنه‌کاران، روزی دهنده‌ی خورندگان و آرامش دل مؤمنان است.

بار الها ماهی را آغاز نموده‌ایم که مقدمه‌ای است بر ورود به ماه شعبان، ماه پیامبرت، خاتم پیامبران حضرت محمد (ص) و همچنین ماه پربرکت رمضان، پس به ما توفیق عبادت و نیایشی خالصانه عنایت بفرما. عبادتی که در پرتو آن بتوانیم به مقام قرب و بندگی‌ات برسیم؛ اما چه نماز و عبادتی می‌تواند در این ماه پر فضیلت ما را به این مقام برساند؟ وقتی در محراب به نماز می‌ایستیم حمد ما را چه کسی می‌گوید؟ خودمان یا افکارمان و یا پیش‌نمازهای متعدّد و غیر صالحی که در فکرمان وجود دارد و هر کدام یک قسمت از حمد ما را به خود اختصاص می‌دهند. آیا وجود و عشقی که با آن در محراب ایستاده‌ایم پیش‌نمازمان است یا دنیا با آرایش آن که قرآن کریم به‌عنوان زینت از آن یاد می‌کند. اگر دنیا پیش‌نماز باشد وای بر احوالمان که نماز ما به دست پیش‌نمازی سپرده شده است که کارش افسون است و اگر به دست نفس سپرده شد و او پیش‌نماز است که ما را گاهی در عرش و گاهی در فرش گردش می‌دهد. مدتی در سعادت هستیم و مدتی در ضلالت ولی اگر پیش‌نماز پیشوا و رسول بود دیگر ترسی وجود ندارد. رسول از پیش پروردگار پیش‌نماز است و می‌توان با اطمینان حمد خود را به او بسپاریم پس هر چه زودتر تا فرصت باقی است باید رسول محراب وجود را انتخاب کرد و در آن محراب فقط به عبادت پرداخت چون محراب جای کارهای بیهوده نیست و قرآن کریم از آن به‌عنوان محل وحی نام می‌برد و می‌فرماید: «وقتی حضرت زکریا در محراب مشغول عبادت بود پروردگار او را ندا داد» پس اگر ایشان در

محراب دلش جز رسول کس دیگری بود هرگز ندای پروردگار را نمی شنید و آنچه می شنید صدای نفس خودش بود که او را در امور دنیا پیش نمازی می کرد و در آن نماز، پیش نماز فردی غیر صالح و فاسق بود و آنچه را که صاحب نماز به او اقتدا کرده بود همه را نابود می کرد و جز زحمت برای صاحب آن باقی نمی گذاشت.

پس عبادت عشق است و بندگی و آنچه پروردگار می دهد پیشکش است نه ذخیره و اذکار الهی مانند نورافکن های قوی هستند که بر پرده ی دل نورانیت می بخشند و می توانند آسمان های هفتگانه را زینت کنند که معنی ذکر متذکر شدن است و اگر در این ماه عزیز و مبارک کسی ذکری را بگوید ولی با آن ذکر متذکر بزرگی و جلالت حق در وجودش نشود آن ذکر نمی تواند فضای روح را تطهیر کند. زبان بدن ساختارش صحبت کردن است و هر کلمه ای که به آن بیاموزی می گوید پس زبان روح است که توانمند است و توانایی گفتارش باعث نورانیت روح می شود پس در این ماه عزیز با عبادت های خاشعانه و اذکار عاشقانه ی خود می توانیم ملکوت روح خویش را پرورش داده و در آسمان معرفت الهی که دارای ستارگانی بزرگ و نورانی است به گردش درآییم.

یکی از این ستارگان نورانی حضرت امام علی نقی، ملقب به هادی (ع) است که امشب در سوگ این امام عزیز نشستیم. ایشان در سال ۲۱۲ هجری در مدینه متولد شدند و هشت ساله بودند که امامت شیعیان را به عهده گرفتند و متوکل عباسی ایشان را به سامرا تبعید و تحت نظر گرفت ولی امام هادی (ع) لحظه ای از تلاش دست برنداشت و فعالیت های خود را به شیوه ای مطابق اوضاع زمان خویش به پیش برد و از ایشان چندین دعا و زیارت بر جای مانده که مشهورترین آن ها زیارت جامعه ی کبیره است که دارای سند صحیح بوده و از نظر بلاغت نیز در بالاترین درجه قرار دارد و مفاهیمی بسیار عالی و دارای مطالبی بدیع است.

حال ضمن تسلیت به ساحت مقدس فرزند گرامی امام هادی، امام و مولایمان ابی صالح المهدی (عج) مزین می کنیم این خطبه را به فرازهایی از زیارت جامعه ی کبیره که از

زبان مبارک امام هادی (ع) است که سرشار از نکته‌های پر مغز و ادب حضور و معرفی جامع و کامل اهل‌بیت است که در فرازی در شناخت اهل‌بیت آمده است که:

شما ای خاندان نبوت و جایگاه رسالت و حجت‌های خدا بر اهل دنیا و آخرت، خداوند کریم شما را عزت داد به هدایت، برگزید به خلافت، امین داشت به سر و حکمت و قرار داد شما را پایه‌های توحید، پاک کرد از بدی‌ها و شما دعوت کردید مردم را به امر به معروف و نهی از منکر و جهاد با مال و جان و فرزند در راه خدا پس مولا و سروران من، به راستی که گناهانم پاک نشود مگر به شفاعت شما چون خداوند کریم شما را مأمور هدایت و نجات ما قرار داد پس یاری‌مان کنید تا از آلودگی‌ها پاک شده و رستگار شویم پس به امید رستگاری با صدایی رسا فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی ولادت امام جواد (ع) و حضرت علی اصغر (ع) ۲۰ دی ۱۴۰۳

بار خدایا، ای صاحب نعمت‌های بزرگ و رحمت‌های عطا شده‌ی فراوان و خالق خورشید و ماه و ستارگان، وصف نشوی چون ماندنی نداری؛ نزدیک‌تر از رگ گردنی و دورتر از هفت آسمان، یکتایی در سلطنت، یگانه‌ای در بزرگی و جبروت و فقط تو سزاوار پرستشی چون عشق را آفریدی و در وجودها به ودیعه نهادی و لذت ابرازش را در سلام قرار دادی همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان فرمودند: سلام نامی است که پروردگار عالم، جان عالم را با چراغ عزتش از سکوت به لطفی که به همراه خود رمزی را آشکار کند که کلیدش بیان عشقی استوار است آنگاه که می‌فرماید: نیکان از جام‌هایی می‌نوشند که آمیخته به کافور است، چشمه‌ایی که بندگان خدا از آن می‌نوشند و آن را به هر جای که خواهند روان می‌سازند؛ پیوندهایی مبارک که سرچشمه‌ی آن از دل اولین مخلوق پروردگار جوشید و او درحالی که طعم بندگی را در چشمه می‌چشید بر این پیوند مبارک درود فرستاد، همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان حضرت زهرای مرضیه (س) فرمودند: این عشق در اولین دم و بازدم و نگاه حضرت آدم، در وجودش چشمه‌ای آمیخته به طعم بندگی جوشید تا فرزندانش از آن بنوشند و مستی‌اش را در دنیا و برزخ و قیامت با خود همراه کنند ولی افسوس، وای بر جان‌هایی که از خلقت خویش می‌گریزند تا حقیقت جانشان را در پرده‌ی ابهام افکارشان مخفی کنند. سود این جان‌ها ذخیره‌ای ندارد تا بدان خشنود شوند؛ با خود و آفرینششان بیگانه هستند، آنچه را می‌شناسند اقیانوسی پر تلاطم است که روز و شبش در احاطه‌ی امواج مرگباری است که جانشان را به خود می‌خواند تا در ورطه‌اش جز نابودی را نشناسد.

اینک ای مهمانان کوی عشق که بر سرچشمه‌ی گوارای رجب نشسته‌اید، جام جانتان را با عبادت و اطاعت از این چشمه سیراب کنید تا لذت بندگی آمیخته به عشق را تجربه کنید، پس از مناجات رجبیه مدد می‌گیریم: بار خدایا من تو را می‌خوانم به مناجات اولیائت که امین سرت؛ مرزده دهنده‌ی امرت، معدن کلمات، ارکان توحیدت،

گواهان و دافعان و حافظان دینت هستند و به وسیله‌ی آنان پر کردی آسمانت و زمینت را تا پدیدار شد نعمت و رحمت. پیامرز از ما آنچه را که تو می‌دانی و ما نمی‌دانیم و ما را و ما مگذار به دیگری و اصلاح کن درون و امور ما را و به سلامتی در ایمان و عبادت و وارد کن به ماه روزه، به حق مولود این روز و این ماه رجب، نهمین خورشید امامت، شجاع در علم و دیانت و کمال، اباجعفر ثانی محمد بن علی حضرت امام جواد الائمه (ع) که همچون پدران و فرزندان بزرگوارش در راه مبارزه با ظلم و بی‌دینی همت والا داشته و هر زمانه‌ای که حاکمان با جسارت بر علیه سنت و اهل بیت پیامبر دشمنی می‌کردند ایشان با عقل و درایت در راه هدایت مردم کوشا بودند. گرچه عمر امام جواد کوتاه بود و غالباً در تبعید گذشت ولی باید گفت عمری با برکت بود به‌طوری‌که در تاریخ آمده در آن زمان عده‌ای از بزرگان و علما از شهرهای مختلف به مدینه رفتند و سی هزار مسئله را در چند روز از حضرت سؤال کردند و امام بدون درنگ جواب تمامی سؤالات را دادند. ایشان می‌فرمایند که: زندگی و مرگ همچون ساییدن دو دست به هم نزدیک است پس همواره مراقب ایمان و اعمال خود باشید.

ما در این شب مبارک ضمن شکرگزاری به درگاه خداوند کریم و درود و صلوات بی‌شمار و بی‌پایان بر خاتم رسولان و تاج پیامبران حضرت محمد (ص) و بر خاندان پاک و طاهرینش که همگی ستارگان هدایت و پیشوایان دین و وارثان رسالت بودند و نور و تقوایشان هدایت کننده‌ی مؤمنان و کور کننده‌ی منافقان و دشمنان بود و در این راه با جان و مال و فرزند مجاهدت فرمودند و سران و مردمان فریب خورده و ظالم و دنیا پرست که اسیر نفس و شیطان بودند ایشان را مانع اعمال و افکار شیطانی خود می‌دیدند در نتیجه به آزار و دشمنی با آنان پرداختند که هنوز نیز در عصر حاضر این کینه و عداوت ادامه دارد و چه زیبا امیر مؤمنان علی (ع) وصف حال آنان را ذکر کردند که فرمودند: ای مردم، الحذر الحذر از اطاعت از سران و بزرگان غیر صالح و سرانی که نسبت به مرتبه‌ی خود مغرورند و بیش از آنچه بی‌ارزند بر خود قیمت می‌گذارند و از افراد پست که خود را به دروغ دارای حسب و نسب معرفی می‌کنند پیروی نکنید و آب صاف خود را با آب لجن آلود آن‌ها مخلوط نکنید تا اینکه

سلامتی شما با بیماری آنها مخلوط نشود. آنها طرفدار باطل هستند، باطلِ آنان را وارد حق خود نکنید. آنان برای شیطان بار می‌برند و مترجمان شیطان هستند تا با زبانی که ابلیس می‌خواهد با مردم سخن بگویند و شیطان به وسیله‌ی آنها عقل شما را می‌دزدد و وارد چشم‌های شما می‌شود و در گوش‌های شما وسوسه‌ی خود را فرو می‌خواند و شما هدف تیر شیطان می‌شوید و جای پای او و دستگیره‌ی دست او را تشکیل می‌دهید.

حال که شادی‌مان در این شب مصادف است با مبارکی و خیر و برکت قدوم مولودی تازه شکفته از گل گلستان نبوت، مجاهد شش ماهه‌ی کربلا که ره شصت ساله را پیمود و حماسه‌ای از عشق به معبود و امامت را در تاریخ به نام زیبای خود ثبت نمود و رسم و آیین اطاعت و یاری امام عصر خود را با تنها داشته‌ی خود، یعنی با خون گلوی‌ش نوشت و امضا کرد. ما ضمن عرض تبریک و تهنیت به پیشگاه مولا و سرورمان امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) به میمنت قدوم مولود امشب به ساحت مقدسشان عرضه می‌داریم:

مولا و امام و سرور، ما حقیقت جویان، مهمان کوی مقدس و محمود شما، به دنبال آتش لطف الهی در بیابان انتظار نشسته‌ایم تا شما منجی جا‌مان، ما را از سرمای جهل نجات بخشید تا انتظارمان تبدیل به لطف و مرحمت پروردگار عالم شود و به تمنا دست دعا بر می‌داریم:

ای پروردگار، جانم را بر سر سفره‌ی احسانِ حقیقت جویانِ کویت پیوند زده‌ام، این پیوند را با جریان خونِ اندام‌هایم به ثمر برسان و از شر شیطان نفس در امانم بدار تا با جانی سوخته فریاد کنم:

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۳ دی ۱۴۰۳

خطبه‌ی ولادت امیر مؤمنان (ع)

ستایش از آن خدایی است که هیچ‌کس در عالم سر از حکم و فرمانش نتواند کشید و غیر آن ذات یکتا هیچ خدایی نیست و مثل و ماندی ندارد. هر لحظه بر همه‌ی آفرینش بصیر و آگاه است و بر هر چیز توانایی و قدرت کامل دارد. خدای من به یکتایی‌ات گواه و به ربوبیتت معترفم همان‌گونه‌ای که در اول نابود بودم به من نعمت وجود بخشیدی، ای خدای من به لقای تو اشتیاق دارم و می‌دانم به حال هر کس که به درگاهت تضرع و زاری کند ترحم می‌فرمایی. من به پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) و وصی و ولی او امیر المومنین علی (ع) ایمان دارم که وجودشان برکت و نعمت از جانب تو بر بشریت بود و رستگاری و نجات را در گرو اطاعت از آنان قرار دادی.

در این روز مبارک و وجود مطهر و گران‌قدر امیر مؤمنان علی (ع) را در بهترین جایگاه کعبه‌ی مکرمه به بشریت عطا فرمودی و ما را به واسطه‌ی پیروی از ایشان شرف و عزت بخشیدی. در این روز به شکرگزاری و شادمانی در خانه وصی ایشان فرزند گهربارشان امام زمان (عج) حضور پیدا کرده به وجود مقدس مولایمان فرزند امیر مؤمنان ابراز می‌داریم:

مولا جان، ما اگرچه از وجود مطهر ایشان محروم هستیم ولی سعادت داریم که شما را که همه نشان‌های پدر بزرگوارتان را دارید در کنار شما نفس می‌کشیم. در این روز باشکوه دست بیعتمان را با دستان علی‌وارتان بپذیرید که مقام و برکت امامت به مقتضای هر زمان عمل کرده طبق نیاز مردم و امت مسلمان نسبت به هدایت و ارشاد آنان همت گماشتند. چه زیبا آن را امیر مؤمنان علی (ع) فرمودند که:

خدای رحمان مخلوقات خود را در دنیا سکونت داد و رسولان را فرستاد تا اینکه از مقابل دیدگان آنها حجاب‌هایی بر دارد و آنها را از صدمات دنیا بر حذر نمایند و حلال و حرام را به آنها بفهمانند و به آنها بگویند که اگر اطاعت کنند به بهشت می

روند و اگر عصیان ورزند دچار دوزخ خواهند شد و به بندگان فهماندند که در زندگی آن‌ها ممکن است بزرگی و خواری برای آزمایش به وجود بیاید خدا را آن‌چنان‌که از مخلوقات خود خواست که او را سپاس‌گزارند سپاس می‌گذارم و او برای هر چیز اندازه‌ای تعیین نمود و بنا بر مشیت او هراندازه دارای مدتی است و هر مدت بر طبق نوشته معلوم است.

اینک سیزده رجب است. چه طلوع با شکوهی را خبر می‌دهد. ذوالفقار به دیدنش می‌شتابد، خود را معرفی می‌کند، من همان تیغ بُرنده‌ای هستم که گلوی باطل را می‌درد تا عبد را معنا کند، پس پیشانی عبد می‌شکند، خون پاکش بر چهره‌ی مبارکش جاری می‌شود، ولی آرام نمی‌گیرد. چه سر پرشوری؛ تا قیامت شور هدایتش مردمان دهر را به خود می‌خواند. شیعه به وجود مبارکش افتخار می‌کند. او را به مدد جراحتهایی می‌خواند که جانش را مانند ریسمانی در خود پیچیده است. امروز ذوالفقار به ما می‌نگرد. برق تیغش در جان‌هایی اثرگذار است که توانسته باشند همراه امامت گردن باطل را آن‌چنان از تن جدا کنند که اثرش بشود شور عاشوراییان؛ شوری که به زمان محرم ختم نمی‌شود بلکه حرارتش را به جانش می‌خوراند تا با زبان دل با این ساعات پرشور درد دل کند، ساعاتی که به عاشورا نظر می‌کند و به زبانی که او را به محفل حق دعوت کرده تا شنوای حقیقت جانش شود.

اگر توانستید به واقع مهمانش باشید، پس امروز شیرینی نام علی بن ابی‌طالب (س) را در کامتان حس می‌کنید. مهربانی‌اش را در آغوش گرمش که همواره برای اسلام گشوده بود را با خود همراه کنید تا توان درک حق در جانتان مانند شرابی عمل کند که قرآن کریم به آن اشاره فرموده: که جان شما همواره دارای دو شراب مست کننده است، یا از عشقش مست می‌شوید و یا از شرش. اگر از شرش مست شوید، فرق حق را می‌شکافید، آنگاه به دست حق قصاص می‌شوید.

آنچه در صفحه‌ی امروز نقش می‌بندد بیعت با حق است. بشتابید، فرصت عمرتان مانند عقربه‌ی ساعت به اتمامش نزدیک می‌شود، پیمانه‌ی جانتان را پر کنید تا صدای

عاشوراییان را که همواره حقیقت خلقت را در آئینه‌ی هدایت امامشان دیدند و با او ماندند نه با دنیایی که اثری از باطل را باقی نخواهد گذاشت.

اینک همگی به کعبه‌ی مکرمه نظر می‌کنیم تا از معمای جانی بَرایمان صحبت کند که در درون جانش جای داده است، برای گشودن این رمز زیبا مُعلمش را می‌خوانیم:

اللهم عجل لولیک الفرّج

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۳ دی ۱۴۰۳

خطبه افتتاحیه مهدیه صاحب الزمان (عج)

سلام بر طلوع صبحی که خورشید جانها آمادهی انقلابی عظیم می‌شود. انقلابی که جانهای مرده در کالبدها به لرزه درمی‌آورد تا وعدهی الهی محقق شود. زمین به نور انور آخرین ذخیرهی پروردگار از سیاهی و تباهی نجات یابد. آفرینش به حقیقت امر الهی مزین شود. آرامش بر دلهای مؤمنین به مانند تحفه‌ی آسمانی مسلط شود. منتظران این وعده سر بر سجدهی شکر بگذارند تا جانشان در نور انورش خورشیدی شود که حرارتش جانهای مرده را به حیاتی جاودان دعوت کند. ثانیه‌های زمان او را می‌خواند به این وعدهی الهی، منتظرانی که حقیقت جانشان نمایانگر عشقی است که در سینه دارند پس او را می‌خوانند به ندای «بَابی وَ اُمی وَ نفسی»، نفسی که حقیقت جانش بر ملکوتیان آشکار است و در کالبد خاکی‌اش در تب و تاب است که روزهای عمرش را رقم می‌زند.

عمر می‌گذرد، به دل خاک می‌رود، زبانش از تکلم می‌ایستد، آنگاه پروردگارش او را به حقیقت روحی آشنا می‌کند که ثروتش را پایانی رقم نمی‌زند. خورشید جانش در عشقی که ذخیره نموده می‌درخشد تا صاحب وعده‌ای شود که پروردگارش ضامن آن است. ضمانتی که عطر و بویش در فضای جانش می‌پیچد تا بهشت جانی را به تصویر بکشد که وعدهی پروردگارش است. حیات و مماتی که حیاتش ضربان زنده بودن است و مماتش مردن جسمی است که در دل خاک پنهان می‌شود تا امر الهی از راه برسد و او را با روحی زنده کند که مشتاق صحرای قیامت است.

پس دست نیاز به درگاه پر رحمتش می‌گشاییم: یا رب، بر ثروتی که به ما ارزانی داشته‌ای شکری را بیاموز که حیاقتان را در هر لحظه به خود اختصاص دهد و ما را شاکر نعمتی که هرگز ثروتش پایان نمی‌پذیرد و گنجینه‌اش تهی نمی‌شود. نام نیکش تا قیامت باقی می‌ماند، گذشتگان می‌روند و آیندگان می‌آیند تا همواره عشق به حقیقت را در جانشان بیفروزند و منتظرانی شوند که او را می‌خوانند به ندای:

اللهم عجل لوليک الفرج

در خاتمه خطبه را مزین می‌کنیم به فرمایشات وجود مقدس حضرتش که فرموده بودند: آنچه انسان در حرارت جسم خاکی تحمل می‌کند مدالی است که همواره بر سینه‌اش می‌درخشد تا همگان بر این مدال بنگرند و جانی را در پشت آن ببینند که در برآوردن فرمان الهی هر روز مصمم‌تر از روز قبل حرکت می‌کند و این جان قابل تقدیر است که اگر غیر از این بود این گوهر وجودی قابل درک نبود.

مهدیه تشکی است که افتادگان از بلندی نفس اماره را از مرگ حتمی نجات می‌دهد. پس قدردان مکانی شوید که می‌آیید و می‌روید تا مرگتان فرا برسد و با خود نشانی را همراه کنید که بزرگی‌اش را شکری رقم نمی‌زند.

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۵ دی ۱۴۰۳

خطبه‌ی شهادت حضرت زینب (س)

شکر و سپاس پروردگاری را سزااست که همواره چلچراغ هدایت را بر نفس‌های بندگان خویش فروزان فرمود تا رهروان حقیقت را از سرداب‌های غیبتِ جانیشان به حضورِ درگاه ملکوتی‌اش فراخواند تا خویشِ خویشتن را بیابند و آنگاه که یافتند سپاسگزار خالق خویش باشند و سلام بر روزها و دقایقی که در آن نوید نجات و رهایی را مژده می‌دهد، رهایی از افسون نفس اماره و بازگشت به سمت خالق خویش که همواره آغوش خود را جهت توبه و بازگشت بندگان گشوده است. اما سؤال این است که بعد از توبه در چنین روزهایی به مانند ۱۵ ماه رجب باید چه راهی را پیمود و خانه‌ی وجود را چگونه ساخت تا بتواند در مقابل طوفان و سیل نفس اماره دوامی جاودانه داشته باشد.

بانوی دو عالم حضرت زهرا (س) در این باره می‌فرمایند: انسان در طول حیات خود بارها به گودال جهل سقوط می‌کند و عاقبتش را هم می‌داند ولی ترسی در وجودش حس نمی‌کند چون غیبِ عمل را نمی‌بیند ولی آفریدگار یکتا گودال‌های سقوط نفس را در قرآن کریم معرفی فرموده و انسان را از سقوط در آن بر حذر فرموده ولی پرتاب در آن گودال‌ها که خطرناک‌ترین گودال‌ها است برای عموم مردم سهل و آسان است و مرتباً به عمق آن سقوط می‌کنند و در تاریکی و جهل به بازی با زباله‌های نفس مشغول می‌شوند و به اخطارهای کتاب آسمانی توجهی نمی‌کنند و به آینده‌ای امیدوار هستند که گناهانشان با توبه پاک شود و رستگار شوند درحالی‌که کسی که در گودال می‌افتد مجروح می‌شود اگر نجاتش بدهند زنده می‌ماند ولی جای جراحتش از بین نمی‌رود و با دیدن آن خاطره‌ی سقوط زنده می‌شود. توبه طنابی است که انسان را از گودال بیرون می‌آورد ولی درمان نمی‌کند، درمانش فقط با مداوای نفس است. بهشت و جهنم هر دو دارای حرارت است. حرارتی که سوزندگی‌اش برای وجود انسان قابل تحمل نمی‌باشد. حرارت جهنم که پوست شکم را می‌سوزاند، حرارت جهل است که در شکم ذخیره می‌شود و ذخیره کردن مواد منفجره باعث نابودی است ولی آنچه از

سپاس و شکر و معرفت الهی ذخیره می‌شود در بهشت تبدیل می‌شود به انوار رحمت الهی که حرارتش جز با توفیق پروردگار قابل تحمل نمی‌باشد. پس به آیات الهی ایمان بیاورید و از آن اطاعت کنید تا در بهشتی قرار بگیرید که حرارت عشقش وجودهای نزدیک به آن را بسوزاند و در عمر زمینی خود در گودال‌های نفس لوامه سقوط کنید تا اولیاء الهی بالای سرتان با دست مهربان شفاعتشان حاضر شوند و یار و هم‌نشین کسانی شوید که پروردگار عالم فرمودند: بهترین دوستان هستند و رفیقانی که در کنارشان نعمت‌های الهی نمایان می‌شود و لذت‌ها به معنای واقعی پیوند می‌خورد.

پس در این روز عزیز که به نام بزرگ بانوی عالم حضرت زینب کبری (س) مزین است از درگاه پر مهر خداوند کریم می‌خواهیم که ما را از توبه‌کنندگان واقعی درگاهش قرار دهد تا دیگر در راهی غیر از رضایت و خشنودی او قدم برنداریم. آری امروز مصادف است با پرواز منور حضرت زینب کبری (س) که در تمام لحظات عمر به غیر از رضایت پروردگار چیزی نگفتند و عملی انجام ندادند و در این راه همه‌ی سختی‌ها و مصائب را به عشق رسیدن به قرب الهی عاشقانه تحمل کردند، ایشان کوه استوار صبر و شکیبایی بودند. قلبشان اقیانوس مهر و عاطفه در برابر حق بود و مقابل باطل همچون کوهی استوار که در راه شام حضرت امام سجاد (ع) به حضرت زینب چنین فرمودند که:

عمه جان پرچم این امانت در دستان شماست که ذوالفقار را بارها بوسیده‌اید و هر بار که لب مبارکتان را بر تیغ‌های ذوالفقار می‌گذاشتید امیر مؤمنان (ع) می‌فرمودند: آفرین بر زبانی که برندگی‌اش از ذوالفقار خطرناک‌تر است، جان کفر را می‌درد و جگرش را پاره‌پاره می‌کند پس بر آنچه مأمور هستی عمل کن. جان عالم به فدای قلب سوخته‌ی حضرت زینب کبری (س) که با وجود آن همه غم و اندوه حق را چنان بر سر باطل کوبید که در تاریخ جاودانه شد.

اینک در این روز حزن و اندوه ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدس مولایمان امام عصر و زمان ابی‌صالح المهدی (عج) از بیانات عمه‌ی گرامی‌شان مدد می‌گیریم که به دوستدارانشان فرمودند: مودت به اهل‌بیت ارث عظیمی است که بهای دینتان است؛

به یک ساعت و دو ساعت و یک روز و ده روز ختم نمی‌شود. مودت، کلید بازگشتان از این سرزمین غریب است.

پس به فرموده‌ی حضرت زینب (س) مودت به اهل بیت فقط به عزاداری‌ها و مولودی‌ها ختم نمی‌شود بلکه مودت عمل به دستورات قرآن کریم و اطاعت و یاری امام عصر در مبارزه با باطل درون و بیرون ماس. پس همان‌گونه‌ای که حضرت زینب (س) در ادامه می‌فرمایند تا دیر نشده با تمام داشته‌های خود در این راه قدم گذارید، با جان و مال و فرزند مهاجرت کنید تا پروردگار جان‌هایتان را بخرد، این خرید و فروش همان است که پروردگار فرمود به این خرید و فروش شاد می‌شوید. شادی‌تان را با طعم عصاره‌ی هستی جاودانه کنید و او را بخوانید:

اللهم عجل لولیک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

۵ بهمن ۱۴۰۳

خطبه‌ی شهادت امام موسی کاظم (ع)

سپاس خدای را که ستایشگران از ستودن او عاجزند، شمارندگان نعمت‌هایش توان شمارش آن را ندارند و کوشندگان نمی‌توانند حق او را ادا کنند. سلام و درود و رحمت الهی بر لحظه‌ای باد که اراده‌ی پروردگار عالم برآمدن وحی قرآن کریم قرار گرفت و عقل‌ها از بزرگی کلامش درمانده شد و ادراک‌ها از درکش تهی گشت، انوارش عالم را احاطه کرد و زبانش، فصیح‌ترین کلام‌ها گردید و نامش زیباترین نام‌ها و اعجازش بزرگ‌ترین اعجاز‌ها، بخششش زیباترین بخشش‌ها و عذابش دردناک‌ترین عذاب‌ها؛ و سلام بی‌پایان بر خاتم رسولان پیام‌آور رحمت و نجات حضرت محمد مصطفی (ص) باد که همچون نوری در ظلمت اندیشه‌های باطل شعله‌ور گردید و جان‌های خفته در ظلمت جهل را در تربیت کتابی قرار داد که نامش افضل‌ترین نام‌ها و هدایتش کامل‌ترین هدایت‌ها است.

آری قرآن معجزه‌ای است که دریای علم و رحمتش را پایانی نیست؛ جهان، همواره بر عظمتش معترف است و از درکِ علمش عاجز؛ پروردگار عالم، خود را حامی‌اش معرفی فرمود و جانِ عزیزش را در حمایتِ خویش گرفت و دست ناپاکان را از ساحت مقدسش دور نمود و همواره جلالتش را بر دوران‌ها حاکم گردانید تا عاشقانِ کوی‌اش از آستان پر عظمتش جانِ بی‌رمقشان را زنده کند و از مرگی که نامش جهل است برهند ولی اکنون این کتاب آسمانی به فرموده‌ی پیامبر عظیم‌الشأن اسلام در نزد امت مسلمان مهجور گردیده و تنها در فضای دهان‌ها می‌پیچد ولی از گلو پایین نمی‌رود و به مانند بغضی گلو را می‌فشارد و راهی را برای هدایت و نجات تلاوت کننده‌ی خود نمی‌یابد پس درمان این جهل و غفلت از این معجزه‌ی الهی در این زمانه چیست؟ بانوی دو عالم حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) در این باره می‌فرمایند:

قصص قرآن کریم به معنی جواز عبور است اگر توانستید از آن بگذرید می‌توانید با زمان خود حرکت کنید و اگر نتوانستید حرکت برایتان مشکل می‌شود و درک آنچه

پیش آمده را نمی‌توانید پیدا کنید پس به سال‌های دعوت پیامبران و حرکت اقوام دقت کنید تا با پیامبر خود همراه شوید. در آیات قرآن کریم تعقل و تفکر معنایی گسترده دارد که اندیشه‌ی کودکانه نمی‌تواند با آن همراه شود. اگر زحمات پیامبران پیشین در هدایت اقوام خود و زمانی که برای آن قوم صرف کرده‌اند و هجرت‌هایی که برای هدایت انجام داده‌اند را به صورت داستان‌هایی از قهرمانی‌های آنان تصور کنید این اندیشه باعث خواهد شد تا حرکت پیامبر را درک نکنید و از آن حرکت جا بمانید آنان که فقط می‌خوانند و می‌گذرند هرگز نمی‌توانند ارتباط قلبی با پیامبران پیدا کنند پس با آیات الهی گریه کنید، بخندید، سفر کنید، هجرت کنید و توبه کنید تا دعوت و معنی و مفهوم آن را درک کنید و ارزش عمر خویش را در دوران دعوت پیامبران در ترازوی سرعت قرار دهید تا بتوانید معنی عصر و صاحب عصر را درک کنید و حرکت شما حرکت با فرامین امام عصرتان شود. کسی که در اجرای فرامین قرآن کریم آهسته حرکت کرده باشد در برزخ، زمان را به سنگینی طی می‌کند و شاهد تمام عذاب‌های آمده در قرآن کریم است چون توقف او در دنیا طولانی بوده است. سرعت در قلب شما است و نیروی آن تفکر و اندیشه است که باعث فهم و درک می‌شود که اگر این زمان دنیایی با عمل اولیاء و فرامین قرآن کریم طی شود دیگر در برزخ زمان معنی ندارد و یک روز هزار سال محاسبه نمی‌شود. پس می‌بایست از این گنجینه‌ی بی‌نظیر الهی بهره‌مند شویم و با تفکر و تعقل در آیات کریمه‌اش راه سعادت و رستگاری را با اطاعت و عبادت و توبه طی کنیم و با پیروی از فرامین اهل‌بیت پیامبر (ص) که گوهرانی بی‌همتا در دریای ژرف علم و معرفت الهی هستند که همان پیروی از دستورات خداوند در قرآن کریم است خود را نجات داده و خشنودی الهی را برای خویش کسب کنیم.

و امروز مصادف است با عروج ملکوتی یکی از این گوهران الهی، ایشان هفتمین اختر آسمان ولایت و امامت، معدن وحی و صاحب علم یقین، امام شایسته، عابد و زاهد، مولای شیعیان، موسی بن جعفر (ع) ملقب به کاظم هستند که برکات و رحمت خداوند بر ایشان باد. امام موسی کاظم (ع) نیز همچون پدران پاک و نیاکان طاهرینش بر آزارها شکبیا بودند و آنچه از جانب خدا به عهده داشتند را به‌خوبی

انجام دادند؛ برای مردم احکام خدا را تلاوت و امر به معروف و نهی از منکر می فرمودند و با اخلاص تمام در راه خدا جهاد نمودند و عاقبت شهید شدند و به اعتراف زندانبان و کسانی که زندان امام را مشاهده کرده بودند ایشان مخوفترین محل را با مناجات‌های دل‌نشین و زیبای خود به گلستانی بی‌نظیر بدل فرموده بودند.

اینک در این روز حزن و اندوه ضمن عرض تسلیت به پیشگاه مقدس امام و مولایمان ابی‌صالح المهدی (عج) به وجود مبارکشان ابراز می‌داریم: ما دل‌سوختگان از غم شهادت پدران‌تان منتظر دولت حقه‌ی شما هستیم تا در آن دولت رجعتشان را در بهار عدالت ببینیم تا مرهمی باشد بر جگر سوخته‌ی ما، پس سلام بر لحظه‌ای که فرمان الهی بر منتظرین حق ابلاغ می‌گردد و فضای سخت و ظلمانی زمین به انوار دولت ظهور مزین می‌گردد و خاک‌های مطهر تکان می‌خورد و نفس‌های زکیه بیدار می‌گردد تا بهار عدالت را فرمان‌بری کند، پس برای تحقق این وعده همه با هم فریاد می‌زنیم:

اللهم عجل لوليک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی عید مبعث و ولادت حضرت نرجس خاتون (س) ۶ بهمن ۱۴۰۳

سلام بر طلوعی مبارک که با خود نوید تولدی عظیم را مژده می‌دهد. چه نعمت و برکتی در لحظاتش نهفته است که ساعاتش متوقف نمی‌شود، ثانیه‌هایش به جلو می‌رود تا مژده پیامبری رسولی را دهد که آخرین برگزیده پروردگار عالم است. آسمانیان به تماشا می‌ایستند، انوار قرآن کریم به طرف سینه مبارکش می‌رود. بخوان به نام پروردگارت که خالق مخلوقات عالم است تا اسرار خلقتشان برای همگان فاش شود. قدرت عقل به میدان بیاید، خلیفه شناخته شود، وجودها از صدف حصار بیرون بیاید، پروردگار با بندگان گفتگو کند.

امروز با معجزه قرآن کریم می‌توانید تا اسرارها را بشناسید، خود را در دایره محاسبه‌اش قرار دهید، محاسبه‌ای که زمان را نمی‌شناسد. زمانی برایش در نظر گرفته نمی‌شود، او در ثانیه‌های نفس هر زنده‌ای با او سخن می‌گوید. آیا حق و باطل برابرند؟ حقی که حق مداران به دنبالش به حرکت درآمدند تا قرآن کریم شناخته شود، فرعونیان از پرده باطل بیرون بیایند، ادعاهای خدایی‌شان به ذیلی جانی بی انجامد که اثری از قدرتش باقی نگذارد. کاخ‌های سنگی ویران شود و قدرت هدایت همگان را زیر پرچم پیامبر به سرمنزل مقصود برساند. هدایت یافتگان بر کشتی عشق بنشینند و دل را بر امواج سهمگین طوفانی به حرکت درآورند که در و پنجره‌ای ندارد. با توکل و اطاعت بر کشتی جانی بنشینند که با نام خدا به حرکت درآمده و با نام خدا از حرکت می‌ایستد. پیاده شدگان از این کشتی عشق مهمان دولتی شوند که در آن انوار قرآن کریم به سخن درمی‌آید. صدای دل‌نشینش در قلب‌ها نقش می‌بندد. جاء الحق معنا می‌شود، مبعث به بار می‌نشیند، درخت تنومندش بر زمین جان‌ها سایه می‌افکند تا رسالت رسولان شاخ و برگ خویش را به نمایش بگذارد.

شکر بر آستانی کبریایی خالق که خاندان آخرین برگزیده‌ی خویش را پرچم‌داران مبعث معرفی فرمود تا امانت‌داران معجزه‌اش همواره بر این پرچم تکیه کنند و پیروان

خویش را از تاریکی ضلالت نفسی برهانند که به مانند شبی به دنبالشان در حرکت است. دزدی که انوار سینه‌ها را به ظلمتی هولناک تبدیل می‌کند تا به مانند مرغی در قفس جان بمانند.

اینک در این روز خجسته دست به دعا برمی‌داریم:

بارالها جان ما را از انوار مبعث تهی نفرما تا همواره تو را در آنچه به ما ارزانی داشته‌ای بستاییم و بر سر سفره‌ی احسانت صاحب این روز بزرگ را به مدد بخوانیم به نوای:

اللهم عجل لولیک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی اعیاد شعبانیه

۱۳ بهمن ۱۴۰۳

حمد و سپاس پروردگار رئوف و رحیم را سزااست که آغوش پرمهرش تنها آمال و آرزوی بندگان مخلص بوده و جدایی از آن غم سنگین آنان، این غم آتش درونشان را شعله‌ور کرده و با مناجات‌هایی که حرارتش آفرینش را به فغان آورده آن را ابراز کردند و خداوند سبحان آنان را برای رسیدن به وصال خود یاری فرموده پس شکر بر برکاتی که پروردگار عالم فرمود: آنگاه که شمع وجود حق در عالم بیفروزد منادیان بر کرسی زمین و آسمان ندایی را زمزمه کنند که ای جان عالم زمزمه‌ای را که در جانت به ودیعه داری را با زبان حق فریاد کن تا پویندگانش آن را مانند شرابی گوارا بر جانشان بچشانند تا سینه‌هایشان از عطر آن به سخن درآید و اعلام کند: ای پروردگارم آن زمان که فرمان دادی از دامن پرمهرت جدا شویم به حلقه‌ی اشکی دامن پر جلالت را گرفتیم و به کوچکی و خواری خویش معترف گشتیم پس عرشیان به گدازه‌های این عشق بر ما گریستند و جان عالم در پوسته‌ی خویش نگنجید پس در لرزش‌های سخت کوه‌ها را در هم پیچید و دریاها را به خروش آورد. ماه و خورشید به تمنا به سجده درآمدند، ای خالق حیات بر خلیفه‌ی ما نظری کن تا عالم در هم نیچد و جهان متلاشی نگردد آنگاه نوری بر سیاهی جهل فرود آمد و نام خلیفه را از ظلمت جهل به نوری پرفروغ از پروردگار عالم بیفروخت و حیات در هدایت پیامبران زنده گشت.

چه زیبا سرور عالمیان، کوثر الهی حضرت زهرای مرضیه (س) بی‌تابی خلیفه در هجران پروردگارش را در غربت زمین توصیف کردند که ما آن را در عمل و گفتار خود ایشان و پدر گرامی‌شان حضرت محمد (ص) و امیر مؤمنان علی (ع) و فرزندان‌شان به عینه مشاهده کردیم.

امشب به میلاد دو تن از ایشان امام اباعبدالله الحسین (ع) و امام زین‌العابدین حضرت سجاد (ع) در این کوی عشق فرزندان دور هم جمع شدیم که این عشق آتشین را هزار و اندی سال است از دعای عرفه و حماسه‌ی کربلای امام حسین (ع) و

صحیفه‌ی سجادی‌هی امام سجاد (ع) عاشقان خواندند و شنیدند و با آن عشق و بندگی‌شان را به پیشگاه الهی ابراز نمودند و در فرازی از دعای عرفه‌ی امام حسین (ع) که ایشان چنین آتش عشق پروردگار را بیان فرمودند که: ای مولایم تویی که منت نهادی، نعمت دادی، احسانم کردی، روزی‌ام دادی، گرامیم داشتی، تویی که مرا آمرزیدی، یاریم کردی، تأییدم نمودی، عزیزم داشتی، شفایم بخشیدی، پرده‌ام پوشاندی. پروردگارا این است ثنای من بر تو برای تمجید و اقرار توحید با اخلاص و ذکر مهربانی‌ات بر من به قدری فراوان‌اند و آشکارند و از قدیم تابه‌حال که از شمارش بیرون‌اند و امام سجاد (ع) در مناجاتی چنین ابراز می‌دارند که: بار الهی مناجاتم از کرم بشنو و دعایم مستجاب فرما، روزهای عمرم را با بی‌حاصلی به پایان مبر. دست رد به سینه‌ام نزن و مرا در جوار رحمت منزل ده. بار الهی مجد و عظمت تو والاتر از آن است که کسی به ذاتش پی ببرد و احسانت افزون‌تر از آن است که کسی توان شکر گزاری بر کمترین آن داشته باشد.

پس در این روز میلاد باید بر آنان سلام کرد، سلامی از روی ارادت و اخلاص و مودت. سلام بر شما، گواهی می‌دهم که همانا روان‌های شما و نورتان و سرشتتان یکی است. همگی پاک و پاکیزه است. خداوند شما را به صورت نورهایی آفرید که گرداگرد عرش خود قراتان داد تا آنگاه که با آوردنتان در این جهان بر ما منت گذارد و برگزید شما را برای نور خود و تأیید کرد شما را به روح خود و پسندید شما را برای جانشینی در زمینش تا که حجت‌هایی باشید بر مخلوقاتش.

شادی و سرور امشب ما به واسطه‌ی میلاد یکی دیگر از اهل بیت افزون است. این گهر نایاب اسوه‌ی شجاعت و رشادت و علم و معرفت و ادب و وفاداری حضرت ابوالفضل‌العباس (ع)، قمر منیر بنی‌هاشم است که صداقت و عشق و اخلاص را در بندگی پروردگار و بیعت امام عصر خود در تاریخ تا قیامت به نام ابوالفضل‌العباس ثبت نمود.

اینک در این شب مبارک ضمن عرض تبریک و تهنیت به ساحت مقدس مولا و سرورمان، آخرین گنجینه و وارث همه‌ی حسنات اهل بیت پیامبرمان، امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) به وجود مبارکشان ابراز می‌داریم:

مولای ما دست نیازمان را به تمنا به درگاه پروردگارمان بلند می‌کنیم تا اراده‌اش آشکار گردد و حق جاودان شود و باطل برای همیشه افسانه‌ی دهر و این ممکن نیست مگر به واسطه‌ی وجود مقدستان پس شما را می‌خوانیم برای تمام زمان‌ها تا قیامت.

اللهم عجل لولیک الفرّج

بسم الله الرحمن الرحيم

دل نوشته‌ی ماه شعبان

۱۹ بهمن ۱۴۰۳

بابی أنت و اُمی و نفسی، کدامین جان را می‌توان فدای شما کرد مولایم؟ وقتی خورشید منتظر است تا ظهور کنید که در مقابل انوار شما بی‌فروغ شود. مولای من ماه شعبان دیگری بر صفحه عمرمان در حال گذر است، ماهی که بوی شما را می‌دهد و مزدهی تولدتان ما را دل‌تنگ‌تر از قبل مشتاق دولتی می‌کند که در آن اراده‌ی الهی از خلقت خلیفه معنا می‌شود. دلم برای آمدنتان لحظه‌شماری می‌کند و حنجره‌ام شما را فریاد می‌زند، شمایی که تجلی عشقی بر قلب زمین.

امام مهربانم من نامت را در رحم مادرم آموختم و هر بار که تکه‌ای از جانم شکل گرفت ابراز داشتم که مولای من: من به دنیای خاکی می‌آیم تا از آغاز زندگی‌ام اللهم عجل را یاد بگیرم زیرا در الست شما من را در زمان امامتتان پذیرفتید و من در قالو بلا چهره مبارکتان را دیدم و عاشقتان شدم و قلبم ضربانش را با نام شما آغاز کرد.

من به دنیا آمدم تا به تعهدم در قالب انتظار لباس عمل بپوشانم. ولی افسوس که اکنون وجودم به دنیایی خو گرفته که اول و آخرش صبح و شب یک روز است. با طلوع بیدار می‌شوم و با غروب به خواب می‌روم درحالی‌که عمرم در پرانتز این تعهد زیبا در حال گذر است و زمان جانم در تیررس اجلی که به دنبالم در حرکت است تا من را به برزخی ناشناخته فرو برد.

مرا دریاب ای بهترین متاعی که پروردگار برایم گذاشته. امروز به خانه‌ات آمده‌ام تا بگویم یاریم کنید تا خودم را پیدا کنم. من چگونه بازگردم درحالی‌که کلید برزخم شما هستید. مولایم، ما به بوی خوش شما سرمستیم و به بودنتان در کنارمان. ای حق جاودان، به ما که همواره شما را به فرج می‌خوانیم نظری فرما تا در نیمه شعبان برسیم به دولتی که عمرها را در خود ذخیره می‌کند. عمرهایی که همواره از کودکی به جوانی، جوانی به پیری و سپس به قبری که در دعای عهد می‌خواند که کفن پوشیده از آن برمی‌خیزد تا دولت حق را یاری کند.

ای یادگار رسولان دست به دامن دراز می‌کنیم که دولتتان بهاری بی‌خزان است پس به عمری که بهار را فراموش کرده نظری فرما که گل‌های رنگارنگش را شیطان دزدیده و آنچه برایش باقی مانده گلدانی خشک و بی‌رمق است. در حقمان دعا کنید ای ذخیره پروردگار تا خداوند باران رحمتش را بر سرمان ببارد که ریشه‌هایمان از تشنگی به فغان آمده و منتظر امریست تا بار دیگر روشنایی را معنا کند. از او بخواهید تا ما را از وجود با برکت شما محروم نفرماید تا همواره با دلی مشتاق و چشمی اشک‌بار شما را بخوانیم به دعای:

اللهم عجل لولیک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی ولادت حضرت مهدی (عج)

۲۵ بهمن ۱۴۰۳

سلام بر زمان و حکایت‌های شیرینش. آن زمان که اسرار خویش را می‌گشاید تا عاشقانش در دل زمان سفر کنند. دل را به لحظاتی بسپارند که ندای جا الحق در همه ی زمین طنین‌انداز می‌شود. وعده الهی محقق شده و همگان را در آنچه انتظارش را می‌کشیدند تا جانشان به دولت حقه بپیوند و در آن جلوه جانی را تماشا کنند که در هر لحظه از عمرشان آرزوی دیدارش را داشته‌اند.

امروز نیمه‌ی شعبان است. روزی که تا قیامت نشان از آمدن حق و زدودن باطل دارد. باطلی که با طلوع خورشید مانند غباری بر جان همگان می‌نشیند تا روزی را به پایان ببرد که نعمتی در آن یافت نمی‌شود. ساعت‌های عمرش می‌گذرد و او تنها یک اندیشه را در سر می‌پروراند. اندیشه‌ای که حاصلش زمین برهوتی است که هیچ بارانی آن را نمی‌رویاند. زمستان می‌گذرد، بهار جانش به بار معنویت شکوفا نمی‌شود، گنجینه عمرش در حسرت آب و دانه می‌گذرد. آب و دانه‌اش ثروتی است که از خود باقی می‌گذارد. میراث عمری که در طلوع و غروب گذشته که جز نابودی ارمغان دیگری را به همراه ندارد. چاره این تلاطم چیست؟ طوفانی که نجاتی را به همراه ندارد.

امروز با طلوعش همگان را به ضیافتی می‌خواند که در آن نقشی از باطل یافت نمی‌شود. جان‌ها در مدار حق قرار می‌گیرد تا در گردونه‌ی عشقی به حرکت درآید که چلچراغ جان خلیفه است. مملکت جانی که کمترین بهای آن بهشتی است که قرآن کریم آن را توصیف می‌فرماید تا عقل‌ها در آن اندیشه کنند و به دنبال هدفی به حرکت درآیند که تمنای جانشان است. جانی که میراث دار ثروتی است که خزانه‌اش تهی نمی‌شود.

پس دست نیاز به طرف این ثروت عظیم می‌گشاییم، ای جان عالم به فریاد عمری برسید که در ذخیره‌اش نشانی از مجاهدت یافت نمی‌شود. همواره تیغ را به طرف خود نشانه می‌گیرد و با جانی مجروح از ظلمی که به خود روا داشته روزگارش می‌گذرد. در

این مبارزه یآوری جز دست یداللهی شما را نمی شناسد. پس به وجود مقدستان پناهنده می شود تا از ظلم و جور ظالمین زمان در امان بماند. همانانی که در تمام زمان ها و دوران ها به صحنه ی عمرها آمده اند ولی نشانی از آن ها یافت نمی شود.

ای ذخیره ی پروردگار به جان های پاره پاره شده از جور زمان ترحم کنید تا با مرهم جان با عظمتتان از دردی که به آن مبتلا شده ایم نجات یابیم و برای آمدن حق و نابودی باطل فریاد بزنیم:

اللهم عجل لولیک الفرّج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی شب اول رمضان

۹ اسفند ۱۴۰۳

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. حمد و سپاس رب العالمینی را سزااست که در آفرینش آنچه به اراده‌ی خویش آفرید از احدی یاری و مددکاری نخواست؛ همواره بر آنچه آفرید به دیده‌ی رحمت نگریست تا دامنه‌ی رحمتش نشان از تدبیر خداوندی باشد.

سلام بر اُمّ الکتاب و انوار درخشنده‌اش، وعده‌های شیرینش، شب‌های وصلش و سفره‌ی احسانش. امشب همگان را بر خوانش مهمان نموده و ما را ندا می‌دهد که بیایید، من می‌خواهم در این ماه عزیز به جانتان لباس تقوی بپوشانم. لباس‌های دنیا را از خود جدا کنید.

امشب خوانده شده‌اید تا یک ماه را مهمان خوان پروردگار خویش باشید. ماه‌های پروردگار یکی پس از دیگری به انتها می‌رسند تا مژده‌ی ماه دلدادگی را بیاورند و با طلوع فردا صدایم را خواهید شنید، آیا منتظرم بودی؟ من آمدم. مرا در کجای خانه‌ات جای می‌دهی؟ جایگاه من قلب مبارک پیامبر (ص) است. من از آن سینه وارد زمان شده‌ام و تو باید توان درک مرا در روزه‌هایت داشته باشی. ساعت‌هایی که در محضر هستی را چگونه می‌خواهی طی کنی. تو در این کوی عشق می‌خواهی لباس تلاوت قرآن کریم را بر تن کنی. آیا توان شکرش را داری؟

پس امشب مولایت را به مدد بخوان، بگو ای قرآن ناطق من به صفحات کتاب الهی دل‌بسته‌ام تا رمضانم را با زبان یا رب یا ربّتان آغاز کنم. من از این پوست و استخوان جز صدای شکوه و ناله صدای دیگری را درک نکرده‌ام. چاره‌ی کارم را در کجا جستجو کنم. چگونه این سد آهنی را بشکنم تا جویبار زیبای ذخیره‌اش روان شود. پرده‌ها از مقابلم کنار بروند و من انوار جانم که در پشت این پرده‌ی ضخیم است را تماشا کنم. ای جانشین پیامبرم شما را با کدام دعا جستجو کنم، خودت به فریادم برس، من در دام نفسم افتاده‌ام مرا از این دام برهان تا قوت جانم را بیابم. میدانم دلیل سنگینی جانم

عمل نکردن و دور بودن از قرآن است. قرآنی که نعمت و رحمت عظیم و بی‌نظیر پروردگار رحمان است که چه زیبا شما آن را توصیف فرمودید:

سلام بر رحمت واسعه‌ی پروردگار عالم. رحمتی که جان بندگان را از ظلمتی که در آن غوطه‌ور بودند با نور قرآن کریم افروخت. معجزه‌ای که آیاتش زمان را مانند طوماری در هم می‌پیچد. تلاوت کنندگانش در هدایت تمام انبیاء الهی قرار می‌گیرند. اُمتی که وارث تمام معجزات پروردگار عالم‌اند. همگان را به ضیافت خویش می‌خواند.

اینک سفره‌ی رحمت گسترده شده، از طعامش بخورید. زقوم شایسته‌ی شما نیست. شما اُمت پیامبری هستید که جان مطهرش در هدایتان به زحمت افتاد. عمر شریفش در رنج جهل اُمتش به مانند آتش‌فشانی که همواره آماده‌ی فوران است می‌جوشید تا همگان را در حریم رحمت الهی وارد نماید. عمر مبارکش در راه هدایتان گذشت و پروردگار در سوره‌ی توبه فرمود: هر آینه پیامبری از خود شما بر شما مبعوث شد؛ هر آنچه شما را رنج می‌دهد بر او گران می‌آید سخت به شما دل‌بسته است و با مؤمنان رؤف و مهربان است.

پس در اولین شب ماه مبارک رمضان با این دل‌بستگی بیعت کنید تا توان دادن بهای رسالتش را داشته باشید. او با شما امتش مهربان است، با دوری از قهر الهی با او مهربان باشید و به خود مُهر رمضان را بزنید تا قلم وجودتان نجات را برایتان رقم بزند؛ نجاتی که همواره فرجش را از پروردگارتان به تضرع می‌خواهید و درخواستتان زمان را مد نظر قرار نمی‌دهید، پروردگار را به عجله دعوت می‌کنید پس باید عجله کنید تا در سرعت فرج الهی قرار گیرید.

اینک که توان جانمان را با کلیدش گشودیم صدایش می‌زنیم: ای مولای ما، پروردگارمان شما را جانشین رسولش خوانده و ما امت شما هستیم و در شما جز خصلت جد بزرگوارتان خصلت دیگری یافت نمی‌شود پس هر آنچه ما را می‌آزارد برای شما گران می‌آید؛ ما را دوری از الطاف وجود نازنینتان می‌آزارد، الطافی که همواره بر ما می‌بارد و ما از آن می‌گریزیم؛ مددمان کنید تا در این ماه مبارک با دست بیعتی با شما بیعت کنیم که گوش‌هایش را به فرمانتان سپرده و جان بی‌مقدارش را در اسارت وجود

ملکوتی تان درآورده؛ دستان را رها نکنید تا بار دیگر به صدایی که جان عالم را بلرزاند
فریاد کنیم:

اللهم عجل لولیک الفرج

www.rayatolhoda.com

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۳ اسفند ۱۴۰۳

خطبه‌ی ولادت امام حسن مجتبی (ع)

حمد و سپاس بر رحمت واسعه‌ی پروردگار یگانه که همواره بر جانِ بندگان خویش نوید نجات را مژده می‌دهد و بارهای گران را از دوش خفتگانِ دهر بر می‌دارد تا بتوانند قد خمیده از معصیت را در دریای جود و بخششِ پروردگار عالم از عذابی برهانند که هم‌جوارش بوده‌اند و با آن می‌زیستند.

سلام بر ایام، ماه‌هایی که همانند گنجینه‌ای در عمر زمان می‌گذرد تا عظمتی را به تصویر بکشد که در ساعاتش نهفته است و درود بی‌پایان بر نفس‌های متبرکی که حیات و مماتشان بیان‌کننده‌ی غم‌ها و شادی‌های زمان است آنگاه که می‌آیند تا پاسخ سلامی را بدهند که پروردگارشان فرموده سلام بر آمدنشان. آنان می‌آیند و با خود برکتی را می‌آورند، برکتی که زنده‌کننده‌ی مردگان دهر است ضربان حیاتی که در خود هزاران معمای خلقت را به تصویر می‌کشد و آنگاه که جانشان در احاطه‌ی حق به سخن درمی‌آید می‌گویند: سلام بر آمدنم و ایامِ عمرم در سال‌ها و ماه‌ها و ساعات و دقیقه‌هایی که نامش انتظار است انتظار بر وعده‌ای که فرمود سلام بر رفتنشان. کوچی مبارک از ایامی که شاهد و مشهود عمر با برکتش بود و قیامتی که شاهی است بر این دو سلام پروردگار.

امشب چه شب مبارک و خجسته‌ای است، ماه خدا به نیمه رسیده است و درهای رحمت بر روی جهانیان باز است و فراوانی رحمت و نعمت است. جان‌ها آکنده از عشق به ماه تمامی است که از ذخیره‌ی هستی به زمین هدیه داده شده، امام حسن مجتبی (ع) آینه‌ی حُسن خداوندی است، تصویر زیبای عشق که در صورت خاکی نقش بسته است، او در آغوش پاک‌ترین مادران عالم چشم به جهان گشود و میوه قلب رسول الله شد؛ و مادر گرامی‌شان حضرت زهرا (س) چه زیبا و باشکوه لحظه ولادتشان را توصیف فرمودند:

پس از در آغوش گرفتن فرزندم حسن (ع) بار دیگر حرارت قلبم را در جسم خاکی جانم آنچنان حس کردم که ملکوتیان عرضه داشتند: ای دخت پیامبر، در جان مبارکتان چه اسراری شکوفا شد که اینچنین به سخن درآمد و من پاسخ دادم: آنگاه که پروردگارم امر فرمود: من خلیفه‌ای می‌آفرینم، صورتی مطهر نمایان گشت؛ همگان به تماشایش سرمست گشتند و پروردگار فرمود: این نقش را به خاطر بسپارید تا راز عشق را آشکار سازم؛ همگان سر تسلیم فرود آوردند؛ آن نقش در جان من جای گرفت و نامش آشکار گردید. پس نام حسن آشکار کننده‌ی حُسن خلقت است در نقش پذیری صورت خلیفه؛ تمام نقش‌ها نشان از خالق مدبر دارند که آمدنشان امر پروردگار را در قالب جان‌ها به نمایش می‌گذارد تا ضربان قلب‌ها را به یک ضربان ختم کند و آن ضربان توحید است. پس محبت به فرزندان من محبت به خلقتی با عظمت است پس نامشان را زینت جانتان کنید و همواره حرارت محبت پروردگارتان را در قالب سینه‌تان حس کنید. امامت رمز عشق به الله است آنگاه که بندگان پروردگار کریم در جستجوی این رمز باشند آن را پیدا نخواهد کرد مگر در سینه‌ی جانشینان پیامبر اکرم (ص) پس اطاعت از دستورات آنان بندگان را از خشم الهی نجات می‌دهد و به‌سوی نجات از صحرای قیامت مژده می‌دهد.

آری امام حسن (ع) میوه‌ی مبارک قرآن و عترت است. مبارک باد یاد و نامش که در نیمه‌ی ماه قرآن، بدر کاملی در آسمان امامت بود و امشب فرشتگان نام پربرکتش را با افتخار بر لب دارند نامی که جد بزرگوارشان پیامبر اکرم (ص) بر ایشان نهاد و بر پیشانی زیبایش بوسه زد و در زمان حیاتشان هرساله در شب نیمه‌ی رمضان به شکرانه میلاد نوه‌ی گرامی‌شان همه را به افطاری مهمان می‌نمودند و امام حسن (ع) را بر روی زانوان مبارک خود می‌نشاندند و برای همگان آیه‌ی کریمه‌ی مودت به اهل‌بیت را تلاوت می‌فرمودند. تا همگان را متوجه شأن و مقام اهل‌بیت به‌ویژه امام حسن (ع) بگردانند اما امام حسن (ع) در زمان امامتشان با مردم صد رنگی روبرو بودند که دل‌هایشان در گرو دنیا بود. زبان‌هایشان به پیمان بسته، اما دست‌هایشان آماده‌ی خیانت. معاویه با وعده‌های فریبنده و زر و زیور، یاران امام را فریفت و سپاه ایشان را از درون تهی کرد. او با دروغ‌پراکنی، چهره‌ی مظلوم و صلح‌طلب امام را مخدوش

ساخت و در نهایت، امام را به صلحی تحمیلی واداشت؛ صلحی که نه از سر ضعف، بلکه از سر درایت و حفظ خون شیعیان بود.

او کریم اهل بیت بود، اما کرامتش را با کینه پاسخ دادند. او صلح کرد، اما دشمنانش جز جنگ و فتنه چیزی نمی شناختند. او پناه مردم بود، اما در میان همان مردم، تنها و غریب ماند.

اینک ما در این شب عزیز دست تمنا به دامن پر مهر و کرامتش دراز می کنیم و می گوییم:

ای کریم اهل بیت! از همان لحظه ای که در آغوش مادر، آرام گرفتی، رحمت الهی در زمین جاری شد. تویی که پیامبر (ص) در گوشت اذان گفت و بوسه بر پیشانی ات زد، گویی از همان آغاز می دانست که این چهره ی نورانی، روزی غربت و جفا خواهد دید، اما با کرامتش، عشق را به عالم خواهد بخشید.

یا ابا محمد! دستانمان خالی است و دلمان پر از خواهش. به کرامت بی حدت پناه آورده ایم، ای آقایی که حتی دشمنان از لطف بی انتهای تو بهره بردند! دل های شکسته را جز تو مرهمی نیست، ای که مهربان تر از باران بر زمین نیازمندان می باری. امشب، به حرمت میلادت، به حرمت لبخند پیامبر (ص) در آن لحظه ی مبارک، نگاهت را از ما بگیر. دل های ما را به نور محبت روشن کن و دست های نیازمندان را از کرامت بی بهره مگذار.

ای کریم آل طاهرا از تو درخواست داریم که در این شب مبارک از خداوند بخواهی که به حق دل صبری که داشتید ظهور آقا و مولایمان را نزدیک بگرداند که ما نیز چون شما دلی پر خون از فتنه و دورویی و بی دینی مردمان عصر خویش داریم پس به امید اجابتش همه باهم فریاد می زنیم:

اللهم عجل لولیک الفرّج

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۷ اسفند ۱۴۰۳

خطبه‌ی شب ۱۹ رمضان شب قدر

سلام بر ایام و ساعت‌هایش، دقیقه‌ها و ثانیه‌هایش، بر جانشینان برحقش همانانی که عمر خویش را در هدایت مردمان عصر خویش گذراندند و آنچه از خود باقی گذاشتند آثاری است که تا قیامت بر پیشانی زمان می‌درخشد تا حق و باطل از یکدیگر جدا شود. حق تا ابد بر حق مداران مدالی باشد بر سینه‌هایش که نشان از دولت ظهور دارد.

غروب ۱۸ رمضان از راه می‌رسد تا نوید وعده‌ای را بدهد که در دل امشب نهفته است. زمین از آمدنش مسرور است زیرا گل‌های قدر در جانش به بار می‌نشیند. قدر نشینانی که هم آغوش خاک شده‌اند و جان مطهرشان از نعمتش به مانند بارانی که از رحمت پروردگار بر سرزمینی تشنه می‌بارد تا هزاران گل خوشبو را برویاند بهره‌مند می‌شوند. شب میلاد معجزه‌ای که به مانند خونی در رگ‌ها در جریان است و پروردگار می‌فرماید: تو چه دانی که قدر چیست؟ کدام جان قادر است تا نعمتش را بشناسد؟ آیا هزار ماه را در عمرش گنجانده است تا بزرگی‌اش را درک کند؟ خورشید غروب می‌کند، شب آغاز می‌شود، پیامبر (ص) به مسجد می‌رود؛ یا رب به امتی ترحم فرما که تاریکی وجودشان نور قدر را نمی‌شناسد. او به دنبال ذخیره‌ای است که در ثروت امشب نهفته است. می‌خواهد تا هزار ماه را برای خودش ذخیره کند درحالی‌که ذخایر جانش را به شیطان نفس می‌فروشد. روزه‌داری که سختی راه را نمی‌شناسد، او از امر پروردگار اطاعت می‌کند، لذت طعام را بر خود حرام کرده و از خوردن و آشامیدن پرهیز می‌کند، شکمش خالی است و قلبش در حرارت تمنای دنیا در سوز و گداز است. تو را به نجات می‌خواند، توبه می‌کند، از مرگ می‌هراسد و با طلوع خورشید روز دیگری آغاز می‌شود. هزار ماه در همان شب مدفون می‌شود و آثارش در جانش باقی نمی‌ماند. چاره این همه تغییر را در کجا جستجو کند. او خودش را نمی‌شناسد، هدفش را از عبادت نمی‌داند، به دنبال ثوابی است که در معرفت شب قدر نشانی از آن یافت نمی‌شود.

قدر گنجینه‌ای است که عمرها را به جاودانگی می‌خواند مانند امیرمؤمنان (ع) که در سحر آن جاودانه شد و طبق وعده الهی فرشتگان آمدند تا خبر شکفته شدن جان مطهرش را در هزار ماه بدهند. گوش‌ها صدای الغوث را می‌شنود و زبان‌ها به حرکت درمی‌آید تا از آتشی به خدا پناهنده شود که در جانش شعله‌ور است و پروردگار با بندگانی که حقیقت جانشان را بشناسند مهربان است.

پس دست به دعا برمی‌داریم:

یا رب، به زبان روزه‌دار این ماه که همه‌ی عالم محتاج نگاه پرمهرش می‌باشد به ما امت رسالت ترحم بفرما و این شب‌های پرنور را در طلوع دولت حق جاودانه بفرما تا قدرمان هرگز به طلوع دیگری پیوند نخورد و ما گدایان حکومت حقه در سایه‌ی امام و رهبرمان از تاریکی نفس اماره به سلامتی نفس لواحه برسیم و همچنان مولایمان را بخوانیم به دعای:

اللهم عجل لولیک الفرج

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی شهادت امام علی (ع) شب ۲۱ رمضان شب قدر ۲۹ اسفند ۱۴۰۳

سلام بر زمان و حکایت‌هایش که عمرها را در عقربه‌های خویش می‌چرخاند تا عملی را به ثبت برساند که سازنده دنیایی به نام برزخ است. همه‌ی آفریده‌ها به طرفش به حرکت درمی‌آیند. جهان ناشناخته‌ای که پذیرای جان‌های بدون قالب است. قالب‌ها نقش جانی را به همراه دارند که شناسنامه قیامتشان است و زندگانی که با هر دو نقش در حرکت هستند و نامشان را در حیاتشان می‌شناسند. روزها و شب‌ها در تلاش هستند تا جبر عمر را بگذرانند، عمری که خود سازنده آن هستند. قالبی که به هر نقشی که بخواهند آن را می‌تراشند و کتاب آسمانی بهترین نقش‌ها را در هدایت انبیاء رقم زده است تا قالب‌ها به طرف هدف آفرینش حرکت کند و به صورت ملکوتی خلیفه‌ای درآید که حکمران تمام نعمت‌های عالم است و زمان اصلی‌ترین نقش را در این تبدیل به عهده دارد؛ مانند زمان فعلی که مردمانش با دانش خویش در حرکت هستند. دین و آنچه به جانشان نقش حقیقت را می‌دهد بازیچه‌ای است که کتاب آسمانی می‌فرماید: زندگی دنیا فقط بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی‌تان به یکدیگر و افزون‌خواهی در اموال و اولاد است.

چنین عمری در گذر زمان می‌رود تا به انتها برسد. قالبش به خاک می‌رود و عملش به جهانی منتقل می‌شود که آن را باور نداشته. او با تقویم ذهنش دنیای خویش را ساخته است. روزها تفاوتی با یکدیگر ندارند، شب‌ها مانند یکدیگرند، می‌آیند و می‌روند و اگر متوجه تغییری شود باز با همان هدف به استقبالش می‌رود.

چه تفاوتی بین سه شب قدر است. همه‌ی شب‌ها مانند یکدیگرند. چرا به جای سه شب پروردگار تمام نعمت‌ها را در یک شب قرار نداده است؟ برای کسی که درکی از هزار ماه ندارد تفاوتی نمی‌کند سه شب باشد یا یک شب. تمام نعمت‌ها مال صاحب نعمت است، همانانی که پروردگار نشانی‌شان را در کتاب خود می‌فرماید و امشب صاحبان نعمت را در دل خود جای می‌دهد. سفره‌ای به اندازه هزار ماه در مقابلشان

می‌گسترد تا از فضل امام و رهبری که ضامن روزهی روزه‌دارانی است که جز به عشق و اطاعت دهان از طعام نبسته‌اند. آمده‌اند مهمان سفرهی اسدالله شوند. با سینه‌ای آتش گرفته از کفر زمان فرزندش را به مدد می‌خوانند:

ای فرزند بهترین خلق خدا به ما گم‌گشتگان بین کفر و ایمان ترحم فرما تا راه اطاعت در پیش گیریم و عاشقانه نام با جلال‌تتان را بخوانیم تا چند صبحی که روزه‌داری‌مان باقی مانده را به عیدی پیوند بزنیم که فطرتمان در آرزوی آن است و همواره شما را بخوانیم به دعای:

اللهم عجل لولیک الفرج